

طرحی نو...

طرحی نو

در اصلاح نگارش خط فارسی

دکتر علی اکبر خانمحمدی

تابستان ۹۴

دیگر عناوین: طرحی نو در فارسی نویسی . خط فارسی . اصلاح خط فارسی . نگارش فارسی

طرحی نو...

- درآمدبحث

من نمی دانم این زبانشناسان ازجان خط فارسی چه می خواهند که هر از گاهی بدون توجه به سابقه ، پیوند باملیت و هویت فرهنگی ما ، نادیده انگاشتن بیش از ده قرن میراث ادبی و هنری ما ، به جان آن می افتند و نه در حد اصلاح و تکمیل ، که در حد تعویض آن رأی می دهند. قبل از این استاد بزرگوار آقای دکتر محمد رضا باطنی در نشریه اینترنتی «آریادیب» چنین مطالبی عنوان و اینجانب در حد اختصار طی مقاله ای به آن پاسخ دادم ، و در حال حاضر هم آقای دکتر کورش صفوی یکبار دیگر این نغمه را از سر گرفته که نه اصلاح ، نه تکمیل ، بلکه فقط تعویض [که امیدوارم از سر جوانست و جویای نام آمده نباشد!].

اینجانب بدون اینکه ادعایی در زبانشناسی و کاردانی در این باب داشته باشم ، فقط به صرف اینکه دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی ، و نیز دوره هایی مدرس فارسی برای خارجیان در خارج کشور بوده ام ، و نهایتش یک فارسی زبان تصور می کنم صلاحیت این را داشته باشم ضمن پاسخ به برخی شبهات در این باب ، راههای مقابله بانابسامانی خط فارسی را در قالب طرحی جامع ، که اقرار دارم در شرایط فعلی مملکت به اجرا در آمدن آن شاید بعید ، لیکن ذخیره روزی باشد که امکانات اجرایی شدن آن فراهم آید ، ارائه دهم .

طرحی نو...

بدین واسطه وازهمین ابتدای گویم که به طورقاطع اعتقاد دارم به دلایلی که خواهدآمد درمقطع زمانی فعلی تعویض خط ولاتینی نمودن آن ، یا حتی قائل شدن به دوخط ادبی و فنی برای فارسی ، به مصلحت نبوده و نیست ، ولی در آینده نچندان دور ، وروزی که نوبت بازسازی این مظهر هویت ملیمان بشود ، خط فارسی باشرایط وامکاناتی که ذکرخواهدآمد ، یکباردیگرچون ققنوس سراز خاکسترخط فعلی برخوردارآورد ، ودرقالب یک طرح جامع اصلاحی تصحیح و تکمیل خواهدشد . طرحی ملی و باکوشش همگانی ، فراگیربه مثابه یک اصل مملکتی و فراقانونی برای حفظ ملیت و قومیت ایرانی ، بامشارکت داوطلبانه محافل دولتی و آحادسوادداران مملکت . بامرحله بندی و تعیین مقاطع زمانی مناسب ، باآزمونهای حساب شده و مقطعی ، نمونه برداری و خلاصه تمام آن کارهایی که دراین مواقع برای آسیب نرساندن به اصل و اساس خط لازمست . به امیدآن روز.

می ماند درپایان این پیشگفتار یا آوری دو مطلب:

یکی آنکه دست مددو همکاری همکاران و علاقمندان به زبان و خط فارسی درهرمقطع و مقامی رامی فشارم و حداقل چیزی که ازآنان می خواهم مشارکت به هر طریق ممکن دراین امر اصلاحگری مربوط به تمدن و پیشینه فرهنگ و ادب فارسی ، و به موازات آن باز نشر این نوشته و در معرض دید همگان نهادن آنست .

طرحی نو...

دوم اینکه منابع ارجاعی من غالباً از طریق اینترنت ، حتی المقدور با ذکر منبع مربوط بوده است ، واگر در این زمینه قصوری مشاهده می شود پیشاپیش از همه خوانندگان این سطور عذرخواهی نموده و مشتاق شنیدن نظرات و پیشنهادات دیگرشان هستم . کانال ارتباطی بنده : Khan_m_aa@yahoo.com

طرحی نو...

فهرست مطالب این نوشته :

- الف : مقدمه و کلیات طرح
- ب : سه دیدگاه عمده در این طریق
- پ : خط ماعربی است یا فارسی؟
- ت : زمان بندی و مراحل اجرای طرح
- ث : سابقه نظرات اصلاحی پیرامون خط فارسی
- ج : رد پای طنز در تغییر خط
- چ : در لزوم طرح این مسئله در زمان حاضر
- ح : نظر دانشمندان متأخر در مخالفت با تغییر خط
- خ : نظری به آراء معتقدین امروزی تغییر خط فارسی
- د : نه تغییر ، نه اصلاح ، دو خطه کردن فارسی !
- ذ : خط معیار کدامست؟
- ر : معایب خط موسوم به لاتین برای جایگزینی
- ز : باید ها و نبایدها در اصلاح نگارش فارسی
- س : بازنگری اشکالات عمده خط کنونی و توصیه های اصلاحی

۱- داشتن حروف متعدد با تلفظ یکسان

۲- عدم جایگزینی مصوت‌های سه گانه در کرسی خط

۳- عربی نویسی یا فارسی نویسی؟

طرحی نو...

- ۴ - حروف واحداشکال نگارشی متفاوت
 - ۵ - تطبیق نداشتن آنچه گفته و آنچه نوشته می شود
 - ۶ - دخالت دادن خوشنویسی در نگارش معمولی
 - ۷ - مسیر نگارش حروف و عددیکسان نیست
 - ۸ - متمایز نبودن اسامی خاص از اسامی عام
 - ۹ - قانونمند نبودن حروف الحاقی و تکمیلی آخر کلمات و افعال
 - ۱۰ - بلاتکلیفی در چسبیده نویسی یا جدانویسی حروف
 - ۱۱ - دنداندار بودن برخی حروف و عدم رعایت صحیح آن
 - ۱۲ - همسانی شکل برخی حروف و تمایزشان از باب نقطه هایشان
 - ۱۳ - نگارش فارسی طبق قواعد عربی
 - ۱۴ - مشکل علایم تلفظی خارج کرسی خط چون تنوین و تشدید و..
 - ۱۵ - عدم رعایت دقیق فواصل کلمات و در نتیجه خدشه به استقلال
- والبته برخی اشکالات ریز و درشت دیگر از نظر زبان‌شناسان و دست اندرکاران خط و نگارش که طبعاً در صورت اجرایی شدن طرح از آن ناحیه اعلام و به اجرا درخواهد آمد.

طرحی نو...

الف : مقدمه و کلیات طرح

اشکالات و نواقصی که در همه خطوط جهان پدید آمده و پدیدمی آید ناشی از دو علت اساسی است : یکی در اصل خط ، و دیگری بر اثر تغییر و تحول زبان. آنچه در اصل خط توجه برانگیز است دقت لازم در ثبت همه دقایق تلفظ است که اغلب موجب دشواری شیوه خط می گردد ، به ویژه زمانی که زبانی توسعه بسیار یافته ، و در کشورهای دیگری که به آن زبان سخن نمی گویند رایج شود. به عنوان مثال در خط عربی نقطه و علامت های حرکات وقتی به وجود آمد که زبان عربی نزد ملت های غیر عرب معمول شد. با این حال هیچ خطی هر قدر دقیق و شماره علامت آن فراوان باشد، ممکن نیست که کاملاً منطبق و نشان دهند کیفیت تلفظ در آن زبان باشد. خصوصاً با کمک علامت بیشمار حروف نیز ، تا کسی با تلفظ زبانی آشنا نباشد ، محالست عبارت و کلمات آنرا مانند اهل آن زبان ادا کند.

اما نقصی که بر اثر تحول زبان و به تدریج در خط حاصل می شود مشکل دیگری است که همه ملت ها و خطوط عالم با آن رو به رو هستند . واقعیت اینست که بعضی از حروف و اصوات زبان در طی زمان تغییر می پذیرند ، و این تغییر بیشتر در گفتار روی می دهد ، در حالیکه خط سعی دارد همیشه صورت کهن تلفظ را حفظ می کند . از

طرحی نو...

اینجا که در طول زمان میان گفتار و نوشتار فاصله افتاده و ثبت صحیح گفتار مشگل می نماید .

از دیگر تبعات این گستردگی و خلوص زبان گفتاری ، که نوشتار همواره هم از آن تبعیت نمی کند ، یکی هم آن که هر زبانی ناگزیر لغاتی از زبان های دیگر به عاریت می گیرد ، و اگر شیوه خط در این دو زبان یکی یا نزدیک به هم باشد (مثل فارسی باعربی) طبعاً کلمه دخیل به همان املاهای خارجی در نوشتن به کار می رود که اغلب با املاهای زبان اصلی تفاوت دارد . از اینجاست که برای الفاظ واحد علایم نگارشی متعدد پدید می آید.

در خط فارسی نمونه ی همه این موارد را می توان به وضوح مشاهده کرد. نظربه اینکه در زمانی خط عربی برای نوشتن فارسی به کار رفته ، ناگزیر کلماتی که از آن زبان اخذ شده بود به همان صورت اصلی نوشته شد . حال آنکه به یقین در هیچ دوره ای حروف خاص عربی را فارسی زبانان به درستی چون یک عرب زبان تلفظ نکرده اند . چرا که دستگاه تولید اصوات آنان به طور ژنتیک وارثی بادستگاه تولید عربی ناهمخوانی داشته است . در زبان های دیگر نیز این گونه موارد نمونه های متعدد دارد. شاید در بین زبانهای از اصل لاتن دو زبان انگلیسی و فرانسه باریشه مشترک بیش از همه زبان های جهان دچار اختلاف تلفظ و خط باشند.

طرحی نو...

پس از این مقدمه کوتاه اجازه می‌خواهم ورود به مطلب رابافرازی از مقدمه کتاب ارزشمند «غلط ننویسیم» از استاد فرزانه ابوالحسن نجفی قرار دهم که در آن با وضوح تمام نشان حیاتی بودن مطلب، و لزوم پرداختن بدان مشهود است.

سخن گفتن (و نوشتن) به فارسی برای کسانی که این زبان (و خط) را از کودکی آموخته اند ظاهراً کار آسانیست. مابه همان سادگی که نفس می‌کشیم بادیگران صحبت می‌کنیم. اما نوشتن به فارسی به این آسانی نیست. هنگامیکه قلم به دست می‌گیریم تا چیزی بنویسیم، حتی اگر یک نامه کوتاه باشد، غالباً درنگ می‌کنیم و با خود می‌گوئیم: آیا آذوقه درست است یا آذوقه؟ چمدان یا جامه دان؟ حوله یا هوله؟ بوالهوس یا بلهوس؟ خواروبار یا خواربار؟ طوفان یا توفان؟ خشنود یا خوشنود؟ لشکر یا لشگر؟ انزجار یا انضجار؟ بنیانگذار یا بنیانگزار؟

نواری که روی زخم می‌بندند آیا تنظیف است یا تنزیب؟ هواصاف است یا صافی؟ نواقص باید گفت یا نقایص؟ رئیس دچار غیظ شده است یا غیض؟ به من مظنون است یا ظنین؟ ومن دچار محذور شده ام یا محظور؟ آیا حسابم راباطلبکارم تصفیه کرده ام یا تسویه؟ آیا اومی خواهد برای دخترش جهاز بگیرد یا جهیز یا جهیزیه؟ آیا در آمدن دچار نکس شده است یا نکث. و آیا اصلاً این دو کلمه به معنای کاهش است؟ (از پیشگفتار کتاب «غلط ننویسیم» تألیف استاد ابوالحسن نجفی)

نکات کلیدی این عبارات چنین است که اولن به ساده ترین زبان و با ذکر مثالهای مناسب مسئله، یابه عبارت صحیحتر مشکل خط و نگارش امروز ما را با اشاره بر موارد تاریک و تردیدبرانگیز، که حتی برای استادان زبان و دستورنویسان هم جای بازنگری دارد بیان داشته است. مثالهایی از قبیل همسان بودن تلفظ معدودی از حروف الفبا، اشتباه در معانی پاره ای لغات، ترجیح جمعهای مکسر عربی یا فارسی. تکلیف حروف زاید که با تلفظشان همخوانی ندارند، مثل واو معدوله در خواهر یا خواروبار. اضافه هایی

طرحی نو...

چون درب به جای در ، صافی به جای صاف ، ترجیح لغات عربی نزدیکتر به فارسی یادورتر از آن ، مثل تسویه به جای تصفیه ؟ و خلاصه بسیاری گفتنی های دیگر که ما قصد داریم با طرح تفصیلی نگارش خط فارسی راه حلی اساسی برای همه آنها نشان دهیم .

چند سال پیش راقم این سطور مقاله ای بلند با عنوان «خط فارسی رادریابیم» در اینترنت منتشر ساخت که باعث گفتگوهای شد که از شرح آن می گذرم . اینک با تکمیل آن نوشته ، و گرایش بیشتر به جزئیات ، آن را تکمیل ، و به عنوان یک طرح جامع و کامل ، ملی و قابل اجرا [البته در آینده ای نچندان دور] به معرض قضاوت جامعه و اهل فن ، از استادان و نویسندگان و روزنامه نگاران و... خلاصه تمام باسوادهای مملکت می گذارم . گرچه حق اینست که بگوئیم با توجه به شرایط فعلی مملکت ، و مشکلات عدیده ای که بر سر راه دارد ، پرداختن به این امر خطیر که ضرورت بسیج همگانی تمام آحاد مملکت رامی طلبد جای تأمل دارد . ولی ما بناداریم حرف خود را بنزیم تا روز و روزگاری که شرایط فراهم بود جزو طرحهای قابل اجرا به کار آید.

اما اصل مطلب اینکه به دور از هر مجامله و تعارف باید گفت خط نگارشی امروز فارسی سخت بیمار است . بیماری ای که با تجویز مسکنهای مقطعی و انجام جراحی های هرازگاه کارش به سامان نمی رسد . تسکین دهنده هایی از قبیل نوشتن تنوین عربی با

طرحی نو...

نون فارسی ، علایم تکمیلی که در انتهای کلمات و افعال آید ، چون یای نسبت ویای وحدت ومیم فاعلی ومفعولی رامستقل کردن وازاین قبیل .

نه که پنداشته شود این بیماری صعب امروز و دیروز گریبان گیر آن شده است ، بلکه از همان حوالی قرن سوم و چهارم هجری ، که با گرفتن نیمچه استقلالی از حکومتهای عربی ودینی ، ناگزیر حسابش رابازبان وخط عربی به عنوان زبان وخط دینی وحکومتی جدانمود ، این بیماری خودرانشان دادودرطول زمان بروخامت آن افزوده شد.

مادراینجا قصد نداریم برخلاف بعضی منتقدین مُغرض ، که سرچشمه همه مشکلات خط وزبان فارسی راناشی ازتداخل حروف وکلمات عربی در آن می دانند ، خدای ناکرده زبان عربی یا هر زبان دیگری راتخطئه وعامل نابسامانی خط امروز فارسی معرفی نماییم . خیر. از نظر ما هر زبان نمودار فرهنگی خاص . ولذا شخصیت واصالت خود را دارد . بلکه مشکل به نظرمانجمادخط وزبان ، چه از نظر دستوری وچه لغت سازی از همان زمانهاست ، که خط مارا از پویایی وساخت وساز جدیدمانع گردید .

از آن گذشته ادبای قدیم ما که در اکثر موارد برای گسترش لفظ در معنی واحد ، وعدم تکرار آنچه گفته شده نیازمند لغات وترکیبات تازه بودند ناگزیر دست به دامن نزدیکترین زبان که همان عربی بود زدند و آوردند آنچه آوردند . صرفنظر از مقولات دینی که این اختلاط از ضروریات ، ولذا چنین شد که در حال حاضر شاهد آن هستیم .

طرحی نو...

البته ناگفته نماند نارسایی خودعربی در برخی موازین علمی، به اضافه این اختلالاتها چنان بود که از همان زمانها فریاد اهل قلم چون ابوریحان بیرونی و دیگر اهل تحقیق و تألیف رادر آورده بود که با این خط ناقص و نابسامان چه باید کرد؟

اما آنچه مورد پیگیری ماست بحث جدی و امروزی پیرامون خط فارسی می باشد که از حوالی یکصد و پنجاه سال پیش توسط کسانی چون آخوندزاده، طالبوف، میرزا ملکم خان و تنی چند از دیگر بزرگان آن دورانها آغاز شده بود، کسانی که ذکر پیشنهادات اصلاحی و یاتعویضیشان در منابع معتبر رفته، و مادر آینده گوشه هایی از آنهمه را بازگو خواهیم کرد. تامی رسد به دوران جدید که شاهد اظهار نظرات رسمس و مطبوعاتی استادان زبان شناس حال حاضر، چون دکتر محمد رضا باطنی دکتر کوروش صفوی در تغییر خط و جایگزینی خط رومیایی (لاتین) به جای آن هستیم.

چند کلمه هم راجع به اقدامات رسمی و کمابیش فرهنگستانی در دوره های اخیر، و خصوصاً بعد انقلاب اسلامی مربوط و در حمایت از خط فارسی بگوئیم. صرف نظر از مقالات و نوشته های پراکنده و سلیقه ای که هر از گاهی وبه مناسبتی در نشریان مختلف فارسی درمی آمدومی آید، و با در نظر داشتن کتابی پر بار و مستدل چون «غلط ننویسیم» از استاد ابوالحسن نجفی. معهدا در مورد اقدامات رسمی و قانون مدارانه فرهنگستانی مملکت و در حمایت از خط فعلی فارسی، چه قدیمتر و چه جدید، تا آنجا که راقم این

طرحی نو...

سطور می داند از جمله تاکنون سه دستورخط یا قانون برای نگارش خط فارسی به طور رسمی و مورد تأیید مراجع مربوط درآمده و در اختیار محافل دانشگاهی، مطبوعاتی و عموم نویسندگان به خط فارسی قرار گرفته که به ترتیب تقدم و تأخر زمانی عبارتند از:

۱ - کتابچه با عنوان «نکاتی در باب رسم الخط فارسی» تهیه شده توسط استادان

دانشگاه تهران و از نشریات دانشکده ادبیات همین دانشگاه، تاریخ مقدمه آن ۱۳۵۱ شمسی، به اهتمام زنده یاد مجتبی مینوی وزیر نظر استادان وقت دانشکده ادبیات: آقایان دکتر عباس زریاب خویی، دکتر ناصر الدین شاه حسینی، دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر مهدی محقق، دکتر یحیی مهدوی، استاد مجتبی مینوی و دکتر سید حسین نصر.

۲ - شیوه املا فارسی (برای اجرا در مرکز نشر دانشگاهی) و به اهتمام همین مرکز، تهران ۱۳۶۴. قابل یادآوریست که در تاریخ یادشده مسئولیت این مرکز با آقای دکتر نصرالله پورجوادی بوده است.

۳ - دستورخط فارسی، به اهتمام دکتر حداد عادل، عضو و بعداً رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به انضمام دیگر نشریات این فرهنگستان در دوره جدیدش، که نسخه چاپ الکترونیکی آن به نظر راقم این سطور رسیده است. و چنانکه در آغاز نسخه ادعاشده مواد این دستورخط مستخرج از نظرات کمیسیونی است منعقد شده در سال ۱۳۷۲ به ابتکار آقای دکتر حسن حبیبی، ریاست وقت فرهنگستان، و به مدیریت دکتر

طرحی نو...

علی اشرف صادقی ، وبعدها از ایشان استاد احمد سمیعی . دیگر اعضا دکتر محمد رضا باطنی ، دکتر جواد حدیدی ، دکتر علیمحمد حقشناس ، دکتر حسین داودی ، استاد اسماعیل سعادت ، استاد احمد سمیعی ، مرحوم دکتر جعفر شعار ، دکتر علی اشرف صادقی ، مرحوم دکتر مصطفی مقربی و استاد ابو الحسن نجفی.

در یک نظر کلی به این هر سه اثر که برای مانماینده سه مقطع زمانی مشخص و از مراجع رسمی هستند ، ملاحظه می شود که هدف این هر سه نوشته فقط قانونمند کردن و درست به اجرا در آوردن آنچیزهائیکست که وجود دارد و نه چیزی برتر از آنان . و در مقابل بی توجهی محض به مشکلات عمده و اساسی خط فارسی که به واقع امروز موجودیت آن را تهدید می کند . مشکلاتی که این نوشته بنادارد در درجه اول حلاجی ، تا حد ممکن از صعوبتشان کاسته ، و حتی المقدور به عنوان عیوب اساسی خط فعلی فارسی که قابل تصحیح و تکمیل است به چالش کشیده ، و سرانجام راههای مقابله با آنان در قالب یک طرح جامع را ارائه دهد.

البته از مجامعی محدود در فرامین حکومتی جز این هم انتظار نمی رود، ولی واقعیت اینست که مادر فارسی مثلی داریم با این عبارت که «از حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی شود» پس باید دامن همت به کمر زد و با ایجاد تحولی اساسی و با عزم ملی در خط فارسی نه تنها این مشکلات ، که از دیروز تا امروز و تا فردا دامنگیر اجداد ما ، خود ما ، فرزندان

طرحی نو...

نوآموزما ، خارجییانی که مایل به آموختن خط وزبان مابه ساده ترین وقانونمندترین وجه ممکن هستند ، اژدهای کامپیوتر واینترنت که همه چیزرامی بلعدو تحلیل می کند ، باحداقل استثناها و حداکثر قاعده ها جواب دهیم . دریک کلام نه تنها چشم امروزها که نظر آیندگان هم به سوی ماست تاچه می کنیم وچه خواهیم کرد . همتی درجهت نه تنها بقای خط فارسی دراین غوغای تعویض خط ، بلکه بیش ازبیش برغناهی خطمان افزوده و آنرا جهانی کنیم ، از معایب غیرقابل اجتناب آن بکاهیم . تاباشد که به قول استاد طوس عجم رایک باردیگر زنده کنیم بدین خط فارسی .

ضمن اقدامات بی ثمر فرهنگستانی فوق ، ازدیگر فعالیتهای دلسوختگان این طریق کوشش درجهت یکسان نمودن رسم الخط فارسی بوده است ، آنچه شاهد هستیم هنوز همگان برسر یک نگارش واحد که عموم اساتید و اهل فن روی آن اجماع کرده باشند توافق نشده است. به حدی که جدای از چندین شیوه نامه رسمی محافل علمی ، همچون «شیوه نامه سمت» ، «نشر دانشگاهی» ، «فرهنگستان» و «آموزش و پرورش» بازبه تعداد سلیقه ها رسم الخط و شیوه نگارش فارسی داریم . هر ناشری برای خود به قاعده ای دلخواه عمل می کند ، در نتیجه این تعددها طبعاً موجب پریشانی و پراکندگی بیش ازبیش شده ، تاجائیکه بعضی جرئت ورزیده و خواهان برهم زدن اساس خط فارسی باقدمت بیش ازیکهزارساله و آوردن خط جدیدی شده اند .

طرحی نو...

از این جهت می گوئیم به واقع این نوشته پاسخی تواند بود به زمزمه تعویض خط ، که روز به روز هم بلندتر می شود ، زمزمه هایی که نه تنها خط ، که زبان و هویت ملی ما را هدف گرفته و در معرض تهدید قرار داده است . این مغلطه بیجا تا آنجا پیش رفته که بعضی و فوری سوادی در کشور ، در گذشته و زمان حال را ، هم یکی از نتایج غیر مستقیم پیچیدگی و غیرسراسر است بودن خط فعلی فارسی قلمداد کرده اند . آنچه به هر حال باید فکری اساسی از برای آن کرد . به فرض سعی در قانونمند کردن ظواهر مشکلات موجود و قبولاندن آنچه هست ، نه تنهادر دی را از خط فعلی ما دوا نمی کند که خودمشکلات جدیدی هم می آفریند ، چیزی در حد دخالت سلیقه ها .

یک مطلب دیگر آنکه مبادات تصور شود بر طبق طرح اصلاحی ، افزودن و کاستن در خط فارسی بی سابقه ، ولذات تصویر نادرستی از تکاملهای اصلاحی گذشته به دست دهند . مگر نه اینکه از قریب یکصد سال پیش که علایم سجاوندی وارد خط و نگارش ما شده و امروز جزء لاینفک آن محسوبست نوعی از همین کم و زیاد کردنها بوده است؟ به نوشته های قبل از آن زمان نگاه کنید تا متوجه منظور ما بشوید . خلاصه باید قبول کرد شکل ظاهری خط ، جدا ماهیت فرهنگی و تاریخی آن ، و جزیک سری علایم قراردادی که در طول زمان می توانند تغییر و تکامل یابند نبوده و نیست .

ب - سه دیدگاه عمده در این طریق

طرحی نو...

اینک که آرام آرام به متن این نوشته و نتایج اولیه ای که می خواهیم از آن بگیریم نزدیک می شویم مناسب می نماید نخست دیدگاههای عمده در طریق اصلاح یا تعویض خط فارسی راجع بندی ، و آنگاه برسیم به طرح مسایل مربوط به خط .

در بحث از آنچه معایب خط فارسی می خوانیم ، از بین دیدگاههای مطرح سه دیدگاه به نظر مقابل جمع بندی است : (یکی - نظر محافظه کارانه مبنی بر بقای آن به همان گونه که هست ، در جهت حفظ ترکیب و نمای سنتی اش . (دوم - رأی بر تعویض آن از بیخ و بن ، و جایگزینش با خط رومیایی (لاتن) و سرانجام (سوم - قایل شدن به استعداد و توانایی این خط برای بازسازی و تکمیل نواقص . به بیان دیگر اصلاح و ترمیم این خط با کوششی همگانی و در راه احیای زبان و فرهنگ قومی ما .

اولین دیدگاه ، چنانکه اشاره شد ، بازمی گردد به حافظان سنت ، و دلیل بارزشان بر این حمایت همان سنت پرستی ، و مقابل قرار گرفتن با تجدید گرایان در تغییر یا بازسازی خط فارسی است . این سنت گرایان خط و زبان را باعث افتخار ملی مامی دانند که از جمله بعد از قریب هزار و اندی سال هنوز نو آموزان ما زبان رودکی ، و از آن بیشتر اشعار شاهنامه را کمابیش به راحتی خوانده و می فهمند و معانی آن را درک می کنند . به زعم آنان این نیست مگر در اثر پایداری و دست نخوردگی زبان و خط که چنین موهبتی را نصیب ما ساخته است .

طرحی نو...

آنهامی گویند امروز در بین ملل دنیا مفتخریم که ادبیاتی و خطی انتقال دهنده فرهنگ و تمدنی با قدمت بیش از هزار سال داریم که هویت ملی ما را یکدک می کشند. این در حالی است که مثلاً در زبان انگلیسی آثار شکسپیر که شاعرو نویسنده ای از قرن ۱۶ [قریب پانصدسال پیش] میلادی است امروز برای نوآموزان و اصولاً خوانندگان انگلیسی زبان خواندنش دشوار و نیازمند به کارگیری فرهنگ لغت قدیم و جدید این زبان است تا درک و فهمیده شود. همین وضع را کمابیش زبان فرانسه و خواندن آثار رابله یا راسین دارد و به همین ترتیب چه بسا زبانهای دیگر.

بنابراین، این گروه مخالف هرگونه تعویض و یا هرگونه اصلاح و تکمیل در خط هستند، و به عبارتی همان شرایط فعلی خط را ترجیح میدهند، و یاید گفت در این مورد به قراری که گذشت بسیار محافظه کارانه عمل می کنند.

از این قبیل هستند بیشتری از دست اندر کاران رسمی و استخدامی دوایر دولتی و به ویژه نهادهای آموزشی و انتشاراتی که به دنبال درد سر نمی گردند و به قول فروغ فرخزاد پیرو سیاست: «ولش کن؛ به من چه؟!» هستند. به انضمام دسته هایی از فرهیختگان که به دلایل زیر با چنین تغییرات مخالف بوده و توصیه نمی کنند:

اول - اینکه غالباً دچار این سوء تفاهمند که خط همان زبان و زبان همان خط است. لذا دست بردن در یکی نتیجه اش مخدوش شدن دیگریست. حال آنکه بنا به گفته

طرحی نو...

«سوسول» زبانشناس و تئوریسین معروف این وادی: « زبان جداست و خط امری قراردادی و اختیاری است. و زبان با هر خطی قابل نگارش و تداوم است».

دوم - اینکه خط فعلی را میراث گذشتگان می دانند و دست بردن در آن را بی حرمتی به این میراث. اما توجه ندارند گفتار که به مراتب از نوشتار مهمتر است در طی زمان تغییرات زیادی پذیرفته و می پذیرد. (نمونه اش ورود زبان کوچه و بازار در متون نوشتاری که غالباً از جانب فرهیختگان توصیه نمی شود) پس به ضرورت خط ماهم باید تحولاتی را پشت سر می گذاشته که چنین نشده است.

سوم - اینکه نه تنها خود را حافظ میراث گذشتگان می دانند، بلکه حفظ و حراست از آن را برای خود نوعی افتخار و فخر فروشی میدانند که به آن وفادار و از آن متابعت نمایند. مثل یک شیء عتیقه که هر چه دست نخورده تر ارزشمندتر. ولی توجه ندارند که زبان و خط شیء نیست و متناسب با گذر زمان و مقتضیات روز باید در آن تجدید نظر شود.

چهارم - و عامل محکمتر از بقیه در این وادی آنکه فرهیختگان موصوف خود رنج فراوان در تعلیم و تعلم این خط برده اند، و به اصطلاح زوایای تاریک آن را با رنج سالها تحصیل و تحقیق کاویده و به دست آورده اند، لذا به هیچ قیمت نمی خواهند این

طرحی نو...

رنجها و زحمات گذشته ناچیز شود و فصلی نودرخط گشوده گردد که یکباردیگر آن مرارتها را تجربه کنند .

پنجم - اینکه احیاناً زیانهای مادی حاصل از این تغییرات درخط را در نظر می گیرند. آنچه بالطبع و غالباً ادارات دولتی، اشخاص حقوقی و... متحمل می شوند . از باب مثال در جهت عوض کردن سربرگها، چکها، بروات و خلاصه صدها مورد از این قبیل . اما گروه دوم چه می گویند؟ برعکس دسته اول اعتقاد دارند این نه هنر زبان که بعد از هزار سال به همان شکل باقی مانده ، که نقص آنست ، چرا که نشان می دهد زبان و خط ما در طی این بیش از هزار سال حالت رکود و انجماد داشته ، یا بهتر بگوئیم از همان زمانها عقیم شده و در آن نوزایی ای انجام نگرفته است . و همین دلیلی است برای اینکه امروزه با مشکلات عدیده از لغت و رابطه و علایم قراردادی و غیره دست و پنجه نرم می کند . و دست آخر اینکه در قیاس با زبانهای دیگر به نظر زبان مرده ای می رسد .

پس بنا بر اعتقاد این گروه لازم می نماید مایکی از خطوط زنده و پویای غربی را به جای آن به کار بریم ، و از خیر این خط و سابقه آن بگذریم . آری ، این حقیقت قابل کتمان نیست که دستور زبان ما از قرنهای پیش ، از همان زمان که سیل بنیان کن لغات و عبارات عربی به آن هجوم آورد از زایش افتاد ، و برای پیش پا افتاده ترین ساخت

طرحی نو...

وسازهای زبانی دست کمک به دامان زبان عربی زد ، وچنین شد که زبان ما پرشدازلغات و ترکیبات مأنوس و نامأنوس عربی .

وعجیبترا آنکه بعضی ازاین ساختارهارا خودعربان به کارنبرده ، اما فارسی زبان از طریق قیاس واحاطه به صرف ونحو عربی برای خود ساخته وبه کاربرده اند . در زمانهای اخیر هم همین اتفاق برای واژه های لاتین پیش آمده واگروضع به همین ترتیب پیش رود چه خواهد شد؟!.

این همه بدان معنیست که گروه مزبور مطلقن مخالف خط فعلی ، وهیچ گونه اصلاح وبازسازی در آن رابرنمی تابند ، توصیه شان بر تعویض و جایگزینی آن با خط رومیایی (ترجیحاً شکل انگلیسی آن که علایم افزودنی کمتری داشته وسه مصوت کوتاه a.e.o را در کرسی خط خود دارد) می باشد . ازاین جمله انداز متأخرین آقای دکتر باطنی و دکتر کوروش صفوی ، واز قدیمیها طالبوف ، ملکم خان ودیگران .

امادیدگاه سومی هم دراین میان باز شده وآن اصلاح خط موجود با صرف کمترین هزینه وبیشترین کارآیی می باشد . دیدگاهی که صاحب این نوشته هم مبلغ آن و می گوئیم ضمن پاس داشت قدمت واصالت خط فعلی ، اما این حقیقت را هم دریافته ایم که این خط بیمار روبه موتی رامی ماند که برای بقایش احتیاج به یک جراحی پرهزینه

طرحی نو...

وسنگین ، اما نتیجه برآمده از آن چنان حالش را خوب ، وازمرگ می رهندش که زندگی نوین توأم باافتخاری راهم قطعاً درآینده تجربه خواهد کرد .

یک جراحی اصلاحی اساسی که با آن می توان هم ازدل آن وبارعایت تمام جوانب خطی نوومناسب زمان به درآورد ، آنچه دیگرنه نیازی به تعویض ، آنهم باهیچ خط بیگانه ازفرهنگ وملتیمان . که برعکس فکرهرگونه تعویض راازمخیله مدعیان

می رباید ، وبرعکس تشویقشان می نماید که هم خودرامصروف اصلاح وبازسازی بیشتراین خط جدیدنمایند . جراحی ای که درشایددرطول این قریب به یک هزارسال می بایست به تدریج انجام می شد ، وحال که نشده چه زمانی بهتراز اکنون که وسایل ارتباط جمعی به وفور، علاقمندان به سنت درعین مدرن سازی حاضر ، وتنهاکافیست بایک پرش اصلاحی بی نظیرومثمرثمرکارراخاتمه دهند .

وانگهی ، یکباردیگرتأکیدمی کنیم این تغییر وتبدیلها ابتدابه ساکن ، درخط و نگارش فارسی بی سابقه نبوده است . یعنی خط گهگاه ودرلطفه تغییرات جزئی ناشی ازتحول وتکامل منظوررادرخودتجربه ، و مراحلی از آن رابه پیش برده است . بانگاهی به تاریخ دگرگونی خط در ایران پس از اسلام وجدایی ازخط عربی ، به آسانی در می یابیم درطول زمان اگرچه نچندان تحول اساسی ، لیکن نوسازیهای کمابیش محسوسی راتجربه کرده است . چنانکه برای نمونه به علت نبودچهارحرف پ ژ گ چ درعربی

طرحی نو...

اسامی چون اصفهان را اسپهان ، جرفادقان را گلپایگان ، قرمیسن را کرمانشاه و نوشته اند .

وبازمرحله دیگری ازاین تغییرات که این باربه دست خطاطان دوران صفوی انجام پذیرفت چنین بود که بین ک عربی و گ فارسی که سرکش نمی گذاشتند تداخل می شد ، وبه قول ملک الشعراء بهاردر سبک شناسی:

«حرف گ در الفبا بسیار دست و پا گیر بود . تا اینکه به دست خطاطان دوره صفوی با گذاردن خال و سرکش این مشکل نه به دست ادیبان حل شد . اصلاح خط از دوره تیموری آغاز شده و به پایان دوره صفوی به انجام رسید...»

قبل ازاین گفتیم آنان که با نوشته های قدیم سروکاردارند به خوبی متوجه تغییرات تدریجی و کمرنگ خط بوده و آنرا امری سابقه ای نمی دانند ، افزون براینکه افزوده شدن علایم سجاوندی در یکصدسال اخیر خود تحول و تغییر عمده دیگری در این زمینه محسوب می شود . حال چراخط نتواند باراصلاح وبازسازی جدید ترا اساسی تررا تحمل ف و ناگزیردر همان لاک و موقعیت خود بماند .؟

از آن گذشته بازهم یادآور می شویم که به اعتقاد «سوسول» پدر زبان شناسی نوین ، هیچ رابطه اجتناب ناپذیری بین مفهوم لغت و شکل نوشتاری آن وجود ندارد . یعنی بین دال و مدلول در مقوله خط و زبان . به بیان دیگر نشانه های مرسوم برای ثبت زبان ، یا همان نگارش کاملاً قراردادی و اختیاری هستند. آنچه عموماً مانع تغییر و تبدیل این علایم می شود همان سنت پرستی افراطی و خلاف عادت عموم عمل کردنست نه

طرحی نو...

چیز دیگر. در مورد ترکیبات زبانی هم باید افزود به عقیده همان زبانشناس انگیزه های ثانوی موجب پدید آمدن آنها شده و به هیچ وجه فطری و طبیعی نیستند.

در مجموع اگر بخواهیم مقاطعی برای تغییر و تحولات خط فارسی از ابتدا تا امروز داشته باشیم به زعم این جانب سه مقطع زمانی عمده و خاص برای آن می توان تصور نمود. (نخستین دوره آن همان استقلال وجدایی از خط عربی، یابۀ عبارت دیگر نگارش زبان فارسی با خط دخیل عربی بود که محتملن از حوالی قرون سوم و چهارم در بدو امر چه بسا با همت شعوبیان (نهضت ایرانیان مخالف برتری طلبی اعراب) و به دنبال ایجاد حکومت های خود مختار در خراسان، سیستان و اوج آن در بخارا پایتخت سامانیان شکل گرفت.

(دوره دوم حول و حوش نهضت مشروطیت و آن زمانهاست که روزنامه و روزنامه نگاری در ایران باب شد. به عبارت دیگر زبان و ادبیات، و همراه با آن خط و نگارش، که تا قبل از آن کمابیش در انحصار اشراف و درباریان و وابستگان بدانان بود، از انحصار و انزوا خارج گردید. این دوره که الحق باید دوران تحول روزنامه ای نامید، به نوبه خود تحولی هم در نثر نویسی و زبان فارسی، و هم خط و ربط همگان به وجود آورد. به عنوان نمونه تنها از چند نشریه پیشگام که از نقطه نظر تاریخی در این وادی بسیار ارزشمند هستند یاد می کنیم و می گذریم:

طرحی نو...

در عصر ناصرالدین شاه قاجار، که می توان گفت با سفرهای خارجی که داشت طلوعه ظهور مشروطیت ، باز شدن پای غربیها به ایران ، و پای ایرانیان به مغربزمین راهموار کرد ، نهایت با همت بزرگ مردی به نام میرزاتقی خان امیر کبیر بسیاری از نخستین نهاد در عرصه فرهنگ و جامعه ما پیداشد . نخستین دانشگاه ، نخستین روزنامه و... اما از میان روزنامه های قدیمی آن دوران سه روزنامه قابل نام بردن است که به ترتیب عبارتند از:

۱- نخستین روزنامه منتشره در ایران به تقلید غربیها تا آنجا که می دانیم به نام «کاغذ اخبار» بود ، منتشر شده به سال ۱۲۵۳ هـ ق به همت میرزا صالح شیرازی.

۲- روزنامه «وقایع اتفاقیه» از ۱۲۶۴ الی ۱۲۶۷ به همت میرزاتقی خان امیر کبیر

۳- روزنامه «قانون» از ۱۲۹۰ الی ۱۲۹۵ از جانب میرزا ملکم خان ارمنی .

و سرانجام (دوره سوم که بهتر است بگوئیم عصر متأخر ، شامل اندک زمانی پیش از انقلاب اسلامی ، و بیش از آن بعد از انقلاب رادبرمی گیرد ، و از پر جوش و خروشتترین سالهای گفتگو پیرامون خط فعلی فارسی ، اثرات سوء تغییر ، یا نتایج پرباری که در حفظ سنن و موارث فرهنگی جامعه ایرانی داشته و دارد محسوب است که شمه ای از آنهمه گذشت .

پ - خط معربی است یا فارسی؟

طرحی نو...

مطالبی که تا اینجا عنوان شد و از این پس نیز خواهد آمد ما را به اینجای رساند که نظری گذراداشته باشیم به سابقه، و اگر درست تر بخواهیم بگوئیم تاریخچه خط فارسی از دورانهای پیشین تا کنون. قبل از این اشاراتی به منتقدین اولیه خط و خط عربی داشتیم، و اینک بانظری دوباره به یکی از این پیشگامان می پردازیم که کسی نیست مگر ابوالحسن علی بن حسین مسعودی. او در کتابش با عنوان «التنبیه و الاشراف» در شمردن نژاد های هفتگانه، هنگامی که از ایرانیان سخن می دارد، زبانهای خانواده فارسی آن زمان را چنین نام می برد که :

«..ایرانیان مردمی بودند که قلمروشان دیار جبل بود، از ماهات و غیره و آذر بایگان تا مجاور ارمینیه و آران و بیلقان تا دربند که باب الابواب است، و ری و تبرستان و مسقط (ماساگت) و سیستان و کرمان و پارس و اهواز با دیگر سرزمین عجمان .. همه این ولایت ها یک کشور بود، و پادشاهش یکی بود، و زبانش یکی بود، و اگر در زبانی تنها برخی واژه ها و ترکیب واژه یکی باشد، زبان یکی است، اگر چه در چیزهای دیگر تفاوت داشته باشد. چون پهلوی و دری و آذری و دیگر زبانهای ایرانی ...»

و این درحالیست که بنابر گفته زنده یاد استاد «رکن الدین همایون فرخ» در نوشته با عنوان «سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان» :

«اعراب خط نداشته اند و خطی که از حُمَیر (حَمِیر / هاموران - یمن) و انبار (پیروز شاپور - الانبار کنونی در عراق) به حجاز رفته و در زمان ظهور اسلام نشر یافته، خط عربی نیست؛ بلکه زبان عربی به این خط نوشته می شده است. و چون آثار مخطوط در قرون اولیه اسلامی و پس از آن، به زبان عربی نوشته می شد، بنابراین خطی را که آن زبان بدان نگاشته شد و یا امروزه در هند و پاکستان متداول و مرسوم است، و در سابق نیز در کشور عثمانی رواج داشته، خط عربی نامیده اند. اگر چه که اینکار نادرست است، زیرا زبان و خط دو مقوله جدا از هم می باشد. بنابراین این خط که از انبار (نجد ایران) به حجاز رفته، یکی از خطوط متداول ایرانی بوده که با تحولاتی، برای نوشتن زبان عربی به کار رفته است.»

طرحی نو...

و نیز در دنباله چنین آمده:

«الفبای ایرانی در آغاز به صورت «آبجد مُردّف» بوده و خط لاتین هم که مأخوذ از خطوط کهن ایرانی است هنوز بر همان ردیف آبجد و هوز استوار است. تغییر شکل الفبای ایرانی به صورت کنونی پس از اسلام روی داد، و آن چنین بود که شعوبه ایرانی برای تسهیل در فراگیری الفبای پهلوی کوشیده و حروف همسان را از نظر صوت و ردیف در کنار هم قرار دادند، تا فراگیری آن برای نوآموزان (اعراب) آسان باشد و نامش را الفبای «پیرآموز» گذاردند...».

و دیگر استنادی کنیم به گفته مرحوم استاد بهار در نوشته موسوم به «تاریخ خط

فارسی» که در آنجا آمده:

«ایرانیان در قبل از اسلام هفت نوع خط داشته اند بدین قرار:

۱- خط دینی بود که آن را «دین دبییره» گویند و اوستا را بدان نویسند.

۲- ویش دبییره و آن سیصد و شصت و پنج حرف است که کتب فراست (قیافه شناسی) (و زجر) (تفال و تطیر) - مُروا و مُرغوا (و خریر) - آب و طنین گوش و اشارات چشم و ایماء و اشاره و چشمک و آنچه بدین ماند بدان خط نویسند.

۳- خط دیگری که آن را «کستج - ظ: گستک» گویند و آن بیست و هشت حرف است که بدان عهدا،

میثاق ها و اقطاع می نوشتند و نقش مُهرهای شاهنشاهان پارس و طراز جامه و فرش و سکه‌ی دینار و درهم بدین خط بود.

۴- خط دیگر که آن را «نیم کستج [نیم گستک. ظ] می گفتند و آن نیز بیست و هشت حرف است که نامه های پزشکی (طب) و فلسفه را بدان می نوشتند.

۵- خط دیگری موسوم به «شاه دبییره» بود که پادشاهان عجم میان خویش بدان سخن می گفتند (کذا؟) دور از مردم عامه، و سایر طبقه های کشور را هم از آموختن آن نهی می کردند زیرا پرهیز داشتند که دیگری جز پادشاهان و ملوک بدان واقف شده از آن راه بر اسرارشان وقوف یابد و ما آن خط را ندیده ایم.

۶- کتاب رسایل و نامه ها ؛ خطی بود که همه ی طبقات می نوشتند جز پادشاهان ، و نام آن «نامه دبییره» و « هام دبییره» بود و همانطور که به زبان می گذشت نوشته می شد و نقطه نداشت و بعضی از کتابت های رسایل به لغت سریانی قدیم - یعنی لغات مردم بابل - نوشته شده به فارسی خوانده می شد و عدد حروف آن سی و سه حرف بود.

طرحی نو...

۷- خط دیگر که نام آن «راز سهریه»(?) بوده و پادشاهان رازها و اسرار خود را در روابط با ملل خارج بدان خط می نوشتند و عدد حروف و اصوات آن چهل بود و هر صوت یا حرفی را صورت و شکلی خاص بود و از لغات نبطی چیزی در آن خط نبود.

خط دیگری بود که آن را «راس سهریه»(?) می گفتند و علم منطق و فلسفه را بدان می نوشتند و آن بیست و چهار حرف است و این خط دارای نقطه بوده و ما آن را ندیده ایم.

دیگر قسمتی از الفبا بود که آن را جدا از هم یا پیوسته می نوشتند و «زوارشن» می نامیدند. این زوارشن ها قریب هزار کلمه بود و آنها را برای جدا کردن لغت های متشابه از یکدیگر اختیار کرده بودند، مثلاً کسی که می خواست بنویسد «گوشت» می نوشت «بُسرا» و می خواند گوشت و اگر می خواست بنویسد «نان» می نوشت «لَحْما» و می خواند نان و هر چه می خواستند بدین طریق می نوشتند، مگر لغت هایی که محتاج به بدل کردن آن نبودند که آن را عیناً به لفظ فارسی کتابت می نمودند.»

و در ادامه : خط های ایران بعد از اسلام

«خط پهلوی بعد از اسلام به سبب دشواری که در خواندن و نوشتن داشت، نتوانست مانند سایر آداب و فرهنگ های ملی ساسانی مقاومت کند و در ملت غالب اثر بخشد. چندی نگذشت که خط مذکور منحصر به موبدان زردشتی شد و به سرعتی عجیب رو به فنا و زوال نهاد.»

خطی که عربان می دانستند خطی بود که در سال های نزدیک به ظهور پیامبر اسلام به قولی از حیره پایتخت پادشاهان آل نصر (مناذره) به مکه رفته بود و ما روایات مختلف را بعد خواهیم آورد»

خانم دکتر ژاله آموزگار، استاد برجسته خطوط باستانی در دانشگاه تهران نیز در تاریخچه ای از نگارش و خط فارسی اذعان نموده اند که:

ایرانیان نیز در سده های نخستین پس از اسلام با افزودن حروف فارسی به الفبای عربی خط فارسی را بر مبنای نسخ پایه گذاری کردند و سپس خط نستعلیق و خط شکسته و دیگر خطوط ایرانی ابداع شد.

حال با این اوصاف چنین خط پربار و پربار سابقه ای چگونه با عربی در آمیخت و پس از قریب سه قرن ، یا کمتر و بیشتر از صدر اسلام ، توانست خود را از زیر یوق آن رها کند

طرحی نو...

خود از عجایب روزگار است . کاری که فی المثل کشوری چون مصر ، بااصل و نژاد قبلی داشتن ، و آن سابقه درخشان عصر فراغنه که قدمتش به بیش از چهار هزار سال تخمین زده می شود ، بعد از اسلامی شدن نتوانست خود را از زیر یوغ خط عربی به در آورد ، تاجائیکه امروز خود را در رأس کشورهای عربی و عرب زبان می داند .

اما اینکه در آن سه قرن بر زبان ما چه گذشت از مبهمات تاریخی است . قدر مسلم اگر ایرادی بر تداخل خط و شیوه نگارش عربی در فارسی وارد است نه بر خط ، که بر زبان فارسی رواست که خط تابعی از آنست . از قرون اولیه اسلامی که خط و زبان عربی حاکم بلا منازع فرهنگ و تمدن ایرانی شد عملن زبان و خط ایرانی ، و به همراه آنان دستور زبان فارسی راه انجماد پیش گرفت ، از خلق واژه های جدید و یا واژه سازی مرسوم امتناع ، و به خصوص در مفاهیم مربوط به دین و شریعت همواره دستش به جانب عربی دراز بود . از قرون چهارم تا بعد هم علمای مُتَعَرَّب تاتوانستند در تمام زمینه ها زبان و قواعد زبان عربی را در آثار خود وارد ، و بلکه به آن تفاخر نمودند . حال آیا می توان انتظار داشت این راه طولانی رایک شبه برگشته و به واسطه تغییر خط به تمام دستاوردهای آن قلم بطلان کشید؟

به هر حال از آنچه به یقین نمی دانیم اینکه خط عربی از چه تاریخی و به چه شکلی از بعد حمله اعراب به بر ایرانیان تحمیل ، و از آن پس با در آمیختن با خط فارسی قدیم خط

طرحی نو...

امروزی را برای مابه میراث گذاشت . قدر مسلم قدیمترین کتاب موجود نگاشته شده به فارسی که در دست است کتاب «الأبنيه عن الحقائق الادويه» در علم پزشکی به خط اسدی طوسی است ، مورخ به سال ۴۷۷ هجری .

به اعتقاد نگاره ، وچنانکه عموم زبانشناسان ایران و جهان می گویند زبان یک ماده سیال است که به هر جاسرک می کشد ، و در صورت کم آوردن از ادای معنی جدید بلافاصله دست دراز کرده و از نزدیکترین زبان ممکن ، یا زبان مأخذ معنی مربوط ، لغت به وام گرفته و منظور را بیان می کند . در اینهمه قرون چه زبانی از عربی نزدیکتر به فارسی بوده است . تعصبات ناسیونالیستی را کنار بگذاریم و یک آن بیندیشیم که هر زبان که نمودار فرهنگی است در جای خود محل ستایش و تقدیس ، و توهین بدان توهین به یک خدمتگزار واقعی است که در خلال دوران طولانی عقیم بودن فارسی به آن خدمت کرده است . حال اینکه می خواهیم زبان را از لغات بیگانه بپیراییم بحث دیگر است ، و اصرار بر اینکه حتماً اول از عربی شروع کنیم مقوله ای جداگانه .

کدام زبان را می شناسید که از وام دادن یا وام گرفتن از زبانهای دیگری نیاز بوده است . به دوزبان انگلیسی و فرانسه نگاه کنید که بدون اغراق پنجاه درصد لغات انگلیسی مشابهش در فرانسه موجود و فقط تلفظ آنها اندکی متفاوت شده است . آیاتابه

طرحی نو...

حال شنیده اید که یک انگلیسی یا یک فرانسوی بگوید این کلمات را باید از زبان و خطمان بیرون کنیم؟

درعین حال که پیراستن خط و زبان از لغات بیگانه عملی است مستحسن ، ولی تحت ضوابط و قواعد مخصوص . آیا امکان پذیر است فلان لغت یا اصطلاح یا... که قریب هزار سال سابقه کاربرد در ایران داشته یکشبه تصمیم به حذف و جایگزینش از لغات مهجور ، مثلاً پهلوی و اوستایی قدیم بنمائیم؟ راه حل ماینست که با کار تدریجی و زمینه سازی مناسب برخی لغات غیرفارسی ، و نه فقط عربی ، که قابلیت جایگزینی و در نوشتن و خواندن ایجاد اشکال نمی نماید به تدریج و حساب شده وارد زبان فارسی امروز نموده و خط هم از آن تبعیت نماید . همین وضع را دارد لغات واسامی و عناوین آمده از مغولی ، اروپایی و غیر آنان . در طرح اصلاحی مورد نظرمانیز این شیوه جایگزینی و لزوم سهولت در نگارش و خوانش در درجه اول اهمیت است .

در دوره هایی شاهد بوده ایم فرهنگستان زبان فارسی ، که به نظر بنده لا اقل در دور جدیدش مجمعی تشریفاتی بیش نیست ، به سراغ لغات فرنگی که بیش از صد سال است در فارسی سابقه دارند ، و به نظر از هرفارسی فارسی ترمی نمایند ، رفته و معادلهایی خلق نموده که اکثراً با استهزاء مردم مواجه و چون لطیفه برای یکدیگر تعریف می کنند.

طرحی نو...

اینکه به موازات یک واژه خارجی و در صورت امکان و مقبول بودن (کوتاه و خوش لهجه و قدمت و اصالت داشتن و...، نه کلمات ثقیل و ناجور و من در آوردی و استهزاء آمیز در تلفظ و...) پیشنهاد شود خوبست و به دایره لغوی ما افزوده می شود، ولی وای به وقتی که چنین نباشند.

پ : زمان بندی و مراحل اجرای طرح .

بی گمان طرح با چنین وسعت و عظمت، که چه بسا در بدو امر اجرای آن اندکی بعید و بلکه، با توجه به شرایط روز، ناممکن به نظر رسد، معهذادر فرصت مناسب و برای به اجرا در آمدن نیازمند زمان و مراحل اجرایی خاص می باشد. یعنی از زمان اعلام و بسیج رسانه ها، مطبوعات، کتابهای درسی و دیگر امکانات دولتی و فردی چیزی حدود یک دوره پنج تاده ساله [از مبتدی تا پیشرفته] لازم است که با همکاری تمام نهادهای دولتی و خصوصی دست اندر کار چاپ و نشر، فرهنگ و آموزش کشور، و خلاصه تمام آنان که با آموزش و نوشتن سروکار دارند، به اجرا در آید.

دوره ای که لازم می نماید، به ویژه وسایل ارتباط جمعی عام چون روزنامه ها، منابع تصویری چون تلویزیون، پاره ای نشریات، به استثنای کتب و نشریات پایدار، و به خصوص کتابهای آموزشی دوره های مختلف درسی، در کنار ثبت کلمات، افعال،

طرحی نو...

روابط بین کلامی ، اسامی و عناوین به شیوه جدید (که شامل حذف برخی حروف باصدای تکراری ، ثبت و ضبط مصوت‌های سه گانه به خصوص در حرف اول ، حذف موارد غیر ملفوظ و... خواهند بود) ، همزمان با آن شکل نگارشی قدیم آنها در کنارشان و در پراکنش ثبت و قابل مقایسه باشد ، تادانش آموز و آحاد مردم به تدریج با الفبای جدید و طرز به کار بردن آن آشنا، و تغییرات جایفتند. اصلاحاتی که طبعن شکل نهائیش توسط زبان‌شناسان و صاحب‌نظران مربوط تنظیم خواهد شد. در این صورت خواهد بود که می توانیم بگوئیم به دوره جدید و اصلاح شده خط فارسی وارد شده ایم .

لازم به گفتن است خوشبختانه در تمام این مراحل صفحه کلید رایانه های معمولی، به انضمام صفحه فرمان دستگاههای چاپ و نظایر آنان جوابگوی کامل این تغییرات خواهند بود ، و از این جهت هیچ بار اضافی برای تغییرات منظور نخواهند داشت . گرچه مطمئن هستیم در ادامه یاری رسانهایی از وادی کامپیوتر و برنامه نویسی ، خط و خطاطی ، چاپ و امور وابسته دیگر به کمک خواهند آمد و برنامه های کمکی و مساعد طرح ریزی خواهند کرد . تا به گونه ای شود که سهولت های لازم برای برای جامعه فارسی زبانان و زبان آموزان فراهم آید . تا چنان شود که به مراتب جبران سختیهای متصوره اولیه این اصلاحات را نموده ، و به زودی چون هر اقدام فرهنگی و میهنی دیگر نتایج مفیدش به بار آید .

طرحی نو...

وانگهی ، به زعم ماچنین اقدام فرهنگی - ادبی و تربیتی در سطح کشور قاعدتن مشکل تر از مثلن تعویض پول اروپائیان به یورو در چندین کشور اروپایی و در چند سال گذشته نخواهد بود ، که در ابتدا انجامش برای بسیاری از محالات ، ولی امروز می بینیم امری جاافتاده ، تاحدی که گویی هیچکس از پولهای قدیم یادش نمی آید.

واماچند کلمه هم از مراحل مقدماتی و اولیه اجرای طرح . حقیقت اینست که نظربه دامنه دار بودن اصلاحات مورد نظر ماسه مقطع برای آن در نظر گرفته ایم :

اول - همه پرسی از صاحب نظران و دست اندکاران مسایل آموزش و خط ، جمع بندی و طبقه بندی مسایل مذکور و آماده اجرایی نمودن ، به همان ترتیب شناخت مشکلات و معایب الفبای فعلی و طرز ادغام کردن آن با الفبای اصلاح شده . و جزئیات دیگر از این قبیل ، که مستلزم مجمعی از صاحب بصیرت ان واقعی ، نه افراد سفارش شده که دُمشان به جایی بنداست ، می باشد تا این مهم را پیش ببرد.

دوم - دخالت دادن صاحب نظران مسایل دستوری ، خوشنویسی و غیر آنان برای برخی مسایل حل ناشدنی در این وادیهها ، و ملحوظ داشتن نظر آنان در طریق اجرای بهتر اصلاحات منظور . یعنی خلاصه افزودن موارد تکمیلی از هر آنچه که لزوماً به نگارش و خط بازمی گردد ، واقع اینست که مادر دستور زبان خلاءهای بزرگی داریم که طبعاً

طرحی نو...

پاره ای از آنها گریبان خط راهم می گیرد و صاحب این قلم از ارائه هر گونه پیشنهادی در این طریق معذور است .

در نهایت چه بسا به این نتیجه برسیم که برخی نقایص دستوری راجز و مشکلات حل نشده اصلاح خط قلمداد ، و منظر آینده باشیم تا به تدریج این خلاءها هم پر شوند . اما از مواردی که نباید بین خط و دستور اشتباه کرد اینکه فی المثل یک جمله به چند نحو خوانده می شود ، که این امر به زعم ما ارتباطی به خط نداشته و از موازین بیان است . به بیان دیگر مسئله ادای جملات و اصولن جمله سازی و حدود و آن تقریباً در تمام زبانهای دنیا وجود دارد . تنها وظیفه خط در اینجا حداکثر گذاشتن یکی از علایم سجاوندی ، مثلاً سؤال ؟ یا تعجب ! و از آن پس طرز خواندن است .

سوم - و به زعم ما مهمترین مسئله بعدی ضبط و قانونمند کردن اصلاحات مزبور در فرهنگها و لغت و معانی های جدید برای نوآموزان و دیگر دست اندرکاران خواندن و نوشتن است . لازم به توضیح بیشتر است چنانکه در سطور آتی این نوشته خواهیم دید گاه ضروری است مثلاً سه یا چهار واژه با سه یا چهار معنی مختلف که تنها وجه مشترکشان وقوع یکی از حروف متعدد الفبای با تلفظ یکسان در آنانست ، لزوماً در نگارش جدید تنها یک وجه الفبایی برای هر سه چهار مورد اختیار ، و بقیه معانی در فرهنگها و باذکر معانی مختلف آنان ثبت گردد .

طرحی نو...

به طور مثال مایک غذاداریم (خوردنی) و یک قضاداریم (داوری) و یک غزاداریم (جنگ مذهبی) و یک قضای دیگر داریم (همراه قدر به معنی آنچه پیش بینی شده است) . در شکل جدید لزومن ، و با توجه به کاربری یکی یادوتاز آن حروف در فارسی باستان ، که در اینجا طبعن حرف ز و غ است ، ماتنها غزا که حروف ز و غ در آن از الفبای پذیرفته شده و فارسی محسوب گردیده اختیار ، و در فرهنگ یافرهنگهای پیش بینی شده به همان شکل غزا با چهار معنی مختلف و متفاوت ، به قراری که اشاره شد ثبت و ضبط می کنیم . یعنی یک لغت با تلفظ واحد و در عین حال چنانکه در فرهنگ آمده با چهار معنی متفاوت.

ممکن است ایراد شود که چه معنی دارد برای یک واژه که با متفاوت شدن حروف معانی مختلفی را به راحتی می رساند یک شکل الفبایی ثابت ، و در عوض چهار معنی مختلف از برای یک واژه اختیار کنیم؟ ضرورت اینکار در اینست که (اول با ضبط تصویری لغات و واژگان در ذهن راسبک کرده ، (دوم اینکه از تصویرنگاری مرسوم دور و به شکل خاص الفبایی کلمات نزدیک می شود ، و (دست آخر اینکه مگر نه ما غالباً عادت کرده ایم معنی هر لغت و واژه جدید را قبل از هر چیز در کاربری آن در متن و چنانکه در عبارت آمده بفهمیم ، تا مراجعه به فرهنگ و لغت معنی و غیر آنان . اینجاست

طرحی نو...

قبل از مراجعه به هر فرهنگی خود متن معنی را روشن می نماید تا زمانیکه لغات کاملن جایفتند .

گذشته از آن مگر فرهنگهای ملل و زبانهای دیگر ندیده ایم که می شود در برابر یک واژه یا اسم و عنوان ، گاه تاده معنی و توضیح ذکر شده است؟ چرا مادر قالب اصلاحات موصوف و با آینده نگری مناسب که لطمه ای هم به دامنه گسترده لغت و زبان نزنند چنین نکنیم؟.

ث - سابقه نظرات اصلاحی پیرامون خط فارسی

از قدیمیها کتاب التنبیه علی حروف التصحیف از «حمزه بن الحسن الاصفهانی» [نیمه اول قرن چهارم هجری] از نخستین کتابهاییست که در پیرامون مسئله خط و نگارش عربی ، بدخوانی و تحریف در خطوط ، متناسب با زمان نویسنده نگاشته شده است . اما اصل ایرانی و اصفهانی داشتن نویسنده این گمان را پیش می آورد که چه بسابه نگارش فارسی مرسوم آن زمان ، که هنوز چندان فراگیر نشده بود ، نیز نظری داشته است .

مسایلی که او عموماً در باب خط عربی عنوان می نماید ، گذشته از فهرست بندی خطوط شناخته شده آن زمان ، تصحیفات و بلکه تحریفاتیست که در خطوط نگاشته فوق ، از باب نداشتن نقطه و اعراب روی می داد ، و نیز متشابه بودن برخی از حروف آن زبان در کتابت ، چون **دال** ، **ذال** ، **را** ، **زا** ، **نون** ، **لام** و **کاف** ، **س** و **ش** و غیر آنان . به

طرحی نو...

همین ترتیب اشتباهات بزرگی که از این طریق در آثار نویسندگان، علما، شعرا و رؤات معروف عرب روی می داد.

جزا و ابوریحان بیرونی [نیمه دوم قرن چهارم هجری]، دانشمند نامدار ایرانی در کتاب «الصیدنه فی الطب» یکبار دیگر به نارسایی خط عربی پرداخته و از جمله گوید:

«یک یونانی به ولایت ما گذر کرد و من پیش او رفتم و نامهای دانه ها و تخمها و میوه ها و گیاهان و غیره را به زبان یونانی می پرسیدم و می نوشتم، ولی خط عربی آفت بزرگی دارد که آن همانندی آنها بهم دیگر و ضرورت تمایز با نقطه و علائم دیگر است، که اگر آن ها را ننویسند معنی مبهم می شود و اگر در مقابله و تصحیح هم غفلت شود، اصلا نوشتن و نوشتن کتاب، بلکه علم و جهل بر نوشته های آن یکسان می شود و اگر این آفت نبود کتاب های ترجمه شده به عربی از قبیل دیسقودریدس و جالینوس و .. کافی بود ولی اکنون اعتمادی بر آن نیست.»

دیگر دو روایت می شناسیم برگرفته از «دانشنامه خط فارسی» اثر کاظم استادی که به خوبی نمایانگر تلاش هایی است که دیگر شخصیت های برجسته تاریخ جهت رفع این نقیصه بزرگ انجام داده اند. آنجا آمده:

حمزه اسپهانی در کتاب خود نوشته:

«نوشجان ابن عبدالمسیح برای من نقل کرد از احمد بن الطیب شاگرد کندی، که وقتی محتاج به استعمال لغت ملل دیگر از فرس و عبرانی ها و سریانی ها و رومی ها و یونانی ها شد، برای خود خطی مشتمل بر چهل شکل وضع کرد که تماما متباینه الاشکال بودند و به این طریق برای او نوشتن هیچ کلمه و خواندن آن مشکل نبود.»

همچنین خواجه رشیدالدین فضل ... وزیر در «تانسوف نامه ایلخانی» در باره نوشتن اصطلاحات پزشکی چنین گوید:

«رساله ای در حروف وضع کنیم و بیان کنیم که مخارجی که از الفاظ ایشان معلوم کرده ایم چند است، و حسب هر مخارجی حرفی نهیم، و شکل بی نقطه جهت آن مخرج وضع کنیم، و کیفیت تصویت و مخرج آن بیان کنیم، و اعراب

طرحی نو...

ایشان را نیز اشکال وضع کنیم که دلالت بر حرکات مختلف الفبا ایشان کند ، تا چون کلمات الفاظ ختائی بنویسیم بر خواننده آن رسالت آسان گردد.»

با دقت در حکایات فوق این نکته آشکار می گردد که خط عربی رایج آن زمان ، که طبعن سری هم در خط فارسی فعلی داشته ، خود در به نوشتار در آوردن واژگان غیر عربی ضعیف و نارسا ، و برای حل این مشکل شخصیتی دانا چون خواجه رشید الدین فضل الله [نیمه اول قرن هفتم هجری] راناگزیر به ابداع روش های جدید برای ثبت واژگان جدید و غیر عربی می نماید

از آن گذشته [نقل به معنی] از کتاب خط و فرهنگ / جزوه ی هشتم ایران کوده از ذبیح بهروزمی خوانیم که :

در ترتیب حروف معجم عربی (ترتیب الفبا به قرار اجد ، هوز ، حطی...) چنانکه در منابع عرب ذکر گردیده سخن فراوانست . قدر مسلم این ترتیب قبل از هر چیز برابر ترتیب مخرج های حروف از حلق تالب بوده است و در همه ی کتاب های تجوید و نحو قدیم تکرار شده است .

باز آنچه از کتاب هایی که در چند قرن نخست هجری درباره ی خط و تاریخ آن نوشته شده برمی آید این است که درباره ی نام و ترتیب حرف های معجم عربی ، و مخترع الفبا در عربی ، و به دنبال آن فارسی ، بین شعوبه ی ایرانی و عرب جدال سختی بر پا بوده ، که نهایت خلیفگان عباسی با جعل یک حدیث آتش این جدال را به سود مصالح سیاسی و مذهبی خود بابرتری دادن حروف معجم عربی خاموش کردند. نظربه اینکه حدیث مذکور و نکته هایی که جعل کننده ی حدیث روی آن ها پافشاری داشته کلید حل ، و تواندراز گشای چگونگی ترجیح رسم الخط عربی در آن زمانها ، و بعد نفوذ آن به فارسی گردد ترجمه ی آن را در زیر می آوریم:

«از ابیدر غفاری رضی الله عنه روایت شده که گفت:

از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - پرسیدم: یا رسول الله هر پیمبری به چه فرستاده می شود؟

فرمودند: با کتاب مُنزلی.

طرحی نو...

گفتم: یا رسول الله چه کتابی بر آدم نازل شد؟

فرمودند: ا ب ج د ... الی آخر.

گفتم: یا رسول الله چند حرف است؟

فرمودند: ۲۹ حرف .

گفتم: یا رسول الله شما ۲۸ شمردید .

پس رسول الله - صلی الله علیه و سلم - خشمگین شدند چندان که دو چشمشان سرخ شد و پس فرمودند: ای اباذر قسم به کسی که مرا از روی حق به پیمبری فرستاد، خداوند نازل نکرد بر آدم مگر ۲۹ حرف.

گفتم: یا رسول الله در آن الف و لام است؟

فرمودند: لام الف یک حرف است و خداوند نازل کرد آن را بر آدم در یک صحیفه‌ای که با آن ۷۰ هزار ملک بود. کسی که مخالفت کند با لام الف به تحقیق کافر شده است به آنچه که بر آدم نازل شده، و کسی که نشمارد لام الف را پس او از من بیزار است و من از او بیزارم، و کسی که ایمان نداشته باشد که حروف ۲۹ است مکانش از آتش بیرون نخواهد آمد.»

تاثیر این حدیث در ممالک اسلامی چنان زیاد بود که ملاحظه می‌شود در آخر حروف عربی ابجدی لا را هم به حساب آورده اند. در مکتب‌خانه‌های قدیم کودکان همیشه «ابجد هوز ... ضطغ لا» می‌گفتند بدون اینکه لا جزو حروف باشد .

اما از جدیدها و در دوران اخیر، به ویژه از حوالی یکصد و پنجاه سال پیش، بزرگانی در این طریق، چه در موافقت و چه مخالفت با تغییر خط فارسی رأی داده و اظهار نظر کرده اند که استاد فرهیخته «یحیی آرین پور» شمه ای از آن را در کتاب گرانقدرشان پیرامون تاریخ ادبیات اعصار جدید با عنوان «از صباتانیمان» جلد سوم آورده اند: عنوان نوشته: «سرگذشت فکر تغییر خط فارسی»

طرحی نو...

گویا نخستین کسی که معایب الفبای ملل شرقی را دریافته و رسالاتی در این باب نوشته و نمونه‌هایی از خط جدید را ارائه داده و در پیشرفت آن کوشش‌ها کرده، میرزا فتح علی آخوندزاده، نویسنده شهیر آذربایجان است.

آخوندزاده که به زبان‌های شرقی آشنایی و با فرهنگ جهان آشنایی به سزا داشت، جداً معتقد بود که الفبای مرسوم و متداول عربی، با آن سختی‌ها و دشواری‌ها و نقایص و معایبی که دارد، یکی از بزرگ‌ترین علل نادانی و عقب ماندگی ملل اسلامی است، و با این عقیده و ایمان راسخ بود که در صدد برآمد که الفبای عربی را اصلاح و آن را برای احتیاجات مردم ترکی و فارسی زبان مناسب سازد.

آخوندزاده در سال ۱۲۳۶ شمسی از تنظیم نخستین الفبای اختراعی خود که یک الفبای بدون نقطه با حروف متصل بود فراغت یافت و رساله‌ای نیز برای پیشنهاد کردن این الفبا به جای الفبای عربی فراهم آورد.

در این رساله که به فارسی نوشته شده بود، نویسنده پس از ذکر نقش مهم الفبا در ترقی و پیشرفت فرهنگ و تمدن ملل و اقوام، از تاریخ خطوط و معایب ملل اسلامی و لزوم تغییر خط عربی و مزایای الفبای پیشنهادی خود به تفصیل سخن رانده و راه‌های رفع این معایب را نیز نشان داده بود.

آخوندزاده در سال ۱۲۴۲ ش. با اجازه و کمک مالی شاهزاده میخائیل نیکلایوویچ، فرزند امپراتور روس که در آن زمان در قفقاز حکومت می‌کرد، برای تقدیم طرح الفبای جدید و دفاع از رساله خود به استانبول رفت. وی رساله خود را که در بیست صفحه پرداخته بود، به وسیله مترجم سفارت روس به صدراعظم عثمانی، فواد پاشا تقدیم کرد. صدر اعظم عثمانی شخصا او را به انجمن دانش یا «جمعیت علمیه عثمانیه» راهنمایی کرد و آخوندزاده طرح الفبای خود را به انجمن عرضه داشت. اما مهمان نوازی پاشایان و روحانیان ترک که در انجمن گرد آمده بودند از حد تشریفات و تعارف تجاوز نکرد و اگر چه همگی آن را پسندیدند، ولی ظاهراً به این دلیل که در خط مزبور هم مانند سابق حروف چسبیده و درهم آمیخته است، و در ترتیب کلمات اشکالاتی ایجاد می‌کند، آن را رد کردند و در عوض وی را با نشان مجیدیه و فرمان سلطان بنواختند.

در مقابل ایرادات رجال و دانشمندان ترک، پاسخ آخوندزاده این بود که در این صورت باید الفبای موجود را از بیخ و بن برانداخت و به جای آن اصول خط لاتین را پذیرفت، یعنی از چپ به راست نوشت و حروف صدادار را در کنار حروف بی صدا قرار داد و نقطه‌ها را نیز به کلی مرخص کرد.

پیداست که پیشنهاد یک انقلاب بنیادی در زمینه خط ملل اسلامی در آن روزگار به آسانی قابل قبول نبود. بنابراین آخوندزاده بدون گرفتن نتیجه از استانبول به قفقاز بازگشت و چندی بعد کار و کوشش خود را از سر گرفت و طرح‌های

طرحی نو...

تازه ریخت. او این بار رسالهٔ خط اختراعی خود را با دو رسالهٔ دیگر با خط و امضای خود در سال ۱۲۴۷ ش نزد وزیر علوم ناصرالدین شاه فرستاد. (روزنامهٔ کشکول، شماره‌های ۴۳ تا ۴۵ باکو ۱۹۶۳)

پاسخ اولیای دولت ایران به آخوندزاده چون این بود:

«الیق و انساب آن است که میرزا فتح علی آخوندزاده در باب تغییر الفبای اسلام خیالات خود را به اولیای دولت عثمانیه معروض دارد، چون که در ابتدا ملاحظهٔ این خیال در آن سلطنت شده است. ما ملت ایران اصلاً به تغییر الفبای خودمان محتاج نیستیم، به علت این که ما سه رقم خط داریم: نستعلیق، شکسته و نسخ که در حسن و رعنائی بالاتر از خطوط جمع ملل روی زمین است. و ما هرگز این خطوط خودمان را متروک و خط جدید میرزا فتح علی آخوندزاده و یا ملکم خان را معمول نمی‌کنیم و نخواهیم کرد.»

آخوندزاده پس از این شکست و نامرادی باز مایوس نشد و رسالهٔ سوم خود را نوشت و برای عالی پاشا صدراعظم دولت عثمانی فرستاد و مقاله‌ای را نیز که «سعاوی پاشا» از دانشمندان عثمانی در انتقاد از الفبای عربی نوشته بود ضمیمهٔ آن کرد. لیکن این بار نیز کوشش او به هدر رفت.

آخوندزاده پس از این آزمایش‌ها و شکست‌های پیاپی، سرانجام از اندیشهٔ اصلاح خط عربی منصرف شد و چهارمین خط جدید ملل اسلامی را تنظیم کرد. این طرح بر پایهٔ الفبای روسی نهاده شده و از ۲۴ حرف بی صدا و ۱۰ حرف صدادار ترکیب یافته بود و ۸ حرف هم برای ادای آواها و مخارج ویژهٔ عربی در آن در نظر گرفته شده بود که با این ۴۲ حرف همهٔ ملل اسلامی از عرب و عجم و ترک و تاجیک بتوانند بی زحمت و اشکال مقاصد خود را بیان کنند. (مجلهٔ فرهنگ و خط شرق، دفتر دوم، برگ ۵۹، به روسی، باکو ۱۹۲۸)

آخوندزاده به درستی راهی که در پیش گرفته بود ایمان داشت، و در این راه با سختی‌ها و دشواری‌های فراوان رو به رو شد، اما هرگز از پای ننشست. او صدها نامه و رساله‌ای که به رجال دولت‌های ایران و عثمانی و روس و به دوستان خود (مانند میرزا ملکم خان، علی خان، اعتضادالسلطنه، جلال‌الدین میرزا، مانکجی نویسندهٔ هندی و پروفیسور کاظم بیگ) فرستاد از نقص الفبای عربی و اشکالاتی که این خط در تدریس و تحصیل علوم فراهم می‌کند، سخن گفت و ضرورت تغییر آن را با دلایل و مثال‌ها و شواهد بیان نمود.

او در نامه‌ای در سال ۱۲۵۳ ش. به شاهزاده اعتضادالسلطنه وزیر علوم نوشت:

طرحی نو...

«باز می نویسم و مادام که زنده‌ام خواهم نوشت تا این که خیال تجدید الفبا فیما بین کل ملت پراکنده شود. چنان که قریب پانزده سال است تخم این خیال را در خاک ایران و روم می پاشم. بی شبهه این تخم در عصر اخلاف ما خواهد رویید». (مجموعه الفبای جدید و مکتوبات، برگ ۳۱۷، باکو ۱۹۶۳)

اهمیت کار آخوندزاده (و پس از او ملکم خان) در این بود که برای نخستین بار دانشمندان شرق اسلامی را به این امر مهم متوجه کرد و همه کسانی که بعدها درباره الفبا و معایب آن سخن گفته‌اند از نظر آن دو بهره‌مند گردیده‌اند.

- میرزا ملکم خان ناظم الدوله

پس از آخوندزاده، گروهی از شرقیان در این راه به کوشش برخاستند و در نارسایی خط کنونی ملل اسلامی مطالبی گفتند و رسالاتی نوشتند و بعضی از آن‌ها خود الفبایی نیز اختراع کردند. ولی نه محیط آن روزگار برای پذیرش این گونه نظرات آمادگی داشت و نه آن خطوط پیشنهادی می‌توانست معایب خط کنونی را رفع کند. افزون بر آن، هیچ یک از آن خطوط با اشکالات آموزشی و صنعت چاپ آن دوره قابل اجرا و رواج نبود. مشهورترین این کسان میرزا ملکم خان ناظم الدوله بود.

ملکم خان هم مانند آخوندزاده اعتقاد داشت که: «وضع خطوط ملل اسلام زیاد از حد معیوب است و با چنان خط محال خواهد بود که ملل اسلام بتوانند به درجه عالیه فرنگستان ترقی نمایند». (از مقدمه کتاب روشنایی، لندن ۱۳۰۳ ق)

ملکم تغییر الفبای فارسی و گرفتن الفبای اروپایی را پیشنهاد نمی‌کرد، بلکه از ترکیب حروف الفبای فارسی خط دیگری ساخته بود که به نظرش ساده‌تر و مفیدتر می‌نمود.

او شرح خط اختراعی خود را در رساله‌ای به نام «نمونه خط آدمیت» در سال ۱۳۰۳ ق به ضمیمه رساله روشنایی در لندن منتشر کرد، و در این باره دو رساله نیز با نام‌های «مبدا ترقی» و «شیخ و وزیر» نوشت و با دستیاری میرزا محمد علی خان فریدالملک همدانی، منشی سفارت ایران در لندن، چند حکایت از گلستان سعدی، و نیز کلمات قصار حضرت علی امیرالمومنین را با خط موسوم به «ملکمی» در آورد و در سال ۱۳۰۲ ق. در لندن به چاپ رسانید.

ملکم همان گونه که خود در مقدمه گلستان اشاره کرده است، بیست و پنج سال در این راه زحمت کشید، ولی الفبای جدید او نیز به علت همان اشکالات و موانعی که برای آخوندزاده هم وجود داشت، و هم به علت نواقصی که در آن بود، رواج نیافت و نمی‌توانست رواج یابد.

- میرزا یوسف خان مستشارالدوله

طرحی نو...

میرزا یوسف خان مستشارالدوله تبریزی نیز از پیروان جدی این فکر جدید بود و زحمات زیادی در این راه کشید. از جمله در سال ۱۲۹۷ ق که در مشهد بود مسالهٔ تغییر الفبا را از علمای معروف آن شهر پرسید و از میرزا نصرالله مجتهد چون این فتوا گرفت:

«تغییر در خط کتب یا اختراع خط جدید مطلقاً جایز است بلا اشکال، بلکه هرگاه موجب تسهیل تعلیم و تعلم و نصیح قرائت بشود راجح خواهد بود. اگر کسی توهم کند که این تغییر تشبه به اهل خارجه است و جایز نیست، این توهم ضعیف است که این گونه تشبیهات حرام نیست، و الا استعمال سماور هم باید جایز نباشد». (شرح این مذاکرات و نظر علما در شمارهٔ ۲۲ روزنامهٔ اختر، سال ۱۲۹۷ ق درج شده است) مستشارالدوله در سال ۱۳۰۳ ق رسالهٔ بسیار مفیدی هم با عنوان «اصلاح خط اسلام» نوشت و در تهران چاپ کرد.

این درست است که همهٔ این خطوط کمابیش معایبی داشت، و هیچ کدام از آنها قابل اجرا نبود، اما مطلب این جا است که مسؤولان دولت‌ها ابداً توجهی به آنها نداشتند و همه را به دور می‌افکندند. علاوه بر کسانی که مستقیماً و مشروحاً دربارهٔ الفبا اظهار نظر کرده‌اند، بیش‌تر دانشمندان و نویسندگانی که نوشته‌های آنان در پیدایش اندیشهٔ آزادی و مشروطیت موثر بوده است به معایب و مفاسد خط فارسی اشاره و از فکر اصلاح آن حمایت کرده‌اند.

از جمله عبدالرحیم طالبوف نویسندهٔ مشهور آن دوران در نوشته‌های خود در چند جا از گرفتاری ملت ایران در دست این «الفبای مندرس و بی مصرف» صحبت می‌کند و اظهار امیدواری می‌کند که «سایر معایب تدریس اطفال یحتمل وقتی الفبای ما را تغییر دادند، اصلاح گردد». (کتاب احمد، برگ‌های ۱۰، ۱۱ و ۳۲ و مسالک المحسنین، برگ ۲۴۸)

پس از جنگ بین‌الملل اول و انقلاب بزرگ اکتبر، مسالهٔ تغییر الفبا و به وجود آوردن خطی که پیشرفت و تعمیم علم و دانش را در میان تودهٔ وسیع مردم تسهیل کند در کشورهای شرقی (یعنی کشورهای غربی) که در تحت لوای فرهنگ و خط اسلامی به سر می‌بردند مطرح گردید و در بیش‌تر این کشورها درک گردید که الفبای عربی یکی از مهمترین عواملی است که از بسط و توسعهٔ دانش و فرهنگ جلوگیری می‌کند.

- کوشش‌های دیگر دربارهٔ تغییر الفبای فارسی

پس از جنگ جهانی اول باز کسانی در ایران به کوشش برخاستند و رساله‌هایی نوشتند که از آن میان میرزا علی اصغر خان طالقانی (پدر مهندس خلیل طالقانی، که از اعضای حزب دموکرات بود و در روزنامهٔ «زبان آزاد»، ارگان این حزب مقاله می‌نوشت)، سعید نفیسی، رشید یاسمی، سید حسن تقی‌زاده و میرزا ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای را می‌توان نام برد.

طرحی نو...

همه این کسان و کسانی که بعد از آنان در این باره بحث کرده‌اند، جز عده معدودی مانند کاظم زاده ایرانشهر و احمد کسروی، اصلاح خط کنونی را کوششی بی‌فایده و ناصواب می‌دانستند و همگی اعتقاد داشتند که الفبای آینده زبان فارسی جز الفبای لاتینی نمی‌تواند باشد، زیرا حروف لاتین که اکنون در زبان‌های اروپایی به کار می‌رود زیباترین و مناسب‌ترین اشکال خط است. از لحاظ خواندن و نوشتن کامل‌ترین و غنی‌ترین همه خط‌هاست. این الفبا از حروف منفصل تشکیل یافته و اکثر مردم با سواد جهان با آن آشنا هستند و همین خط است که در مراکز دنیای متمدن رایج است.

دکتر سعید نفیسی از هواداران معتقد و سرسخت تغییر الفبا بود. او خیلی زود به معایب خط کنونی پی‌برد و تا پایان عمر به عقیده خود وفادار ماند. پروفیسور ژیرکوف روسی که در سال ۱۹۲۸ م با نفیسی در تهران ملاقات کرد، در مقاله‌ای که با عنوان «الفبای لاتین برای زبان فارسی» در مجله «فرهنگ و خط شرقی» (شماره ۱، مسکو ۱۹۲۸) نوشته است می‌گوید:

«نفیسی پس از گفت و گو با من و اطلاع یافتن بر اقداماتی که ما برای الفبای زبان‌های شرقی در اتحاد جماهیر شوروی انجام داده‌ایم، در صدد بود که یک الفبای عملی بر اساس حروف لاتین برای زبان فارسی به وجود آورد. او می‌دانست که تغییر الفبای فارسی به لاتین به این زودی‌ها میسر نخواهد شد و کوشش‌های وی در این زمینه به نتیجه‌آنی نخواهد رسید، و عقیده داشت که فعلاً باید راهنمایی جهت آموختن لهجه‌های محلی ایرانی به بیگانگان تهیه کرد. نفیسی به این نکته توجه داشت که حروفی که برای الفبای فارسی اختیار خواهد شد باید از میان حروف لاتین رایج و موجود در چاپخانه‌های دنیا انتخاب شود و حروف مرکب و دارای علامات، حتی الامکان در آن نیاید. و نیز همه حروفی که هم صدا هستند تنها با یک حرف نشان داده شود».

- رشید یاسمی، شاعر، ادیب، محقق و عضو فرهنگستان ایران، علاوه بر هواداری جدی از عقیده تغییر الفبا اشعاری دارد که در آنها عیوب خط فارسی را یکایک برشمرده است.

ابوالقاسم آزاد در سال ۱۳۲۴ش به فکر تبدیل الفبا افتاد و در مهرماه آن سال «الفبای آسان» را چاپ کرد و در همان سال انجمنی به نام «گروه طرفداران الفبای آسان» تاسیس نمود و خود دبیری آن جمعیت را به عهده گرفت، و در صدد برآمد که با تقدیم طرحی قانونی به مجلس شورای ملی در دوره پانزدهم به این امر رسمیت دهد و آن را در سراسر کشور معمول سازد، اما عمرش وفا نکرد و پیش از گشوده شدن مجلس در تاریخ پنجم خرداد ماه ۱۳۲۵ در گذشت.

طرحی نو...

اما احمد کسروی، اگر چه تغییر الفبا را لازم می‌دانست، ولی از قرار نظر وی نه آن بوده که الفبای جدید از میان حروف لاتین انتخاب شود، بلکه قصد داشته است که الفبایی بسازد به قول خود او درست و رسا و آن را به جای الفبای کنونی بگذارد.

در سال ۱۳۳۸ش انجمنی به نام «انجمن اصلاح خط» از جمعی از دانشمندان (از جمله دکتر نصرالله شیفته، مسعود رجب‌نیا، ابراهیم گرانفر، منوچهر امیری، یدالله رویایی، یحیی ذکا، سهیل آذری و چند تن دیگر) به ریاست استاد سعید نفیسی در تهران تشکیل یافت، و الفبایی پیشنهاد کرد و در جراید و رادیو توضیحاتی دربارهٔ نقص الفبای کنونی فارسی و لزوم تغییر آن داد. این انجمن اصلاح خط فارسی را مهمترین اصلاح اجتماعی در ایران می‌دانست، ولی معتقد بود که این قبیل اصلاحات مهم و جاودانی را نباید با قوهٔ قهریه عملی کرد، زیرا در آن صورت واکنش مردم شدیدتر می‌شود و نتیجهٔ مطلوب به دست نمی‌آید، بلکه باید فکر مردم را با منطق قوی و دلایل محکم حاضر کرد و هر روز بر عدهٔ هواخواهان آن افزود تا همهٔ افراد ملت پشتیبان آن گردند.

در سال ۱۳۴۳ ش. انجمنی به نام «انجمن ترویج زبان فارسی» در تهران دایر شد و مجله‌ای به نام «بنیاد فرهنگ» انتشار داد و الفبایی به نام «الفبای فارسی به خط جهانی» پیشنهاد کرد و از خوانندگان خود خواست تا هرگونه نظری دربارهٔ این الفبا دارند به انجمن بنویسند.

در سال ۱۳۴۴ موضوع تغییر خط فارسی در دو مجلهٔ پایتخت، یعنی «روشنفکر» و «سپید و سیاه» مطرح شد و به مجلات دیگر هم سرایت کرد و هر کس از موافق و مخالف دربارهٔ آن اظهار نظر کرد. در این زمینه مقالات دکتر رحمت مصطفوی، مدیر مجلهٔ روشنفکر، به ویژه بسیار چشمگیر بود. او الفبای فعلی را «مردار» نامید و گفت:

«این خط مثل بختک روی زبان ما، روی روح و فکر نوآموزان ما و روی روح و فکر همهٔ کسانی که حرفه‌شان نویسندگی یا ادبیات نیست و خط را برای احتیاجات روزانه و شغلی می‌خواهند افتاده است».

و در پایان مقاله افزود که: «اگر عرب زبانش را به طور مخصوصی در دهانش می‌چرخاند و صدایی مانند ص یا ض درمی‌آورد و ما نمی‌توانیم این صدا را دریاوریم، نباید لج کنیم و حرفی را که علامت آن صدا است در رسم الخط خود نگاه داریم. به دیوانگی مانند این داوری. (روشنفکر، شماره‌های ۶۲۸ و ۶۲۹ در ۲۹ مهر و ۶ آبان ۱۳۴۴)»

وی در شمارهٔ بعدی این مجله ادامه می‌دهد:

«در ترکیه، تیراژ روزنامه‌های درجه اول از ۲۰۰ هزار بیش‌تر است. در ایران تیراژ بزرگ‌ترین روزنامه‌ها به یک سوم این تعداد هم نمی‌رسد، چرا؟ برای این که یک ترک با سواد خیلی عادی، در حدود شش ابتدایی ما، که روزنامهٔ ترکی

طرحی نو...

در دستش می‌گیرد، تردید ندارد که روزنامه را می‌تواند بخواند، اسامی نا آشنا را، اعم از داخلی و خارجی، می‌تواند درست تلفظ کند و می‌تواند آن را با صدای بلند برای دیگران بخواند. چند درصد از باسوادهای ایرانی می‌توانند روزنامه‌ای را با صدای بلند بخوانند و ده بار و بیست بار بر سر تلفظ کلمه‌ای، اعم از ایرانی و بیگانه، گیر نکنند؟» (روشنفکر، شماره ۶۳۰، در ۱۳ آبان ۱۳۴۴..)

از آن گذشته محقق وادی خط آقای کاظم استادی سابق الذکر، این بار با عنوان «زمینه‌های پیدایش تفکر تغییر خط در قرون اخیر» درآمده در نشریه «آئینه پژوهش» بحثی مستوفا و نگاهی جامع‌تر، به ویژه مصادرخارجی قضیه، و نمونه‌های موجود انداخته اند که برخی خطوط آن در زیر می‌آید.

ورود بحث «تغییر خط» از خارج به ایران

پس از جنگ جهانی اول، باز کسانی در ایران به کوشش برخاستند و رساله‌هایی در تصحیح خط فارسی نوشتند، که اولین آنها مقالاتی بود در سال ۱۳۰۴ ش توسط حسین کاظم‌زاده ایرانشهر به نام «الفا به ترتیب راه نو» و نیز «لزوم اصلاح خط و زبان» از ابوالقاسم اعتصام‌زاده. همزمان با جریانات نهایی تغییر خط در آذربایجان [شوروی سابق] و ترکیه و برخی نقاط دیگر، در ایران نیز مقالاتی پیرامون تغییر خط به چاپ رسید، که برخی از نویسندگان آنها عبارت بودند از: ابراهیم پورداود، غلامحسین ابتهاج، چیره.

وقتی در سال ۱۳۰۷ شمسی خط در ترکیه و جمهوریهای قفقاز تغییر کرد، در ایران نیز مقالات بسیاری پیرامون تغییر یا تصحیح خط نوشته شد. برخی از مؤلفین عبارتند از: غلامرضا یاسمی / حسین حلاج / علی دشتی / عبدالله رازی / حسین زنجانی / عذرافرود / عبدالحسین شهشانی / مصطفی افتخار / محمدقزوینی / محمدعلی جمال‌زاده / سعیدنفیسی / سید حسن تقی‌زاده و نیز برخی از ایرانیان خارج از کشور نیز همانند محمد علی داعی الاسلام، به این موضوع پرداختند

تقی‌زاده مسئله تغییر الفبا را در رساله‌ای به نام «مقدمه تعلیم عمومی» در سال ۱۳۰۷ ش موضوع بحث قرار داد و دلایل بسیار در لزوم آن آورد. و نیز خطی به جای الفبای کنونی بر اساس الفبای لاتین پیشنهاد کرد. تا اینکه در سال ۱۳۱۳ شمسی رضاشاه پس از دیدن ترکیه در بازگشت به ایران فرمان داد که مقدمات اصلاح الفبا را در ایران فراهم کنند. و از اقدامات دیگران دیگران و تجاری که در این زمینه به دست آورده‌اند اطلاعات درستی گردآورند.

طرحی نو...

از قرار معلوم علی اصغر حکمت، که وزیر فرهنگ وقت بود مأمور این کار شد و فرهنگستان تأسیس شده ایران در ماده دوم اساسنامه اش مطالعه در اصلاح خط را جزو وظایف خود قرار داد.

در این میان برخی از ایرانیان و غیر ایرانیان با موضوع تغییر خط مخالفت کردند. از جمله شرقشناسانی که با تغییر الفبای ایران مخالفت نمود و مخالفتش نیز مؤثر افتاد «سردنیسن راس» شرقشناس بنام انگلیسی بود.

در همین زمان ها موضوع تغییر خط در ایران یکباردیگر داغ شد، و نویسندگان بیشتری به این موضوع پرداختند. از آن میان میرزا علی اصغر خان طالقانی، سعید نفیسی، رشید یاسمی، سید حسن تقی‌زاده، مصطفی فاتح، ذبیح بهروز، جبرئیل اعلائی، موسی نثری، حسین رضاعی و میرزا ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای را می‌توان نام برد.

آزادمراغه‌ای در پی این تصمیم خود جمعیتی به نام گروه طرفداران الفبای آسان را در تهران و شهرستانها تشکیل داد، و خود نیز دبیر این گروه شد. او برای جلب نظر نمایندگان مجلس دوره چهاردهم کتابی تحت عنوان الفبای آسان تألیف کرد تا شاید خط پیشنهادی وی مورد بررسی قرار گیرد و در مجلس پانزدهم به عنوان یک طرح قانونی مطرح و تصویب شود.

- اوج مباحثات تغییر خط در ایران

سال ۱۳۳۸ شمسی، سال دعوای تغییر خط بین موافقان و مخالفان است. که منجر به انتشار حداقل هشتاد نوشته پیرامون مشکلات خط فارسی گشت. در این سال انجمنی به نام «انجمن اصلاح خط» از جمعی از دانشمندان به ریاست استاد سعید نفیسی در تهران تشکیل یافت، و الفبایی پیشنهادی درج‌رادیو توضیحاتی درباره‌ی نقص الفبای کنونی فارسی و لزوم تغییر آن داد. این انجمن اصلاح خط فارسی را مهم‌ترین اصلاح اجتماعی در ایران می‌دانست، ولی معتقد بود که این قبیل اصلاحات مهم و جاودانی را نباید با قوه‌ی قهریه عملی کرد، زیرا در آن صورت واکنش مردم شدیدتر می‌شود و نتیجه‌ی مطلوب به دست نمی‌آید، بلکه باید فکر مردم را با منطق قوی و دلایل محکم حاضر کرد و هر روز بر عده‌ی هواخواهان آن افزود تا همه‌ی افراد ملت پشتیبان آن گردند.

در همین سال به دنبال جنجالی که بر سر موضوع تغییر خط در ایران برپا شد نقل قولهایی از مخالفت آیت الله العظمی بروجردی شنیده شد که احتمالاً به همین دلیل پس از این تاریخ دوباره موضوع تغییر خط رو به افول رفت و از حرارتش کاسته شد. ولی با این حال مقالات و کتابهایی در این موضوع منتشر می‌گشت.

طرحی نو...

در سال ۱۳۴۳ ش انجمنی به نام «انجمن ترویج زبان فارسی» در تهران دایر شد و مجله های به نام «بنیاد فرهنگ» انتشار داد و الفبایی به نام «الفبای فارسی به خط جهانی» پیشنهاد کرد و از خوانندگان خود خواست تا هرگونه نظری درباره ی این الفبا دارند به انجمن بنویسند.

در سال ۱۳۴۴ موضوع تغییر خط فارسی در دو مجله ی پایتخت، یعنی "روشنفکر" و "سپید و سیاه" مطرح شد و به مجلات دیگر هم سرایت کرد و هرکس از موافق و مخالف درباره ی آن اظهار نظر کرد. در همین سال حداقل هفده نوشته پیرامون تغییر و اصلاح خط فارسی از مؤلفان منتشر شد. واقع اینست که ضرورت تغییر خط فراگیر و عمومی نبود. و تنها عده خاصی بر این مزایا و ضرورتها واقف بودند. حکومتها بر اساس قاعده «سری که درد نمی کند، دستمال نمی بندند» علاقه ای به تحمل دردهای زیاد تغییر خط نداشتند. علماء و فقهاء، به دلیل انس مردم با خط عربی و واهمه از انقطاع یکباره مردم از متون دینی به هیچ وجه استقبالی از این موضوع نداشتند، مضافاً به این که مخالفت نیز می نمودند. شاید بزرگان همه به عیوب خط عربی واقف بودند، اما از آن سو نیز خط مناسبی که بتواند بدون عیب جایگزین خط قدیم گردد ارائه نشده بود. و سرانجام اینکه خط لاتین که به ظاهر علاقمندان زیادی را در موضوع تغییر خط همراه خود داشت باز خورد ملی و مذهبی خوبی بین مردم و متدینین و علاقمندان به سنت نداشت. بنابراین تبلیغ این خط نیز واکنشهایی را در بر داشت که نمی توانست جایگزین خط شبه عربی قدیم گردد.

- افول بحث تغییر خط همراه انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب، به دلیل گسترش موضوعات اسلامی و وجهه دینی حکومت ایران و گرایشات مذهبی مقامات دولتی، موضوع تغییر خط به کلی از تب و تاب افتاد. و بیشتر مقالاتی که پیرامون خط منتشر می شد، به اصلاح رسم الخط موجود فارسی و یا یکسان سازی رسم الخط می پرداختند.

در مرداد ۱۳۷۱ در شماره ۷۲ «مجله آدینه» مقاله ای منتشر شد با نام «فراخوان به فارسی نویسان و پیش نهاد به تاجیکان» این فراخوان را ایرج کابلی انجام داده بود و در آن به تفصیل ضمن تشریح نارسایی ها و مشکلات موجود در شیوه نگارش خط فارسی توصیه کرده بود شورا ای برای رسیدگی و حل این مشکلات تشکیل شود. در همین شماره مجله آدینه مقاله دیگری توسط محمد صنعتی با عنوان «دشواری های زبان فارسی با کامپیوتر» نیز منتشر شده بود. در ۳۱ مرداد ۱۳۷۱ نخستین نشست شورای بازنگری در شیوه نگارش و خط فارسی تشکیل شد.

طرحی نو...

از آن پس اخبار و مصوبات شورا در مجله آدینه منتشر می‌شد. و شیوه نگارش آدینه نیز مطابق این تصمیمات تغییر می‌کرد. کاظم کردوانی به عنوان دبیر این شورا در آبان ۱۳۷۲ گزارشی از فعالیت یک ساله شورا ارائه داد و در آن تاکید شده است که شورا قصد تغییر خط فارسی یا چپ نویس کردن آن را ندارد.

پس از انتشار مصوبات شورا، مجله آدینه و بعضی از نویسندگان و مترجمین آثار خود را با شیوه نگارش پیشنهادی این شورا، یا شیوه نزدیک به آن منتشر کرد. احمد شاملو مجموعه آثار خود را به همت نیاز یعقوب‌شاهی با شیوه نگارش جدید ویراستاری کرد و رمان «دن آرام» نیز با کمک هنگامه شهرباری با این شیوه منتشر شد. پس از درگذشت شاملو آیدا سرکیسیان آثار وی را با شیوه نگارشی مورد علاقه شاملو منتشر می‌کند.

با مرگ هوشنگ گلشیری و احمد شاملو و کریم امامی، و با تعطیلی مجله آدینه و رفتن کاظم کردوانی بعد از ماجرای کنفرانس برلین، شورا عملاً تعطیل شد و نتوانست مصوبات خود را پی‌گیری کند و نواقص احتمالی آن را بر طرف کند. ایرج کابلی با انتشار کتاب درست‌نویسی خط فارسی و ایجاد وب‌گاه **Linguism** سعی در ادامه راهش و ادامه کار نیمه تمام آن دارد.

با رواج حروفچینی کامپیوتری و گسترش آن دستگاههای فرهنگی و دولتی متولی حفظ خط فارسی در این فضاها شدند. موضع تغییر خط چنان به فراموشی سپرده شد که حتی وقتی در سال ۱۳۸۴ کتابشناسی ای پیرامون خط فارسی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد، کلیه کتابها و مقالاتی که به موضوع تغییر خط پرداخته بودند در آن کتابشناسی حذف شدند.

پس از فراگیر شدن اینترنت و افزایش چشمگیر کاربران آن در ایران، کارگروهی برای حفظ زبان و خط فارسی در فضای مجازی در شورای اطلاع رسانی تأسیس شد که اکنون چندین سال است به همین موضوع می‌پردازند.

وسر انجام مطلب آخرو زاویه دید دیگری، آمده در این باب در مجله «حوزه»

- مخالفت علما و موافقت روشنفکران با تغییر خط

زمزمه شوم تغییر خط از دوران پیش از مشروطه شنیده می‌شد، و تا دوره پهلوی ادامه یافت. و در روزنامه‌ها و محافل این ایده مجال طرح یافت. علمای آگاه با این ترفند و برنامه شوم ویران‌گر به مخالفت برخاستند. مخالفت آنان به معنای مخالفت با نوظلمی و پیشرفت نبود، بلکه پافشاری بر حفظ سنتها، فرهنگ و نمادهای دینی بود و حرکتی سرچشمه گرفته از روشن‌اندیشی. عوامل استعمار در صدد بودند به بهانه تحوّل و پیشرفت و هماهنگی با فرهنگ جهانی، امت اسلامی

طرحی نو...

را از بنیادهای فرهنگی خود جدا سازند ، و هویت شان را بر باد دهند ، و کاری کنند که نتوانند از سرچشمه ناب اسلامی بهره مند شوند. آنان را دنباله رو فرهنگ و آیین خود سازند. آن گونه که با ترکیه رفتار کردند . استعمارگران با تغییر خط در ترکیه ملت غیور و پرخروش آن دیار را از اصالتها و ریشه های دینی خود جدا کردند و ضربه بسیار بزرگی بر هویت آنان وارد ساختند.

در دوران پهلوی در صدد بودند تاریخ و خط ایران را تغییر دهند و ایران را مانند یونان و ترکیه در اقمار کشورهای غربی قرار دهند و مردم به زبان لاتین بنویسند. ولی مقاومت جانانه علمای آگاه و روشن و بصیر راه را بر خطر بست . اما روشنفکران مخالف روحانیت از تغییر خط فارسی و عربی به لاتین جانبداری کرده و آن را راهی برای سهولت نوشتار و هماهنگی با رسم الخط بین المللی می شمردند . و تاکید علما بر خط کنونی را برخاسته از تجر و ناآگاهی به مزایای تحول خط قلمداد می کردند.

آخوندزاده به روشنی می گفت : الفبای موجود باید از بیخ و بن برانداخته شود ، و به جای آن اصول نوشتاری لاتین پذیرفته و خط از چپ به راست نوشته شود و نقطه ها به کلی مرخص شود.

ترکیه پس از سقوط دولت عثمانی به تغییر خط تن داد و بسیاری از روشنفکران ایران پیشرفتهای آغازین ترکیه را پس از جنبش ترکان جوان در تغییر خط و غربگرایی ترکیه دانسته اند. سعید نفیسی از هواداران جدی و سرسخت تغییر الفبای فارسی به لاتین بود. رشید یا سمی نیز از آن جانبداری می کرد. تقی زاده نیز در آغاز چند صباحی دم از تغییر الفبای فارسی می زد که سپسها از آن استغفار می کرد.

از نویسندگان نویسنده از صبا تا نیما ، آرین پور الفبای فارسی و عربی را بزرگ ترین مانع و توسعه دانش و فرهنگ می انگاشت . در برابر این طرحها و پیشنهادهای وسوسه انگیز و چه بسا شیطانی ، تنها گروهی که مقاومت کرد علمای دین بودند.

علمای دین خط و زبان فارسی را حامل گنجینه های فرهنگ و ادب می دانستند. و بر این نظر بودند که این زبان زبان دوم اسلام است ، و با فراموش کردن آن مجموعه بزرگی از میراث فرهنگی و ادبی اسلام و ایران برباد می رود و رشته استوار نسل کنونی با میراث کهن خود می گسلد و آماده پذیرش فرهنگ غرب می شود.

آیت الله بروجردی ، به شدت با طرح پیشنهاد و فکر تغییر خط فارسی به لاتین مخالفت کرد و آن را از دسیسه های استعمار غرب شمرد که می خواهد دیواری آهنین میان مردم و معارف اسلامی و فرهنگ غنی پارسی برقرار سازد.

طرحی نو...

ث - ردپای طنز در ماجرای تغییر خط

اول بینید این کاریکاتور و مطلبی که سایت رسمی فارسی ب ب سی انگلستان در شماره اخیرش به نقل از یکی از نشریات داخل کشور منتشر کرده است .



بی بی سی: خط فارسی ناکارآمد است . دنبال جایگزین باشیم!

دوشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۰۸:۵۹

مرجع : جام نیوز

سایت بی بی سی در راستای پروژه استعماری دولت انگلیس مبنی بر حذف نمادهای تمدن بزرگ ایران، که پس از اسلام گسترش چشمگیری در حوزه دانش و فرهنگ داشته، اقدام به تخریب این زبان کرده است. به گزارش افکارنیوز، شبکه بی بی سی که برای ارتباط با مخاطبان فارسی زبان، بیش از ۶ سال است اقدام به راه اندازی بخش فارسی خود به ریاست «صادق صبا» کرده است، در راستای پروژه استعماری دولت انگلیس مبنی بر حذف نمادهای تمدن بزرگ ایران، که پس از اسلام گسترش چشمگیری در حوزه دانش و فرهنگ داشته، اقدام به تخریب زبان فارسی کرده است.

چندی پیش صادق صبا که در برنامه دیدبان حاضر شده بود، در پاسخ به انتقادات مخاطبان فارسی زبان که چرا بی بی سی

طرحی نو...

فارسی گروه «انصارالله» یمن (حوثی‌ها) را با عنوان «شورشی» خطاب می‌کند؟ با ضعیف دانستن زبان فارسی، گفت: «اصولا در زبان فارسی گویا یک مشکلی هست که شما بتوانید واژگانی را پیدا کنید که خنثی باشند و همه رویش توافق کنند و بتوانید از آن استفاده کنید.»

بعد از این توجیه و سخنان قابل تأمل صادق صبا، شبکه بی‌بی‌سی برای تکمیل این اهانت به ایرانیان، برنامه «پرگار» به سردبیری و اجرای «داریوش کریمی» - که به صورت میزگرد برگزار می‌شود - را روی آنتن می‌فرستد و با اختصاص یک برنامه به موضوع زبان و خط فارسی، به ناکارآمدی خط فارسی و انتخاب خط جایگزین برای خط کنونی می‌پردازد!

در این راستا سردبیر پرگار با انتخاب متنی سنگین از ادبیات کهن فارسی، با ثقیل دانستن زبان فارسی، خط کنونی فارسی را ناکارآمد دانست.

وی اظهار داشت: خط فارسی اینقدر سخت است که اول باید خط را بفهمید و کلی کلنجار بروید تا بعد برسید به زبان، یعنی انگار این خط یک سدی است! با این پیشنهاد رادیکال موافق هستید که ما یکی دو تا خط دیگر هم داشته باشیم. مثل متون علمی و مثل پیامک‌ها و این خط اصلی را هم نگه داریم و گاهی با هم تلفیق کنیم؟

بعد از این مقدمه چینی مجری شبکه انگلیسی بی‌بی‌سی فارسی، افرادی که با عنوان کارشناس به این برنامه دعوت شده بودند، این خط تخریب را دنبال کردند.

به عنوان نمونه فردی به نام محمود فلکی تحت عنوان کارشناس برنامه گفت: من فکر می‌کنم که خط اصلی رو میشه با لاتین (برسیک، فینگلیشی) نوشت! این [فینگلیشی] خط اصلی باشه و در کنارش خط فارسی در مدارس هم تدریس بشه.

این توطئه در حالی است که خط فارسی مانند زبان فارسی یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی است، از این رو بی‌بی‌سی می‌کوشد تا به این واسطه، زمینه‌ای برای غرزدگی و کنار گذاشتن میراث ملی ایرانیان - که پیش از این در ترکیه نمونه استعمار و سلطه فرهنگی آن اتفاق افتاده است - آماده کند.

گفتنی است که رهبر انقلاب در دیدار با اعضای بنیاد ملی نخبگان و تنی چند از نخبگان علمی کشور در مهر ماه سال ۹۲ فرمودند: «کاری کنید که در دنیا دیگران محتاج دانش شما باشند، مجبور باشند زبان شما را یاد بگیرند تا به دانش شما دست پیدا کنند؛ این کار ممکن است»

وازان پس تحت عنوان «طنز روز» نوشته‌ای با عنوان «سه پیشنهاد برای تغییر

خط فارسی» از آقای رضا ساکی

طرحی نو...

« این جوری هم مشکلات خط فارسی حل می‌شود و هم زبان‌مان تقویت می‌شود و هم فارسی جهانی می‌شود و هم مشکلات خط انگلیسی برطرف می‌شود!

بنده هم به عنوان کسی که به زبان فارسی حرف می‌زند و به خط فارسی می‌نویسد، حق مسلم خود می‌دانم. پیشنهاداتی درباره‌ی خط فارسی بدهم. پیشنهادات من حاصل سی و دو سال (دو سال بیش‌تر از فردوسی) تحقیق و مذاقه در زبان فارسی است که مجانی تقدیم شما دوستداران خط فارسی می‌کنم. بنده نظریات خود را در سه بخش تشریح می‌کنم:

نقطه‌ها: ما باید برای به‌روز کردن و آسان کردن نوشتن خط فارسی نقطه‌هایش را برداریم! متأسفانه هیچ‌کدام از استادان و کارشناسانی که ایسنا با آن‌ها درباره‌ی خط فارسی گفت‌وگو کرده است به مشکل نقطه‌ها در خط فارسی اشاره نکرده‌اند.

شما همین الآن ببینید چقدر نقطه‌ی الکی در نوشته‌ی من وجود دارد! ما برای پیشرفت باید نقطه‌ها را برداریم. شما خط انگلیسی را ببینید! یا فرانسه را، نقطه دارند؟ ندارند! اگر هم دارند، خیلی به چشم نمی‌آید! خط چینی چه؟ یا ژاپنی؟ ما خودمان هم در دوران باستان نقطه نداشته‌ایم. پس اگر نقطه‌ها را برداریم در زبان و خط پیشرفت می‌کنیم. واقعا که این نقطه‌ها بی‌خودند. ایراد هم نگیرید که بدون نقطه نمی‌شود چیزی را خواند، اتفاقا می‌شود خواند. مثلا خواهش را اگر بنویسیم خواهش، همه می‌خوانند خواهش و کسی خواهش نمی‌خواند، چون ما در فارسی خواهش داریم، ولی خواهش نداریم. خدا و کیلی خواهش از خواهش باکلاس‌تر است! نیست؟

یکسان‌سازی صامت‌ها: نظر بنده این که ز، ذ، ظ، ض را برداریم، به جای آن‌ها Z بگذاریم و به همین ترتیب به جای س و ص S و به جای ت و ط t. این جوری هم مشکل خط فارسی حل می‌شود و هم با استفاده از حروف انگلیسی در خط خودمان با خارجی‌ها هم‌ذات‌پنداری ایجاد می‌کنیم و آن‌ها برای یادگیری فارسی تشویق می‌شوند!

فارگیلیش نویسی: به نظر من بهترین راه برای خلاصی از مشکلات خط فارسی این است ما انگلیسی را با خط فارسی بنویسیم. مثلا: این د نیم آو گاد! این جوری هم مشکلات خط فارسی حل می‌شود و هم زبان‌مان تقویت می‌شود و هم فارسی جهانی می‌شود و هم مشکلات خط انگلیسی برطرف می‌شود! یعنی مزیت‌هایی که در پیشنهاد سوم من هست، در طول تاریخ بی‌سابقه است. گود بای!!»

چ - در لزوم طرح این مسئله در زمان حاضر

طرحی نو...

امادلائل ضرورت و بلکه اجتناب ناپذیر بودن این مقوله در این برهه از زمان ، یعنی اصلاح ، و به عبارتی تکمیل خط کنونی فارسی ، نه فقط چنانست که ابعاد فاجعه انگیز خط کنونی بر کسی پوشیده باشد . که بیش از آن فراموش نکنیم در عصر انفجار اطلاعات از طریق شبکه های جهانی هستیم . انفجاری که بخش اعظم آن را ادبیات مکتوب و نوشته ها تشکیل میدهد . حال چگونه با این خط و نگارش ناقص ، و به عبارتی پای لنگ می توانیم وارد این جهان انبوه و درهم شویم ، جهانی که در آن رقابت زبانی و نگارشی به نوبه خود با شدتی هر چه تمامتر ادامه دارد .

درست به دلیل همین نقص ، و همین عدم صدور مجوز برای ورود به این جهانست که لازم دیدیم به دور از هر نوع محافظه کاری ، سنت پرستی و واپس گرایی راجع ، که متأسفانه در اغلب موارد طبیعت ثانوی ما ایرانیان شده است ، قضاوتی صحیح نموده و ضمن درک واقعی مشکلات و معایب خط فارسی کنونی گامهایی در جهت حمایت و اصلاح آن برداریم ، گامهایی که ممکن است در بدو امر ساده اندیشانه و به دور از منطقهای جاری مملکت بنماید ، ولی انصاف دهیم که آیا به غیر آنان ، و با فرض باقی ماندن در همین شرایط ، راه دیگری برای اصلاح این معایب و به روز آوردن خط فارسی باقی میماند؟

طرحی نو...

از طرفی خطر فراگیر شدن اعتقاد به تعویض خط فارسی پشت درهای فرهنگ ما کمین کرده است ، مخصوصاً از جانب آشنایان به خط لاتین و نسل دوم و سوم های این سووآن سوی آب . حال آنکه در مقابل حداقل دو کشور متمایل به زبان و خط فارسی می شناسیم که گویی منتظر تصمیم ما به عنوان کشور مونوپل نشسته اند تا در کنار زبان خطشان را هم از هرچه هست به فارسی تغییر دهند . (منظورم تاجیکستان و افغانستان است)

از آن مهمتر ، شبکه اینترنت که امروز زبان جهانی فرهنگها و تمدن ها شده ، بادریغ و دردخط ما را به رسمیت نمی شناسد و در فهرست خطوط جهانی (که حتی فلان قبیله آفریقایی هم در آن سهم دارد!) برای ارتباطات اینترنتی از آن حمایت نمی کند ، یا حد اکثر در جزو خطوط عربی (!؟) قلمداد و حمایت نیم بند می نماید .

از خودپیرسیم این وضع تا کی می تواند ادامه داشته باشد؟ آیا زمان آن نرسیده تا دیر نشده (که به نظر میرسد اندکی هم دیر شده) فکری کنیم ، وبادر نظر گرفتن مصایبی که تعویض اجباری در آینده نچندان دور به دنبال خواهد داشت ، همسوبا نگارنده این سطور به این نتیجه برسیم که چاره کار نه تعویض ، که تصحیح و تکمیل است . تصحیح و تکمیلی که گفتیم با تحمل سختیهای یک دوره پنج تاده ساله (موسوم

طرحی نو...

به دوره انتقالی (ودرسطح جرایدعام و کتابهای درسی به این معضل ملی و جهانی که اعتبار فرهنگی ، آموزشی و ادبی مارا خدشه دار نموده پایان دهیم .

باز هم تکرار می کنیم در صورت تصویب این طرح از جانب زبانشناسان و دست اندر کاران خط و زبانشناسی ، و نهایت آحاد مردم که به این وسیله ارتباطی نیاز مندهستند ، و قدم به مرحله اجرایی نهادن ، قطعاً لازمست توسط تمام ارگانهای فرهنگی ، آموزشی ، کتابهای درسی ، مجلات و نشریات مربوط به اخبار روز ، ناشران و..... رعایت ، و با زمینه سازی و اطلاعات دهی مناسب ، نه از طریق بخشنامه ای و زور که نتیجه معکوس در بر خواهد داشت ، قانع شوند که در آینده با رعایت این اصول ، و البته اصول تکمیلی دیگر که متعاقباً توسط همان مراجع تصویب خواهد شد ، خط فارسی نهایت سهولت در کاربری و نقل و انتقال مفاهیم مورد نظر، به انضمام خوانش صحیح کلمات را خواهد یافت و به واقع یک عزم ملی به ثمر خواهد نشست .

یکی از مشکلات فعلی زبان فارسی ، که در اینجا اقل بخشی از آنهم شامل رسم الخط می شود ، مشکلی که اهل قلم و منادیان فرهنگ ایرانی رازحمت می دهد ، عدم توان یک ترجمه مناسب و قابل فهم از این زبان به زبانهای دیگر (مثلاً انگلیسی) است . بایپدایش نرم افزارهای ترجمه ، و نیاز شدید جهانی شدن زبان و فرهنگ ما ، یافتن امکان خودنمایی در عرصه جهانی ، عملن این ترجمه ها ، حداقل به واسطه روشن نبودن

طرحی نو...

قواعد و قوانین مضبوط نگارشی ، غیرمقدور گردیده و باید هرچه زودتر فکری برای آن کرد

حقیقت اینست که تمام خطوط و زبانهای جهان سعی دارند با سهل و آسان ساختن آموزش زبان و خطشان ، جایگاهی والاترین ملل و تمدنهای دیگر پیدا نمایند ، ولی خط فارسی گویی تا حال حاضر از چنین کوششی فارغ ، و اهمیت نمی دهد حداقل بچه های نوآموز خودش با سهولت بیشتری آنرا یادگیرند ، تسهیلاتی در این طریق برایشان فراهم آورد ، یا کسی از خارجیان و برای خارجیان آنرا بیاموزد یا بیاموزاند .

بینید زبان چینی که ، به حق باید گفت سخت ترین خط و زبان دنیا را دارد ، یعنی چیزی شبیه علامت نگاری و نه الفبا ، امروزه کلمات مستعمل آموزشی خود به خارجیان و نوآموزان را از مقداری حدود پنجاه هزار کلمه به دوهزار ، هشتصد و حال چهارصد کلمه برای مبتدیان تقلیل داده است .

آیا زمان آن نرسیده که ما هم دامن همت به کمر زده و در طریق اصلاحات لازم ، که به زعم ما به مراتب هزینه اش کمتر از تعویض خط است ، فکری کنیم و مانع فروپاشی بنیادین آن گردیم ، تا بدان وسیله حداقل به بلای از گذشته بیگانگی ، که بر سرفرنگ ، سنن و ادب کشوری چون ترکیه یا عثمانی سابق آمد دچار نشویم ؟ نسل جدید این کشور که بعد از تعویض خطشان گویی بانسل قبلی قطع رابطه کردند.

طرحی نو...

اماراهکارهای قانونی قضیه کدامست . محقق فاضل آقای مهرداد معمارزاده طهران تحت عنوان «نگرشی تحلیلی بر اصل ۱۵ قانون اساسی» مواضع قانونی ولزوم پیگیری اصلاح و تعمیم خط فارسی از این دیدگاه رامطرح نموده اند که ماحطوطی از آنرا در اینجا بنابه ضرورت مجال این نوشته می آوریم:

« اصل ۱۵ گوید زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است . اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد. ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی، و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

در آغاز نیازی نمی بینیم بار دیگر تاکید نماییم که قانون اساسی در هر کشوری مرجع و منبع فصل الخطاب بوده ، و امری لازم‌الاتباع محسوب می گردد. البته چنانچه کسانی هم ملاحظاتی در برخی اصول دارند می توانند از راه‌های قانونی آن را پیگیری نموده ، و زمینه های بازنگری احتمالی بخش یا بخش‌های مورد نظر خویش را در ذهن جامعه فراهم نموده ، و در ادامه نیز حاکمیت را به اعمال همه پرسی در آن باره مجاب و ترغیب نمایند.

این روزها، یکی از اصول چالش برانگیز قانون اساسی کشورمان اصل پانزدهم در فصل دوم می باشد. (فصل مربوط به زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور) این اصل یکی از اصول مترقی و روشن قانون اساسی ایران است ، که البته اینک ملاحظاتی نیز درباره آن وجود دارد.

۱- در بند آغازین این اصل آمده است ، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است». این بخش از اصل ۱۵ بسیار روشن است و بهانه را از دست هر فرد بدخواهی که مقصودی مگر همگرایی ملت ایران در سر داشته باشد می گیرد. البته همانگونه که آمد ، ملاحظاتی در همین بخش از این اصل نیز موجود است. بدینگونه که، خط و زبان فارسی، خط و زبان «ملی» مردم ایران نیز هست ، نه فقط تنها «رسمی و مشترک». زیرا آنچه از معانی «رسمی» و «مشترک» مستفاد می گردد گونه‌ای قرارداد است ، مانند فرانسه که به زمانی مقرر گردید تا خط و زبان فرانک‌ها خط و زبان رسمی و مشترک کشور و مردم فرانسه قرار گرفته و تلقی گردد . اما آیا این امر درباره کشورمان ایران نیز صادق است؟

به راستی چه کسی می داند که این خط و زبان، از چه زمانی مورد استفاده مشترک مردمان قلمرو میانی (ایران زمین، فلات ایران) قرار گرفته ، و سپس نیز تا هند و مصر و فرای قفقاز و بالکان و آن سوی فرارود گسترش یافته

طرحی نو...

است؟ (در یمن، میانرودان، قفقاز، فرارود، سند و سراسر مرکز فلات - مرزهای ایران سیاسی کنونی -، از دیرباز رواج داشته است)

ازین رو «زبان فارسی» علاوه بر اینکه زبان رسمی و مشترک همه مردم ایران است، زبان ملی یعنی «زبان میهن مادری» ایشان نیز محسوب می‌گردد. و اما واژه «رسمی»، که به دلیل آمدن در متن این اصل از قانون اساسی (۱۵)، می‌بایست توجه مکفی نسبت به آن لحاظ گردد....

۲- در دنباله این اصل (۱۵) می‌خوانیم، «اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی، باید با این زبان و خط (فارسی) باشد».

امروزه در این باره، کمتر چالشی وجود دارد. بخش پایانی این بند، یعنی «... و کتب درسی، باید با این زبان و خط (فارسی) باشد». امدلایل ضرورت و بلکه اجتناب ناپذیر بودن طرح این مقوله در شرایط حاضر، یعنی طرح اصلاح و به عبارتی تکمیل خط کنونی فارسی، متعدد و ماتنها به ذکر چند نمونه اکتفامی کنیم.

۳- در دنباله، به بخش جالب و بسیار آزادمنشانه‌ای از این اصل (۱۵) می‌رسیم.

«(ولی) استفاده از زبان‌های محلی و قومی، در مطبوعات و رسانه‌های گروهی ...، در کنار زبان فارسی، آزاد است». اگرچه در همین بخش نیز ملاحظاتی ملحوظ است، و می‌بایست که در این باره به تعریف درستی از مفاهیمی چون زبان، گویش و لهجه دست یافت و آن‌ها را از یکدیگر تفکیک نمود. سپس نیز به تعریف مصادیق و مؤلفه‌هایی همت گماشت که روشن کند چه مقولاتی در چارچوب مفهوم زبان، کدام‌ها در بخش‌بندی مربوط به گویش، و کدام‌ها نیز در دسته‌بندی‌های ویژه مربوط به مفهوم لهجه قرار خواهند گرفت.

ح - نظر دانشمندان متأخر در مخالفت با تغییر خط

از دانشمندان و صاحب‌نظرانی که در این اواخر دوره معاصر پیرامون تغییر و تحول خط فارسی نظر داده اند، و تغییر خط را به نوعی توطئه اجانب قلمداد کرده اند دو تن در این راه جدیت بیشتری به خرج داده اند. یکی مرحوم احمد کسروی و دیگری ذبیح

طرحی نو...

بهروز. آنچه بیاید عین گفته های مرحوم بهروز برداشته شده از نشریه «ایران کوده» می

باشد :

«..از اوایل سده‌ی دوم هجری تا سده‌های چهارم و پنجم در ایران، تاریخ خط و افتخار داشتن خط‌های کامل و گوناگون زمینه‌ی بحث و جدالی سخت و طولانی بوده، و سرانجام این جدال‌ها باعث از بین بردن آثار باستانی و جعل مدرک‌ها و روایت‌های بسیاری شده است، که برجسته‌ترین یادگارهای آن تغییر اسم حرف‌های معجم به الفبا، و برهم زدن ترتیب حرف‌ها و حدیث ابوذر غفاری درباره‌ی فرود آمدن الفبا از آسمان برای آدم است.

بیش از هزار سال پیش حمزه‌ی اصفهانی کتاب مفصل و بزه‌ای نوشته، و در آن پس از برشمردن خط‌های گوناگون ایران باستان و اعتراض بر چند روایت جعلی درباره‌ی مخترعان خط، عیب‌های خط عربی را شرح داده و تصریح کرده است که حرف‌های خط عربی برابر اساس حکمت نبوده است.

از نویسندگان مشهوری که پس از حمزه‌ی اصفهانی به عیب‌های خط اشاره کرده‌اند، ابوریحان است. ولی روی هم رفته پس از فتنه مغول و کشتار بی دریغ مردم و ویرانی شهرها و نابودی آثار شهرآیینی، به ویژه در مشرق ایران، آتش این جدال تاریخی خاموش شد و بعدها مطلب تازه‌ای درباره‌ی تاریخ و مخترع و گونه‌های خط به نظر نرسیده است. ولی نویسندگان کتاب‌های تجوید به فارسی و عربی و پژوهش‌های صداشناسی از چند هزار سال پیش به این سو همیشه در ایران دنباله داشته است.

نزدیک به یک سده پیش در هندوستان [نیمه‌ی سده‌ی نوزدهم میلادی] موضوع عیب‌های خط‌های اسلامی و لزوم تغییر آن به خط لاتین مطرح شد، و بعد شخصی به نام ملکم اصلاح خط فارسی را در ایران مطرح کرد و پس از چند سال گلستان را با خط پیشنهادی خود در لندن چاپ و پخش نمود.

پس از پخش کار ملکم درباره‌ی خط، از قفقاز نیز هیاهوی عیب‌های خط‌های اسلامی بلند شد و آخونداف (آخوند زاده)، مترجم فرمان فرمای قفقاز پس از انتقاد از خط ملکم، خطی روی زمینه خط فارسی ساخت و به اعتضادالسلطنه، وزیر علوم ایران پیشنهاد کرد که عین آن پیشنهاد در کتابخانه‌ی مسجد سپهسالار تهران موجود است. در صورتی که زمینه‌ی دگرذیسی خط در قفقاز آماده‌تر از ایران بود، معلوم نیست چرا آخونداف (آخوندزاده) نکوشید تا خط خود را میان مسلمانان قفقاز رواج دهد و حتی آثار و نوشته‌های او هم درباره‌ی موضوع خط در خود قفقاز یافت نمی‌شود و همه در ایران است.

طرحی نو...

چیزی که در این خط قابل توجه است این است که آخوندأف (آخوندزاده) به علاوه‌ی اضافه کردن وُیل‌ها ، برای سکون هم علامتی ساخته است! پس از ملکم و آخوندأف (آخوندزاده)، گروهی در ایران از پیش خود خط‌هایی ساختند ، بدون این که از تاریخ خط و علم تجوید و صداشناسی و رسم و تشریح دهان و مقاصد سیاسی دیگران آگاهی داشته باشند . ولی زمینه‌ی کلیه‌ی آن خط‌های ساختگی، خط ملکم و خط آخوندأف (آخوندزاده) است که هر دو با کمک فکری اروپاییان انجام گرفته بود.

نکته‌ی قابل توجه در خط‌های ملکم و آخوندأف (آخوندزاده) این است که دستگاه «وُیل» در هر دو خط از نظر فنی غلط است. زیرا اروپاییانی که در ۸۰ سال پیش به این دو نفر کمک کرده‌اند از علم صداشناسی ناآگاه بودند و نمی‌توانستند ویل‌های فارسی و عربی و ترکی را چنان که باید از هم تشخیص دهند.

خلاصه اگر در آنچه از یک قرن (و نیم) پیش به این سو در هندوستان و انگلستان و قفقاز و غیره درباره‌ی عیب‌های خط فارسی نوشته‌اند دقت شود یک منظور اصلی و اساسی در آن مشاهده می‌شود ، و آن این است که زمینه‌ای برای دگرذیسی خط‌های اسلامی به خط لاتین یا روسی آماده شود . و عاقبت این منظور اروپاییان نخست تا اندازه‌ای در هندوستان و سپس کاملاً در قفقاز و ترکیه پس از یک سده انجام گرفت...»

اما شخصیت دیگر مرحوم احمد کسروی است که در احوالاتش می‌خوانیم برعکس آنچه تاکنون خوانده ایم و دیده ایم خواهان پیراستن زبان فارسی از همه‌ی واژه‌های عربی نبود . او اعتقاد داشت واژه‌هایی مانند جمله ، کتاب ، جلد ، فهم ، طلب و جز این‌ها تا زمانی که از هنجارهای زبان فارسی پیروی می‌کنند آسیبی به آن نمی‌رسانند ، زیرا نیازی نیست که از روی دستور زبان عربی واژه‌های دیگری از آن‌ها بسازیم ، یعنی مثلاً به جای تجلید عربی به سادگی می‌گوییم جلد کردن ، یا به جای تفهیم و تفاهم و مطالبه می‌گوییم فهمیدن و فهماندن و طلبیدن .

طرحی نو...

فراموش نکنیم که کسروی از اولین کسانی بود که نوعی سره نویسی را باب ، و در نوشته های خود به کاربرد. امانه به این درجه غلیظ که در این اواخر شاهد آن بوده ایم . پیش از کسروی سره نویسانی مانند جلال الدین میرزا قاجار و فرهاد میرزا معتمدالدوله (عموی ناصرالدینشاه) به طور تفننی کوشش هایی برای پیراستن زبان فارسی از واژه های عربی کرده بودند ، اما کار و کوشش کسروی بر بنیاد برنامه ای سنجیده و اندیشیده و دارای آینده استوار بود. درست است که از سبک ویژه ی کسروی در این طریق کسی پیروی نکرد ، اما نثر فارسی ، به ویژه نثر رساله نویسی ، پس از او بی تأثیر از نوشته های این مرد دانشی نماند .

به گفته ی کسروی ، زبان زنده زبانی است که بتوان در آن برای معنای تازه از مایه های خود زبان ، و نه زبانی بیگانه واژه های نو ساخت . می گفت:

«کسانی که زبان را پدیده ای مقدس می انگارند و گمان می کنند زبان فارسی نباید از حد و مرزی که حافظ و سعدی برای آن تعیین کرده اند فراتر برود، از کارکرد زبان چیزی جز سخن بازی نمی فهمند . و می خواهند ایرانیان به همان حال زمان حافظ و سعدی بازمانند. ما امروز به صدها معنی تازه نیاز داریم که به فکر سعدی و حافظ نمی رسید...»

یکی دیگر از استخوانداران اهل ادب و فرهنگ فارسی ، کسیکه که سالها مجله ادبی - فرهنگی «یغما» را درمی آورد ، و جامعه باسواد این کشور می دانند چه حقی برگردن ما دارد ، کسی نیست مگر مرحوم حبیب یغمایی . ایشان در نقد طنز گونه بر فکر تغییر خط در زمان خودش نوشته ای در یغما دارند که خطوطی از آن چنینست :

طرحی نو...

« مرگ یکبار. شیون یکبار! »

بعد از اینکه دوسه نفر از سناتور ها و رئیس دانشگاه درباره سقوط زبان فارسی چند کلمه گفتند ، چندی است موضوع تغییر خط فارسی نقل محافل شده . خود آنها که این مطلب را مطرح ساخته اند بهتر می دانند تغییر خطی که قرن هادرمنطقه ای پهناور از دنیارواج داشته و دارد به این آسانی که تصویری کنند ممکن نیست .

اما باز برای اینکه شهرتی بیابند و انظار را جلب کنند حرفش را می زنند . چه اگر هیچ نتیجه ای نبخشد لااقل بهانه ای برای محصلین هست که خط یادگیرند و بگویند خطی که نسخ می شود و از اعتبار می افتد چرا زحمت فرا گرفتن آنرا تحمل کنیم ؟ غیر از این بهانه ها ، و غیر اتلاف وقت نویسندگان موافق و مخالف ، و تباهی عمر خوانندگان و تشویش اذهان عمومی از خرد و بزرگ ، از این بحث چه عاید می شود نمی دانم ؟

فقط و فقط زور

تغییر خط فارسی ، خواه به مصلحت باشد ، خواه نباشد ، زور می خواهد و بس . به جای اینهمه حرف سرنیزه ای بیاید و آنچه می خواهید بکنید ؟ همان کاری که آتاتورک کرد . یعنی نه از کسی مشورت جست ، نه در جراید مطرح ساخت ، و نه از این و آن پرسش فرمود . عقیده قطعی در تغییر خط داشت ، زور هم داشت و عمل شد و رفت .

اما از این نکته غافل نباشید که کمال آتاتورک شخصیتی و نبوغی و فکری خاص داشت . او می خواست با تغییر خط ملت خود را به اروپائیها نزدیک ، و با آنها هم رنگ سازد . نکته دقیقتر آنکه ملت ترک از نظر معنوی سرمایه ای ارجمند نداشت که دل برکندن از آن دشوار باشد...

حق تغییر خط با کیست ؟

در اینکه خط فارسی دارای نقائصی ناچیزست حرفی نیست . و این نقائص را هم به تدریج و تأمل می توان اندک اندک رفع کرد . اما اساس آنرا در هم ریختن ، و این بنای عظیم را به یکباره عالیها سافلها کردن اندیشه ها و حرفهائیت که خردمندان جهان به آن می خندند....

بر فرض اینکه تغییر خط فارسی کمال لزوم رداشته باشد . آیا عده ای چهارپنج نفری حق دارند چنین نغمه ای ساز کنند . و بالاتر از این ، فرهنگ ایران چه حقی دارد ؟ خط و زبان نیست مشترک میان ملت ایران و ملت افغانستان و قسمتی از مناطق شبه جزیره هندوستان ، و ملتهای خاورمیانه و علاقمندان دیگر . باید نمایندگان همه این ملتها فراهم آیند ، و به خردمندی و تأمل وهم داستانی ، به اتفاق یا به اکثریت تصمیمی قطعی کنند..»

طرحی نو...

دیگر می بایست یادی کنم از استاد فقید مرحوم دکتر خانلری ، مرد «سخن» که نوشته هایی در این باب گهگاه در شماره های از مجله سخن درج مینمود. یکی از آن جمله:

«... بارها خوانندگان از ما پرسیده اند که درباره تغییر خط فارسی ، و خاصه تبدیل آن به خط لاتین ، چه عقیده ای دارم؟ نخست باید دانست که هیچ خطی در دنیا کامل نبوده نیست . واگر بخواهیم خطی داشته باشیم که صوتهای گفتار را تمام ثبت کند ، چنانکه خواننده از روی علامتهای خط درست، به ویژه صورت ملفوظ کلمات پی ببرد ، علامتهای آن اندازه فراوان می شود که آموختن و به کاربردن خط رابسی دشواری نماید .

دیگر آنکه میان خطهایی که در کشورهای گوناگون جهان و نزد ملتهای مختلف معمول است البته بعضی نارساتر ، بعضی آسانتر ، و بعضی دیگر دشوارتر است . از خط چینی که برای هر کلمه علامتی جداگانه دارد ، و نشانه های خط آن غالباً نه بر لفظ ، بلکه بر معنی دلالت می کند . و از خط ژاپنی که پس از چینی از دشوارترین خطهای دنیاست کناری می گذاریم . درباره نقصهای خط انگلیسی و فرانسوی دانشمندان آن دو کشور خود بحثهای مفصل و دقیق ، و گاهی پر شور کرده اند . تا آنجا که یکی از دانشمندان فرانسه خط امروزی متداول در آن کشور را «شرمساری ملی» خوانده است ...»

و سرانجام ختم این کلام سخنانیست از استاد فرهیخته و معلم دوران دانشگاهی نویسنده ، که هر کجا هست خداوند بر طول عمرش بیفزاید ، یعنی استاد سید حسین نصر . ایشان در یکی از سخنرانیهایشان در این اواخر در دانشگاههای آمریکا: (بر گرفته از گلستان ، فصل نامه ی شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی) چنین گفته اند:

«... در این جا می خواهم قبل از خاتمه ی بحث درباره ی دو نکته درد دل و گله بکنم . معمولاً هر موجودی که در این دنیا زندگی می کند، یک آفتی هم به دنبال سلامتی اش یافت می شود. زبان فارسی متأسفانه گرفتار دو آفت عمده شده است. این مرضها بعضی اوقات در اثر ندانم کاری پیش می آید. یکی [... افراط] در پالایش زبان فارسی است. یعنی نوشتن فارسی سره ، یعنی یک سره، دوسره، سه سره و بعد هم خدا عاقبتش را ختم به خیر کند. این گونه اقدامها نه تنها بر خلاف تجربیات تاریخی نه تنها ما ، بلکه بشریت است. حال تهران به کنار، در این جا (آمریکا) اگر کسی بگوید که کلمه ی کامپیوتر نباید اصلاً وجود داشته باشد ، زیرا این کلمه در اثر حمله ی فرانسویان در سال ۱۱۴۸ میلادی به انگلستان – در جنگ نرمانها –

طرحی نو...

زمانی که کفار به انگلستان حمله کردند و زبان لاتین وارد زبان انگلیسی شد، و ما حالا می‌گوییم کامپیوتر. اگر در این جا کسی چنین حرفی بزند سریعاً او را به دارالمجانین خواهند برد. متأسفانه در میان ما - ایرانیان مقیم آمریکا - این مرض به عنوان وطن پرستی مطلق شایع شده است و خوش بختانه واکسن این مرض هم هست و بهترین واکسن هم فلک است. ولی چون حالا قدغن شده است، واکسنهای دیگری وجود دارد!

دومی هم که از اولی خطرناک تر است، موضوع تغییر خط است. به راستی این موضوع چگونه قابل فهم و درک است که در یک کشوری مانند ژاپن که در زبانش ۱۸۰۰ صورت‌نگاره وجود دارد، با این حال در خیابان آمستردام شهر نیویورک ماشین‌های ژاپنی بیشتر از ماشین‌های آمریکایی است، حیف از آن اکسیژن که در کره‌ی زمین در حال کم شدن است و این‌ها وقت خود را صرف این حرف‌ها می‌کنند. ارتباط زبان فارسی با خط فارسی اتفاقی نیست. این که ما تنبل هستیم و نمی‌خواهیم زحمت آموختن خط فارسی را به فرزندان خود تحمیل کنیم دلیل بر بدی خط فارسی نیست. هیچ خطی بدتر از خط انگلیسی نیست. حرف **a** در انگلیسی چهارده صدا دارد. در مقابل آقایان و استادان زبان‌شناسی که در این جا حضور دارند، بنده نباید درباره‌ی این مسائل صحبت کنم. شما می‌گوئید **enough** اما نمی‌توانید به قرینه‌ی آن **though** را تلفظ کنید «داف» باید بگویید «دو». اصولاً زبان انگلیسی ارتباطی با الفبای انگلیسی ندارد. مسایلی که ما درباره‌ی خط فارسی عنوان می‌کنیم اثری جز ضعف، تضعیف جهان‌بینی ما، ضعف هویت ملی ندارد، و در واقع نوعی بیماری مزمن فرهنگی است که مدت زیادی است دچار آن شده‌ایم. ما نیرو و توانایی‌های لازم جهت حفظ زبان فارسی و هویت ملی خودمان را نداریم، آن وقت به عنوان دایه‌ی مهربان‌تر از مادر این مسایل غم‌بار را عنوان می‌کنیم که واقعاً مایه‌ی تأسف است. زمانی که بنده این مسایل را می‌شنوم اشک در چشمانم جمع شده، دلم به حال ملت‌مان می‌سوزد.

زبان فارسی آمادگی و پویایی لازم برای بیان هر نوع مطلب علمی، فلسفی، جامعه‌شناختی و... را دارد. به شرط این که ما در این زبان متفکر داشته باشیم. این متفکران و اندیشمندان هستند که بر غنای زبان می‌افزایند. ما بایستی برویم به جست‌وجوی مسأله‌ی اصلی و آن هم یافتن افرادی است که خوب فکر کنند و خوب بیندیشند، از فیزیک گرفته تا منطق، فلسفه و...

خط فارسی، کوچک‌ترین نقصی که بزرگ‌تراز نقایص سایر خط‌های جهان باشد، ندارد. اتفاقاً از تمام خط‌های موجود در جهان کمتر نقص دارد. ما نمی‌گوییم اصلاً نقص ندارد ولی ارتباط این خط نه تنها ارتباط ما با آثار بزرگ فکری، فرهنگی و علمی ماست، بلکه ارتباط با فضای فرهنگی ماست. با صدها هزار کتابی که در کتابخانه‌های ما آرْمیده‌اند و

طرحی نو...

متأسفانه با این همه دکترای افتخاری ما هنوز نتوانسته‌ایم این‌ها را تجدید چاپ کنیم. در این جا بایستی عرض کنم که چون زمزمه‌ی تغییر خط وجود داشت من متعرض آن شدم. زیرا به نظر بنده این عمل یک نوع خودکشی فرهنگی است...»

خ - نظری به آراء معتقدین امروزی تغییر خط فارسی

مطالب استاد فرهیخته سیدحسین نصرمارابه اینجایم رساند که نظری از نزدیکتر داشته باشیم به آراء مخالفان هرگونه اصلاح و بازسازی خط، و رأی دهندگاه به تنها گزینه که همان تغییر خط فارسی کنونی باشد. آنچه از لابلای مطبوعات و مطالب عنوان شده در این باب دریافت می‌شود، حقیقتی که تا اینجابر ما آشکار شده اینست که گزینه تغییر خط منحصر به مدعیان امروزمین آن نمی‌شود. بلکه سابقه دیرپایی دارد که شمه‌ای از آنهمه در باب آخوندزاده و ملکم خان و دیگران گذشت. در دوره‌های جدیدتر هم چنین مدعیات کم نبوده، و چنانکه در دیگر بخشهای این نوشته ذکرش گذشت به ویژه برمی‌گردد به دوره اول پهلویها و زمان رضاشاه، که قبل از این اشاره کردیم نوعی ناسیونالیسم افراطی گریبانگیر ما شده بود، از آن جمله در خط و زبان که مابقیای سره‌گویی و سره‌نویسی آنرا دیده و خوانده ایم. به عنوان نمونه‌ای از آن دوران نظری داشته باشیم به یادداشت سردبیری «مجله علمی فرهنگ»، شماره ۶ و ۷ شهریور و مهر ۱۳۰۷» و تحت عنوان «در اطراف تغییر الفبا» با مطالبی از این دست:

نخست در توضیح ماهیت مجله آمده است: «مجله فرهنگ ارگان جمعیتی که دوازده سال پیش بذل مجاهدت در تغییر الفبای فارسی رایکی از مواد مرام خود قرارداد داده است...»

طرحی نو...

ودر ادامه برای کاستن خارق العادگی این تصمیم و جنبش می افزاید : «تغییر خط یک مسئله اساسی نیست که چنانچه بعضیها تصور می کنند مافوق تمام تغییرات لازم باشد . ولی این یک اصلاح یارفورمی است که حصول تغییرات اساسی دیگر رابه مراتب سهلتر خواهد کرد . فقط با قبول کردن الفبای لاتینی می توان اثر این بودجه قلیلی را که امروز برای معارف ایران صرف می شودده برابر کرد . حسّ ملیت ایرانی از تغییر الفبا ، و قبول الفبای لاتین رنجش نمی یابد . زیرا که از نقطه نظر وطن پرستی خشک و خالی هم باشد از دو الفبای خارجی (لاتینی و عربی) آنرا انتخاب می کنیم که برای ماسهلتر و برای نشر معرفت و تمدن بین توده های خلق مناسبتر باشد..

نظر مادر خصوص تغییر الفبا قبول اساسی الفبای لاتین است با تغییراتی که خصوصیات تلفظ فارسی ایجاب می کند ...»

تامی رسیم به دوران جدید تر و زمان خودمان . نخستین کسی که دردوره جدید علم طغیان بر علیه خط سنتی برافراشت ، و توصیه بر پذیرش خط لاتین به جای آنرا نمود استاد گرانمایه آقای دکتر محمد رضا باطنی بودند.

در نشریه بخارا گفتگو یی انجام شده با استاد نامبرده . مصاحبه کنندگان سیروس علی نژاد و سیمین روشن ، زیر عنوان «خط فارسی را نمی توان اصلاح کرد»

فکر می کردم اصلاح خط فارسی ممکن است . و حداقل اصلاحی که پیشنهاد کرده بودم این بود که سه علامت برای سه مصوت زیر و زیر و پیش، در زنجیره خط وارد شود. ولی حالا نظرم را تغییر داده ام . به دو علت: یکی اینکه اگر این سه علامت در زنجیره خط وارد شوند، ریخت کلمات تغییر می کند و کمابیش همان اشکالاتی را به وجود می آورد که تغییر خط ؛ دوم اینکه حروف «د، ذ، ر، ز، ژ» هیچ حرف دیگری را به دنبال خود نمی پذیرند، و در نتیجه چنانچه برای سه مصوت بالا علائمی هم در زنجیره خط وارد شود این حروف استثنا خواهند بود . می توان گفت که خط فارسی معایب ذاتی دارد و به هیچ نوع سامان پذیر نیست. در واقع یا باید خط را عوض کرد ، یا با همین خط ساخت تا اینکه زمان برای تغییر آن فرا برسد. ولی یک اصلاح را شاید بتوان در خط فارسی وارد کرد و آن وارد کردن علامتی برای «اضافه» در زنجیره خط است. با این کار، مشکل نحوی زبان به مقدار زیادی حل خواهد شد.

- یعنی همان کسره اضافه؟

طرحی نو...

- بله کسره اضافه. ولی نمی‌گوییم کسره. زیرا شما در نوشته‌ها تان، هر گاه که به مسئله خط پرداخته‌اید، همواره به اصلاح نظر داشته‌اید نه به تغییر. چون تغییر را کاری پردردسر ارزیابی کرده‌اید. حال که اصلاح یک امر شدنی است، از نظر شما مهم‌ترین نقص خط فارسی کدام است، به زبان دیگر مهم‌ترین اصلاحی که باید یا می‌تواند صورت گیرد کدام است؟

من قبلاً فکر اینکه به محض اینکه بگوییم کسره اضافه، می‌گویند خب لازم نیست، در صورتی که لازم است این کسره اضافه در زنجیره خط وارد شود. بگذارید مثالی بزنم. ما کلاً خیلی کند خوان هستیم. به گمان من یکی از دلایل کند خوانی این است که خیلی وقت‌ها مجبوریم جمله را تا آخر بخوانیم تا بفهمیم آیا باید با کسره می‌خواندیم یا بدون کسره. یعنی شما باید برگردید از اول بخوانید. در بعضی مواقع بودن یا نبودن کسره اضافه، هر دو، جمله را معنی‌دار می‌کند، ولی با اختلاف معنی خیلی زیاد. مثلاً اگر بگوییم «اغلب، مردم این طور فکر می‌کنند»، ترجمه انگلیسی «اغلب» در این جمله می‌شود **often**، اما اگر بگوییم «اغلب مردم این طور فکر می‌کنند»، ترجمه انگلیسی «اغلب» در اینجا می‌شود **most**، و این دو تا معنایشان بسیار متفاوت است. اینجا از نظر خواندن مشکلی پیش نمی‌آید اما یک مشکل معنایی اتفاق می‌افتد. یک جایی هست که می‌بینید اصلاً این کسره را نباید می‌گذاشتید، و موقع خواندن مجبورید برگردید دوباره بخوانید. بنابراین با وارد کردن یک علامت این مشکل را می‌توانید حل کنید. این قضیه از نظر من اینقدر مهم است که با وجود اینکه من با فرهنگستان هیچ گونه همکاری ندارم پذیرفتم که در زمینه خط با آنها همکاری کنم. در فرهنگستان کمیسیون‌های کوچکی هست که می‌نشینند راجع به مسائل کوچک صحبت می‌کنند. بعد از آنکه موضوعی در این کمیسیون تصویب شد می‌رود به شورای عالی. در شورای عالی به غیر از کسانی که در کمیسیون شرکت دارند عده‌ای هم هستند که بکلی خالی از ذهن‌اند و از تمام بحث‌هایی که منجر به این تصمیم شده بی‌خبرند. یعنی اینکه هر چه شما در ده جلسه رشته‌اید یکبار با یک «نه» پنبه می‌شود. من پنج شش جلسه رفتم و کمیسیون را مجاب کردم که این کم‌خرج‌ترین و آسان‌ترین اصلاحی است که می‌شود در خط کرد. ولی این پیشنهاد که در کمیسیون خط پذیرفته شده بود، در شورای عالی فرهنگستان رد شد و «تو گفتمی که بهرام هرگز نبود».

- آیا اصلاح یا تغییر خط کاری است که صرفاً دولت می‌تواند انجام دهد؟

بله، کارهایی که در حوزه برنامه‌ریزی زبان باشد باید از سوی دولت انجام شود. یعنی کارهایی که اساسی باشد دولت باید انجام دهد، و مسیری را باید پیش‌بینی کند که بی‌آنکه فشاری بر مردم وارد آورد، کار به تدریج عملی شود. مثلاً در اسراییل خط و زبان عبری مرده بود و می‌خواستند یک خط و زبان مرده را احیا کنند. مردمی هم که به اسراییل

طرحی نو...

مهاجرت کرده بودند، از جاهای مختلف، از اروپا و آفریقا و جاهای دیگر آمده بودند. دولت گفت هر کس به هر زبانی که دوست دارد، صحبت کند، ولی اگر سروکارش با ادارات دولتی افتاد، باید به زبان عبری بنویسد. به جای داغ و درفش، مکانیسمی پیش‌بینی کردند که کم‌کم بتوانند به هدف خود برسند. این جور چیزها سیاست‌های نرمی می‌خواهد تا به تدریج بتوانید یک چیزی را جا بیندازید. اصولاً برنامه‌ریزی زبان، به هر گونه، باید از سوی دولت و تحت حمایت دولت باشد. الان هم می‌بینیم که واژه‌های تازه‌ای را که می‌سازند اگر تلویزیون مرتب به کار ببرد، جا می‌افتد. مثلاً واژه «سامانه» را ما خیلی وقت پیش پیشنهاد کرده بودیم که کسی تحویل نگرفت ولی از وقتی که در برنامه هواشناسی تلویزیون «سامانه» را به جای «سیستم» به کار می‌برند، جافتاده است. حالا درست و غلط آن مهم نیست..»

مادرا اینجانتها به دو پاسخ که به این مدعیات داده شده اکتفا و از آن می‌گذریم. اولی از سایت موسوم به «شهربراز» (یادداشت‌هایی درباره تاریخ و فرهنگ ایران زمین به تاریخ خرداد ۱۳۸۷ و با عنوان خط پارسی - ۲) که پس از مقدمه ای با این عبارات:

«پس از آن که در پایگاه خبری بی.بی.سی.پارسی، زبان پارسی «زبانی عقیم» خوانده شد. این هفته نوبت گیر دادن به خط پارسی شده است. گفتگویی با دکتر باطنی انجام شده و عنوان آن (موزیانه) چنین انتخاب شده است «خط فارسی را نمی‌توان اصلاح کرد». در حالی که در این گفتگو نهاد و پرسش درباره‌ی خط پارسی است و بیشتر گفتگو به واژه‌سازی و بحث‌های دیگر مربوط می‌شود.

آقای دکتر باطنی می‌گوید: می‌توان گفت که خط فارسی معایب ذاتی دارد و به هیچ نوع سامان پذیر نیست. در

واقع یا باید خط را عوض کرد یا با همین خط ساخت تا این که زمان برای تغییر آن فرا برسد». **آنگاه پاسخ می**

دهد:

آیا تمام خط‌های دنیا بی‌عیب و نقص‌اند و تنها خط پارسی است که عیب دارد؟ آن هم «معایب ذاتی»؟ نمی‌دانم منظورشان از «زمان برای تغییر آن فرا برسد» چیست؟ جالب این که بعد خود ایشان مثال خط عبری و کشور اسرائیل را می‌زند که توانستند با پشتوانه‌ی دولتی یک خط و زبان مرده را زنده کنند. همین خط عبری به مراتب از خط پارسی مشکل‌دارتر است. در این خط، مانند عربی صدر اسلام، نقطه‌های حرف‌ها گذاشته نمی‌شود و تنها در مرحله‌های آموزشی نقطه

طرحی نو...

گذاری می‌شود. بنابراین اگر بخواهیم مثالی از پارسی بز نیم «تب»، «بت»، «تت» (عید ویتنامی)، «پت» (صدای آتش، در برخی لهجه‌ها به معنای «بینی») و مانند آن همه بدون نقطه‌های بالا و پایین حرف‌ها و همه به یک شکل نوشته می‌شوند و فرقی ندارند، و زیر و زبر نیز گذاشته نمی‌شود. باید با توجه به متن و باقی جمله فهمید که کدام واژه مورد نظر بوده است. در سخن خودایشان هم چنین می‌بینیم که اسراییل برای نشان دادن هویت خود یک خط و زبان مرده رازنده می‌کند و مردمی که هر یک از گوشه‌ای از دنیا به اسراییل می‌آیند باید با همین خط و زبان جدید زندگی کنند، اما کسانی (مانند ایشان) می‌خواهند خط و زبان زنده‌ی پارسی را به زور بکشند و زنده به گور کنند، و منتظرند تا فرصت پیش بیاید و «زمان مناسب فرا برسد»

و منتقد دیگر آقای «جلال متینی» در مقاله‌ای ۱۸ صفحه‌ای با عنوان «زبان و

خط ما» در مجله‌ی «ایران‌شناسی» (چاپ امریکا، سال ۷، شماره ۲ تابستان ۱۳۷۴ خ/۱۹۹۵ م) پاسخ کافی و مناسب به این گونه ادعاها داده است.

برخی کسان فکر می‌کنند اگر خط پارسی تغییر کند تمام مشکل‌های آموزش زبان برطرف می‌شود. در حالی که چنین نیست. نمونه‌ی زنده و پیش چشم کشور ژاپن است که با همان الفبا و خط تصویری خود جزو پیشرفته‌ترین کشورهای جهان است، و بیش از ۹۹ درصد مردم آن با سواد اند، و تمام برنامه‌های رایانه‌ای را به خط و زبان خودشان تولید می‌کنند و تبدیل کرده‌اند. اکنون نیز کشور چین با همان خط تصویری خود دارد به قوی‌ترین اقتصاد دنیا تبدیل می‌شود. دو کشور تاجیکستان و ترکیه نیز نمونه‌های زنده‌ای هستند از کسانی که به زور خطشان تغییر داده شده تا به گمان استالین و آتاترک پیشرفت کنند، اما ارتباط هر دو کشور با تاریخ و فرهنگ گذشته‌شان بریده شده است. (البته تاجیکان که به زیان این تغییر خط و گسست هویت تاریخی و فرهنگی‌شان و قطع ارتباط نوشتاری با دیگر پارسی‌زبانان از جمله در ایران و افغانستان پی برده‌اند، پس از استقلال به رهبری کسانی چون استاد محمدجان شکوری بخارایی در تلاش اند تا خط سیریلیک را کنار گذاشته و به خط پارسی برگردند. اما حضور برخی نیروهای روس پرست مانع‌هایی ایجاد کرده است.)

بامزه آن که برخی کسان در خارج از ایران برای خودشان خط جدید پارسی هم طراحی می‌کنند و ادعا می‌کنند که این خط همه‌ی مشکل‌های ما را حل خواهد کرد. تنها مشکل این است که کسی خط آنها را بلد نیست! یا می‌گویند

طرحی نو...

بچه‌های ما اینجا با خط لاتین آشنا می‌شوند و تحصیل می‌کنند. اگر خط پارسی هم لاتین بشود دیگر این نسل دومی‌ها مشکلی ندارند، یا خارجی‌ها (منظورشان غیر ایرانی‌ها است!) که می‌خواهند زبان ما را یاد بگیرند راحت‌ترند.

اصولا هیچ خطی (به جز الفبای آواییک یا **phonetic**) بدون مشکل نیست، و گرنه نیازی به آموزش املا یا نگارش (یا دیکته) نبود. در کشورهای انگلیسی‌زبان مانند آمریکا و کانادا هر ساله مسابقه‌های هجی کردن (**spelling-bee**) برگزار می‌شود و در آن توانایی دانش آموزان برای هجی کردن و نوشتن واژه‌های انگلیسی آزموده و به نفر برتر جایزه داده می‌شود. کودکان و نوجوانان (هم چنین گونه‌ای برای بزرگسالان و حتا سالمندان وجود دارد) زمان زیادی صرف یادگیری هجی کردن می‌کنند. اگر خط انگلیسی سراسر آسان بود این همه زحمت برای چه؟ برای نمونه در زبان انگلیسی سه واژه **bomb** بمب **comb** شانه و **tomb** گور که هر سه به یک شکل نوشته می‌شوند سه تلفظ کاملا متفاوت دارند. در آغاز سده بیستم میلادی در آمریکا بحث اصلاح (و نه تغییر) خط انگلیسی مطرح و نظریات مختلفی بیان شد

همچنین سوای آقای دکتر باطنی، از معتقدان پروپاقرص دیگران ماجرا آقای دکتر کوروش صفوی استاد دانشگاه علامه طباطبایی هستند که به اعتقاد ایشان به عنوان یک زبان‌شناس «خط ما اصلاح پذیر نیست و باید جایش را به خط رومیایی (همان خط لاتن که امروزه صورت خطوط اروپایی نوشته می‌شود و همان است که در ترکیب با سخن فارسی به آن فینگلیش [فارسی - انگلیسی] گویند) بدهد». بخوانید برخی نظرات ایشان را:

به نقل از خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) با این عنوان: «این خط قابل تصحیح نیست»

کوروش صفوی، استاد زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی و نایب‌رییس انجمن زبان‌شناسی ایران، خط کنونی فارسی را قابل تصحیح نمی‌داند و می‌گوید: مشکل این است که ما تمام مدت به سراغ تصحیح نظام نوشتاری می‌رویم، اما خط ثابت می‌ماند. این خط که ما به آن خط عربی می‌گوییم، واز آرامی امپراتوری دوره‌ی هخامنشیان برای مان مانده است قابل تصحیح نیست. به این دلیل که ماهیتا برای کاربردهای امروزی کارآیی ندارد.

طرحی نو...

این زبان‌شناس که اشکال خط کنونی ما را نوشتن مصوت‌ها می‌داند، با اشاره به این مشکل می‌گوید: این یکی از ایرادهای عمده‌ای است که خط عربی دارد و به همین دلیل هم شرایطی را برای ما ایجاد می‌کند که هر قدر هم که نظام نوشتاری مان را تصحیح کنیم، چون خط قرار است ثابت بماند، باز هم همان مشکلات خود را خواهد داشت.

او درباره‌ی تأثیرات احتمالی تغییر خط فارسی بر هویت و فرهنگ ایرانی، می‌گوید: این خط از دوره‌ی هخامنشیان تا به حال که بوده، هیچ ربطی به هویت تاریخی نداشته و ندارد. در خیلی از جاهای دنیا هم نمونه‌هایی را می‌بینیم؛ مثلاً ترکیه اصلاً خط عربی را برداشت و خط رومیایی را به جای آن گذاشت، و فکر نمی‌کنم به هویت تاریخی‌اش لطمه خورده باشد. متخصصانی هم که باید به سراغ نوشته‌های دوره‌ای که خط عربی استفاده می‌شد، بروند، آن خط را یاد می‌گیرند. این که مشکلی نیست.

خطی که با قرن بیست و یکم سازگاری ندارد

صفوی معتقد است که با تصحیح نظام نوشتاری مشکلات جدیدی به وجود می‌آید و در این باره می‌گوید: اعتقاد من بر این است که ما هر قدر روی رسم الخط کار کنیم، هیچ دردی که دوا نمی‌شود هیچ، کارهایی هم می‌کنیم که هزینه‌اش به درد نتیجه‌ی کار نمی‌خورد... مطمئناً اعضای فرهنگستان هم به این مسأله واقف‌اند که خیلی به سراغ این‌ها نمی‌روند. در فرهنگستان شیوه‌نامه‌هایی برای نوشتن برخی از واژه‌ها می‌دهند، اما بیش‌تر از آن به سراغش نمی‌روند. اگر بخواهی دقیق به سراغ این موضوع بروی، اولین کاری که باید بکنی این است که خط را عوض کنی. چون اصلاً خطی است که با قرن بیست و یکم سازگاری ندارد. این مشکلی است که ما با خطمان داریم.

او یکی از امکانات حل مشکلات خط فارسی را استفاده از خط رومیایی می‌داند و در این باره یادآوری می‌کند: اگر ما هم استفاده نکنیم، نسل بعد از ما در حال استفاده از خط رومیایی است؛ یعنی دیگر جوری نیست که من بتوانم جلوش را بگیرم. یک بچه‌ی ۱۶ ساله در طول روز پنج خط به فارسی نمی‌نویسد، اما در پیامک و کامپیوتر، ۳۰۰ خط به رومیایی تایپ می‌کند. این خط خودش آرام آرام دارد جا می‌افتد؛ بنابراین اگر ما پیش‌بینی می‌کنیم که نسل بعدمان مسیر دیگری را جلو می‌رود، حداقل ما این مسیر را برایش درست کنیم.

منظور صفوی از درست کردن مسیر برای نسل بعدی، هماهنگ کردن خط رومیایی برای آن‌هاست. او می‌گوید: الآن در استفاده از خط رومیایی، هیچ نوع هماهنگی‌ای بین بچه‌ها نیست، هر کس هر جور که دلش می‌خواهد، می‌نویسد. می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که اگر قرار است بچه‌ها از خط رومیایی استفاده کنند، حداقل یک هماهنگی بین‌شان باشد. ما می‌توانیم در این مسیرها جلو برویم و می‌توانیم هم بگوییم نه، خطمان باید حتماً همین خط عربی باشد. در این صورت همین است که هست.

طرحی نو...

یکی دیگر از استدلال‌های او برای استفاده از یک خط دیگر به جای خط کنونی فارسی این است که یادگیری خط کنونی دشوار است. او یادآوری می‌کند: خطوطی که یادگیری‌شان خیلی سخت است، باعث می‌شوند که تعداد بی‌سوادهای کشورهایی که از این خطوط استفاده می‌کنند، نه تنها کم نشود، مدام بیش‌تر هم بشود.

وبازاب نمونه یکی از پاسخهایی که به ایشان داده شده است :

پاسخ به نوشته کوروش صفوی درباره خط فارسی همشهری آنلین:

بحث درباره قابلیت‌های خط فارسی اندک اندک گرما و حرارت تازه‌ای به خود می‌گیرد. در پی انتشار یادداشت کوروش صفوی، یک باستان‌شناس به دیدگاه‌های او پاسخ داد و گفت: راه نه در جایگزینی‌اش با خطی بیگانه، که در به روز کردن آن است.

ایسنا نوشت: صدرالدین طاهری، باستان‌شناس و استاد دانشگاه هنر اصفهان، به اظهارات کوروش صفوی مبنی بر این‌که مشکلات خط فارسی قابل تصحیح نیست، و پیشنهاد استفاده از خط رومیایی، پاسخ داد.

عنوان نوشته: «سخنان بحث‌برانگیز کوروش صفوی درباره خط فارسی»

«.. طاهری در این یادداشت با عنوان «اهمیت پارسی‌نویسی»، نوشته است: «انتشار پیشنهادی از جناب آقای صفوی استاد دانشگاه علامه طباطبایی در ایسنا درباره تغییر خط کنونی ایران سبب شد تا باب گفت‌وگو درباره پارسی‌نویسی با خط رومیایی (یا به قول رایج فینگلیش) دوباره باز شود.»

یافته‌های باستان‌شناسان در تپه یحیی، ملیان، شوش، جیرفت و دیگر مکان‌های باستانی نشان از پیشینه فراتر از ۴۰۰۰ ساله مردمان فلات ایران در نوشتن دارد. زبان‌شناسان بزرگی پیش از این اشاره کرده‌اند که خط امروزی ما که به نادرست عربی خوانده می‌شود، خطی ایرانی و به‌جای‌مانده از آمیزش دبیره‌های پهلوی و آرامی است. و به درازای بیش از ۲۰۰۰ سال ایرانیان نیازهای ادبی‌شان را با تغییراتی در این خط رفع کرده‌اند. مثلاً با نگاه داشتن گ، چ، پ و ژ که برای اعراب ناشناخته است، یا با افزودن واک‌های مناسب برای نوشتار گُردی.....

برای [نمونه] تغییر خط ترکیه را مثال زده‌اند. پرسش همین‌جاست که این تصمیم با ادبیات ملی ترکیه چه کرد؟ جز این است که سبب شد امروز بخشی از فرهیخته‌ترین تحصیل‌کردگان آن کشور هم نتوانند نوشتارهای سده پیش نیاکان‌شان را بخوانند؟ چند درصد از مردم ترکیه می‌توانند به قونیه و توقاپی و ایاصوفیه بروند و متن دیوار نگاره‌ها را بفهمند؟ و دلیل این تغییر چه بود جز احساس خودکم‌بینی دولت وقت در برابر اروپا؟

طرحی نو...

مثال دیگر نوشتن زبان پارسی در تاجیکستان با خط سیریلی است. باید پرسید مردمان آن دیار خط روسی را به اختیار گزیده‌اند یا به جور سیاست استعماری روسیه؟ و دستاورد این روسی‌نویسی برای آنان چه بوده جز دوری بیش‌تر از فرهنگ سرزمین مادری؟....

خط فارسی باستان

بیش‌تر گنجینه ادبی ایران به همین خطی نگاشته شده که جناب صفوی و هم‌اندیشان‌شان به همین سادگی حکم به تغییرش می‌دهند. تصور کنید نسلی را که به گفته ایشان در مدرسه خط رومیایی بیاموزد و آن‌گاه فردوسی، حافظ، خیام و نیما را حتا نتواند از رو بخواند، و برای فهم نگارگری، کاشی‌کاری و خوشنویسی سرزمینش نیاز به رمزگشایی و تخصص دانشگاهی داشته باشد. چند تن از ایرانیان می‌توانند اوستا را به دبیره‌ی اوستایی بخوانند؟ یا بندهش، مینوی خرد و یادگار زیران را به دبیره پهلوی؟ حال نسل آینده را پیش چشم آورید که با رها کردن دبیره پارسی، برای رویارویی با تاریخ هنر این سرزمین به مترجم نیاز داشته باشند.

کارشناسان باید راهکارهای پیشگیری از یک آسیب اجتماعی را بیابند؛ نه آن‌که در پی ستردن پرسش باشند. آیا به صرف این‌که برخی جوان‌ها این‌گونه می‌نویسند باید تسلیم شد، و نوشتار دیرپا و ریشه‌دار مادری‌مان را فدای هوس زودگذر یک نسل کرد؟ درست مثل این است که بگوییم موسیقی سنتی ایران را باید ممنوع کرد، چرا که موسیقی تکنو و رپ جوان‌پسندتر است. یا بگوییم بهره از مواد مخدر به هر حال در میان بخشی از جامعه رایج است، پس ناچار باید آن را قانونی دانست. کار جوان سرکشیدن به عرصه‌های تجربه‌ی نوست و کار کارشناس دانشگاهی تلاش برای روشنگری. اگر سری به شبکه‌های اجتماعی بزنید، اتفاقاً خواهید دید که گروه بسیار پرشماری از جوانان ایران‌دوست، نوشتن به دبیره‌ی پارسی را بسیار خوش‌تر می‌دانند.

آسیب از آن‌جا آغاز می‌شود که بخشی از جامعه مسیر نادرستی را پی می‌گیرند، درحالی‌که مدیران و سیاست‌گذاران غافل‌اند، و این مسیر پهن‌تر می‌شود و رهروانش بیش‌تر می‌شوند، درحالی‌که غفلت هنوز به جای خود باقی است. اما راه در پذیرفتن آن اشتباه و فرو نهادن داشته‌های ملی‌مان نیست. مردمان کشورهایی که نوشتارشان بر آمده از خط کهن لاتین است آن را با افتخار به نسل نو می‌آموزند. هرگز نخواهید توانست آنان را وادار به استفاده از خطی تازه کنید. و ما نیز در اقتصاد و رفاه با لاتین‌نویسی به قامت آنان در نخواهیم آمد، همانگونه که تلاش صدساله ترکیه برای اروپایی شدن بی‌ثمر مانده.

طرحی نو...

فرهنگ ایرانی فشار هژمونی امروزی غرب را پشت سر خواهد نهاد و زنده خواهد ماند. مگر نه این که فاتحان بسیاری آمدند و رفتند و ادب و اندیشه ژرف ایرانی پایدار ماند؟ اگر خط‌مان ایرادی دارد، راه نه در جایگزینی اش با خطی بیگانه که در به روز کردن آن است؛ کاری که پدران‌مان بارها انجام داده‌اند و در آموختن قدردانی از این پیشینه به فرزندان‌مان تا با پارسی‌گویی و پارسی‌نویسی فرهنگ ایرانی را چنان که هزاران سال پابرجا مانده، نگاهبانی کنند»

می‌ماند این‌که از این منادیان تغییر خط فارسی بپرسیم هزینه اصلاح خط بایاری دولت، مسئولین و آحاد باسوادان کشور، به ترتیبی که در طرح اصلاحی ما خواسته شده است، چه از نقطه نظر فرهنگی، یا اقتصادی و حکومتی کمتر است، یا واژگونی اساس خط و طرحی نو در افکندن از برای آن؟ من نمی‌خواهم صحبتی از هزینه‌های فرهنگی و مالی دولت ترکیه، یا همان عثمانی سابق، در مقوله تغییر خطشان به لاتین، بادهها نقطه گذاری و علامتهای اضافی بالاوپائین کرده باشم. بلکه تنها اشاره می‌کنم به نوشته‌ای از مرحوم حبیب یغمایی، که جای دیگر در این نوشته ذکرش رفته است، ایشان در جهت مخالفت با تغییر خط فارسی که میراث فرهنگی و دلیل تشخیص و هویت مامی‌داند، با اشاره به اقدام آتاتورک در تعویض خط ترکیه، خاطره‌ای بس ارزنده و جوابگوی همه احتجاجات تغییر خط فارسی، از بزرگمردی از دورانهای اخیر، مرحوم محمدعلی فروغی ذکاءالملک نقل می‌کنند، کسی که دودوره نخست وزیر رضاشاه بود، و خدایم داند چه اقدامات مفیدی به توصیه او در این عهده‌به انجام رسید.

نقل قول مردی بزرگ از مردی بزرگتر....

طرحی نو...

اجازه دهید این نکته را هم ، بی توجه به تأثیر آن ، عرض کنم چون نقل قولی بایک واسطه است ، و دریغ است ناگفته ماندو گرچه بی زیان باشد . مرحوم فروغی می فرمود روزی بی هیچ تشریفات رسمی به طور خیلی خصوصی ، چون اکفاء ، باکمال آتاتورک درمباحث گوناگون سخن می راندم . گفتگوبده انجالیوست که مقتضی شده او عرض کنم که شما خود دانشمندی به نام هستید . می دانید بزرگان علم و ادبی را که از مفاخر ترک می شمارید ترک نژاد نیستند . این القآت چه سودمی بخشد؟

در جواب فرمود: ماملتی هستیم که از چند صدسال پیش به فتح و پیروزی در این سرزمین سکونت جسته ایم . و از اینرو ادب و فرهنگی که در خور ملتی قدیم باشند داریم . برای اینکه حق خود را در مسکنی بی معارض ثابت کنیم ، ولایت خود را استواری بخشیم از چنین تلقیناتی ناگزیریم . این تلقینات را در نخستین وهله خودمان باور می کنیم ، و پس از چند قرن دیگران می پذیرند.

بعدها فرمود: شما ایرانیان که از چندین هزار سال پیش مسکن موروثی دارید ، و حکما و دانشمندان و شعرای بزرگ پرورده اید ، مفهوم این موهبت را دریافته اید . درست است که به فردوسی از نظر شعر و ادب می بالید ، اما به کنه این معنی پی نبرده اید که شاهنامه سند ملکیت ایرانیست ، و به منزله ورقه هویت شما...

د: نه تغییر ، نه اصلاح ، دوخطه کردن فارسی!

پیشنهاد دوخطه کردن فارسی که از جانب برخی از فضلا عنوان گردیده ، خطی از برای ادب و فرهنگ ، کاربردهای تاریخی و مطبوعاتی که همان خط موجود باشد ، و خطی هم خط فرنگی برای امور علمی ، فنی ، ریاضی و پزشکی . به زعم اینجانب از آن پیشنهاداتی است که با گرایش جوانان و اصولن نسل های جدید خواهان تحول ، تحرک ، موند ، و همگام با اس . ام . اس فرنگی و چیزهای دیگر .. نخواهد بود مگر همان برنامه تغییر خط ، منتها با پشت سر گذاشتن یک دوره انتقالی . به عبارت دیگر آنانی که

طرحی نو...

در همین ایران ، وهم سن وسالهایشان در آنسوی آب ، منتظر بهانه برای تغییر خط و هماهنگی با مژده مسایل روز جهان هستند ، پیشنهاد مزبور تفاوت چندانی با همان اقدام تغییر خط نداشته و همان سرنوشت را برای خط سنتی و قدیم فارسی رقم می زند .

لذا پیشنهاد استاد فرزانه آمده در زیر ، که قطعاً منظورشان کاستن از بار ناشی از ضربه تغییر خط بوده ، نهایت منجر به همان چیزی می شود که در بالا گذشت . تغییر خط فارسی این بار باطمینان .

از این جهت ما این مطلب را عنوان نمودیم که اعتقاد داریم به عنوان یک نظر ، یابه عبارت دیگری دلسوزی برای خط فارسی ، هر پیشنهادی از طرف صاحب نظران پذیرفتنی ، تا در پایان به یک جمع بندی نهایی و اجرایی نمودن آن برسیم . چرا که مطالب ارائه شده از هر دو جانب در این نوشته تنها جنبه آگاهی دهی و پیشنهادی داشته و باب بحث و نظر صاحب نظران را می طلبد . در ضمن اگر ضربه ای هم از یکسو ، تغییر خط ، یاسوی دیگر ، اصلاحات مورد نظر ، اگر هم ضربه تلقی شود به نظر ما لازم ، و به قول مرحوم حبیب یغمایی که ذکرش گذشت: مرگ یکبار، شیون یکبار.

اینک عین گفته های آقای خیام، ارائه دهنده نظریه دوخطه کردن فارسی:

به نقل از خبرگزاری میراث فرهنگی ، بخش کتاب: با ورود فن آوری های جدید در علوم عملی فیزیک و شیمی و ریاضی و غیره، پیدایش « سیستم های پیام های کوتاه» و « پست الکترونیک»، مسایل خط فارسی به یکی از پایه های ترین مسایل اجتماعی بدل شده است. در مورد این که خط فارسی تحمل و ظرفیت به روز شدن را دارد یا خیر، بحث های فراوانی وجود دارد. اکنون با ورود استادان دانشگاه در اعتراض به شیوه های کاربرد خط در مخابرات جدید ، این بحث جنبه

طرحی نو...

آکادمیک گرفته و از زوایای جدیدی خودنمایی می کند. یکی از دست‌اندرکاران این مقوله، مسعود خیام نویسنده کتاب «خط آینده» است که سال‌ها در این زمینه تحقیق کرده است.

خیام درباره سابقه خط فارسی به سایت کتاب‌خبرگزاری میراث فرهنگی می گوید: «در مشرق زمین خطوط فراوانی در جریان بوده است. خطوط عبری، نبطی، کوفی، سریانی، کلدانی، سبا، ثمودی، صفوی، نسطوری و ده‌ها خط دیگر. در ایران قدیم نیز خطوطی چون میخی، آرامی، پهلوی و اوستایی به وجود آمده است. ایرانیان هفت خط داشته‌اند که هر کدام موارد مصرف ویژه‌ای داشته، که مثلاً برای نوشتن دین، مکاتبات اداری، محاسبات و مانند آن استفاده می‌کرده‌اند. نکته مهم این است که تمام این خطوط در طول تاریخ بارها اصلاح شده یا با خطوط جدیدی جایگزین شده‌اند.»

وی انواع رخدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و اقتصادی را در تغییر و تحول یک خط تاثیرگذار دانست و گفت: «خردمندان به وقت ضرورت خط را اصلاح می‌کردند تا با شرایط جدید سازگار شود. اگر هنوز کارآمد بود، خط جدیدی برای مصارف جدید تدبیر می‌کردند و در کنار خط قبلی به کار می‌گرفتند. اگر هم که خطی کارآمدی خود را کاملاً از دست می‌داد آن را تعویض می‌کردند.»

خیام از خط کنونی فارسی با عنوان «خط ادبی» نام برد، و آن را دارای ظرفیت‌های بی‌شماری دانست که کنار گذاشتنی نیستند: «میدان فعالیت «خط ادبی فارسی» در حوزه‌های ادبیات، متون دینی، مکاتبات اداری، روزنامه - نگاری سنتی و کارهای هنری است. با نگاهی اجمالی به دست‌آوردهای هنرمندان خط در می‌یابیم که با گنجینه‌ای از ظرافت روبرو هستیم که نباید به هیچ عنوان آن را دست‌کم بگیریم. البته اصلاحات امر دیگری است که هرگاه متولیان امور، از جمله فرهنگستان و استادان ادبیات صلاح دانستند، می‌توانند به آن پردازند.»

وی درباره اصلاحات خط فارسی توضیح داد: «زبان فارسی با هفت مصوت یا صدای اصلی تکلم می‌شود. فتحه، کسره، ضمه، آ، او، ئی و ضمه کشیده (مانند صدای و در کلمه جلو) از این تعداد سه مصوت آ - او - ئی در زنجیره خط نوشته می‌شود.

اولین مرحله اصلاح خط فارسی این است که چهار حرف برای نوشتن فتحه - کسره - ضمه و ضمه کشیده اختراع کرد. دقت کنیم که این حروف باید به شکل مستقل باشد و در زنجیره خط وارد شود. نمی‌توان برای این کار به علامت‌ها اندیشید. در واقع علامت‌های نمایش دهنده این مصوت‌ها در خط فارسی وجود دارد که به علت حضور نیافتن در زنجیره خط به ناگزیر کنار گذاشته می‌شود. وجود حروف نوشتاری آ - او - ئی برای نوشتن این سه مصوت غنیمتی بزرگ است، چراکه در غیاب این سه شکل، مشکلات خط ادبی فارسی به مراتب از آن چه هست بیشتر می‌شد.»

وی ابداع خطوط چسبیده نویسی را برای مصارف تندنویسی در دوران قبل از اتوماسیون دانست و گفت: «حروف خط ادبی فارسی با بیش از ۱۲۵ شکل مختلف ظاهر می‌شود. به حرف غ در چهار کلمه غول، مغول، جیغ و دروغ که نگاه کنیم، چهار شکل مختلف برای نوشتن یک حرف واحد می‌بینیم. این پدیده، مشکلات آموزشی و نوشتاری فراوانی ایجاد کرده

طرحی نو...

است. بیاییم به جدانویسی همین چهار کلمه بیندیشیم: غ و ل ، م غ و ل ، ج ی غ ، د ر و غ ، آنوقت فقط با یک غ برخورد می کنیم. . به این ترتیب قسمت اعظم مشکلات خط ادبی فارسی ، از جمله مساله کرسی ها برطرف می شود. البته مشکلات دیگر از جمله حروف همصدا باقی می ماند که برای حل آن ها تدابیر دیگری وجود دارد.»

مسعود خیام «خط ادبی فارسی» را با تمام مزایای منحصر به فردش، مناسب نوشتن متون علمی و فنی ندانست و توضیح داد: « با ورود علوم و فن آوری جدید، مسایل فراوانی در زمینه خط پدید آمده و دست اندرکاران حوزه های مختلف با خط ادبی فارسی مشکل پیدا کرده اند. ریاضی ، مهندسی، کامپیوتر و سایر بخش های علمی و فنی به شدت از این نقیصه رنج می برند و دست به دامن سایر خطوط ، و به دنبال آن سایر زبان ها شده اند.

وی اصلاح خط ادبی فارسی را ، که پیشینه و توانایی زیادی دارد، برای برطرف کردن نیاز حوزه های علمی و فنی اشتباه دانست و پیشنهاد داد تاندبیری برای خطی دوم با عنوان «خط فنی فارسی» شود: « دو خط در کنار یکدیگر. خط ادبی فارسی برای مصارف کنونی و خط فنی فارسی برای ریاضیات، منطق ، علوم پایه ، فیزیک نظری ، مهندسی شیمی ، کامپیوتر، نجوم ، مخبرات ، مهندسی نفت و گاز ، مهندسی پرواز، کنترلرهای عددی، شطرنج و موسیقی ، و البته برای زیرمجموعه های آنان از جمله سیستم پیام های کوتاه و پست الکترونیک.»

این نویسنده و مترجم، وجود دو خط در یک زبان را پدیده ای جدید ندانست و گفت: « در ژاپن همین امروز چهار خط کانبجی، هیراگانا، کاتاگانا و روماجی رواج دارد. ایرانیان قدیم نیز همان گونه که گفتم هفت خط داشته اند.» وی مهمترین نیاز "خط فنی فارسی" را همجهت بودنش با ریاضیات دانست: « تمام بخش های فنی ، چپ نویس است و هر نوع تلاش برای استفاده صحیح از خط غیر چپ نویس برای نوشتن علوم و فنون به شکست می انجامد.»

خیام توجه به فرمت ایده آل خط فنی برای ابداع خط مطلوب را ضروری دانست و مشخصات این خط را برشمرد: «۱. هرصوت به کار گرفته شده در زبان را یک و فقط یک حرف الفبا نمایندگی کند و بالعکس، هر حرف الفبا به یک و فقط یک صورت در زبان دلالت کند.

۲. هر مصوت با یک و فقط یک حرف در زنجیره خط نمایش داده شود.

۳. تمام حروف و حرکات از نظر شکل در ماتریس های مساوی ، ترجیحا مربع ، جا بگیرد به طوری که خط بتواند مانند جدول کلمات متقاطع عمل کند.

۴. جدانویس باشد.

۵. از چپ به راست نوشته شود.»

خیام تأکید کرد که خط فنی فارسی خط جدیدی است و سخن بر سر تغییر خط فارسی نیست : « خط ادبی فارسی باید همین باشد که اکنون هست و سعدی و حافظ و سایر متون ادبی و شعر و قصه را با همین خط بنویسیم و بخوانیم ، این جا صحبت بر سر افزودن یک خط جدید است.»

طرحی نو...

وی برخورد سلبی و نفی کردن این قضیه را بسیار خطرناک دانست، و تأکید کرد که برای از میان رفتن خط فارسی باید ایجابی حرکت کرد: «برخوردهای سلبی هرگز به نتیجه مطلوب نمی رسد و یکی از عواقب خطرناک آن خسته شدن و کنارکشیدن متخصصین امور است. خط فنی فارسی همین الآن به دست نوجوانان سیزده، چهارده ساله در حال به وجود آمدن است. ما که به اخطارهای بیست سال پیش فرهیختگان توجه نکردیم اگر می خواهیم فاجعه پیش نیاید باید سرعت به خرج دهیم. در هر حال قرار نیست دست روی دست بگذاریم و ببینیم نوجوانان سیزده چهارده ساله خط ما را عوض کرده اند و دیگر کاری از دست ما ساخته نیست. برای رهایی از این فاجعه ملی، به ناگزیر باید هرچه سریعتر خط فنی فارسی را تدبیر کرد. ایرانیان در قدیم شهامت آن را داشته اند که هرگاه نیاز اجتماعی احساس می شده خط جدیدی تدبیر کنند.»

مسعود خیام، فرهنگستان زبان و ادب فارسی را مهمترین نهادی دانست که باید پیش قدم انجام تهیه خط فنی فارسی شود و گفت: «بدیهی است که فرهنگستان باید از کارشناسان مختلف دعوت به عمل آورد و کار را سر و سامان دهد. تدبیر خط فنی فارسی، ضرورتی جدی است، اما نیاز به قدرت بالای سیاسی دارد. باید دید فرهنگستان تا چه حد می تواند خود را درگیر این مساله کند.»

توصیه می شود برای نقد برخی جنبه های پیشنهادی آقای خیام به مقاله انتقادی آقای صدرالدین طاهری برگفته های آقای دکتر کوروش صفوی در صفحات پیشین، و دیگر نقدها برگرفته های معتقدین به تعویض خط فارسی مراجعه شود.

از دیگر پیشنهاددهندگان این دوگانگی در خط فارسی محقق فاضلی است به نام «کوروش کمالی سروستانی» که در بخش «جهان» خبرگزاری ایسنا و تحت عنوان «اظهارات جالب درباره خط فارسی» مطالبی از این باب عنوان نموده اند که خطوطی از آن چنینست:

«کوروش کمالی سروستانی در پاسخ به پیشنهاد کوروش صفوی مبنی بر استفاده از خط رومیایی به جای خط کنونی فارسی می گوید: حتی اگر تغییر خط به صلاح و کارا باشد، جامعه امروز ایران آمادگی این تحول را ندارد. او معتقد است ابداع خط جدید با الفبای رومیایی برای نوشتن فارسی در متون فنی، پیامکها، ایمیلها و تابلوها ضروری است، و ما می توانیم دو خط با کارکردهای مختلف داشته باشیم.»

طرحی نو...

کوروش کمالی سروستانی، پژوهشگر و مدیر دانش‌نامه‌ی فارس، در گفت‌وگو با خبرنگار ادبیات خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، درباره‌ی پیشینه‌ی بحث تغییر خط فارسی گفت: موضوع استفاده از «خط رومیایی» به عنوان کالبد زبان فارسی و نظام نوشتاری این زبان بیش از ۱۶۰ سال است که در بین روشنفکران و تجدیدخواهان ایرانی رواج دارد. از سال ۱۲۷۱ هجری قمری که میرزا فتحعلی آخوندزاده الفبای پیشنهادی خود را «رسم الخط جدید اسلام» نامید، تا امروز که استاد کوروش صفوی بار دیگر این پیشنهاد را عنوان کرده‌اند، گفت‌وگوها و جدال‌های گوناگونی بین موافقان و مخالفان تغییر خط فارسی مطرح بوده است.

- شکایت ابوریحان بیرونی از مشکلات خط عربی

او در ادامه افزود: صدها سال قبل نیز کسانی چون ابوریحان بیرونی در آثار خود از مشکلات خط عربی شکایت کرده‌اند. همچنین در مقدمه‌ی «فرهنگ جهانگیری» در اوایل قرن یازدهم [هجری] پیشنهادهای در مورد رسم الخط فارسی ارائه شده است، اما از اواخر دوران قاجار، و به ویژه انقلاب مشروطیت، به دلایل مختلف؛ از جمله آشنایی با زبان فرانسه و انگلیسی، و نیز جلوه‌های تمدن غرب و پیشرفت‌های این کشورها، موضوع تغییر خط برای تسهیل در آموزش و نزدیکی به نوشتاری جهانی جدی شد.

کمالی سروستانی همچنین یادآوری کرد: پیوند خط عربی با باورها و متون مذهبی اسلام در ابتدا پیشنهاد دهندگان تغییر خط را بر آن داشت که با تحقیقات تاریخی نشان دهند که این خط برگرفته از خط «آرامی» است که بیش از ۲۰۰۰ سال قدمت دارد، و بعد از تبدیل به خط «نبطی»، خط «سینایی نو» به خط «عربی» تبدیل شده و پس از پذیرفتن اسلام از سوی ایرانیان خط «فارسی نو» از آن گرفته شده است. به همین دلیل آخوندزاده در سال ۱۲۸۰ [هجری] در گفتاری که برای اقناع روحانیت عثمانی نوشته، بر این نکته تأکید می‌کند که «خط و زبان عربی از سالیان دراز و البته پیش از ظهور اسلام، خط و زبان مردمان گوناگون و گروهی از بت‌پرستان بوده است».

- آخوندزاده: در خط فارسی برای خواندن باید اول فهمید

او [سروستانی] سپس ادامه داد: میرزا ملکم خان که در همان زمان مستشار سفارت ایران در استانبول بوده نیز از علاقه‌مندان و معتقدان به تغییر خط بوده است. اگرچه او واقع‌بینانه‌تر از آخوندزاده به آن می‌نگریست و در ابتدا سعی داشت که گسسته‌نویسی را در خط فارسی ترویج کند، تا به باور او آموزش و خواندن متون فارسی آسان‌تر شود. او در مقایسه‌ی خط فارسی با سایر خط‌ها بر آن بود که: «در تحریرات سایر زبان‌ها برای فهمیدن مطلب باید اولاً خواند، اما در

طرحی نو...

خط فارسی برای خواندن باید اول فهمید». او با توجه به رسم الخط پیشنهادی خود چند کتاب و از جمله «گلستان سعدی» و «اقوال علی (ع)» را در سال ۱۳۰۳ در لندن چاپ و منتشر کرد.

- فتوای مجتهد مشهد برای تغییر خط عربی

کمالی سروستانی در ادامه اظهار کرد: یوسف خان مستشارالدوله، از دیگر افرادی بود که تحت تأثیر اندیشه‌های آخوندزاده و ملکم خان قرار گرفت، و برای کمک به این روند از میرزا نصرالله، مجتهد مشهد در پاسخ به پرسش خود جهت تغییر خط عربی فتوایی دریافت که در آن ذکر شده بود: «تغییر در خط کتب یا اختراع خط جدید مطلقاً جایز است و بلاشکال، بلکه هرگاه موجب تسهیل تعلیم و تعلم و تصحیح قرائت بشود، راجح خواهد بود». پس از دریافت این فتوا مستشارالدوله در سال ۱۳۰۳ کتابچه‌ای با عنوان «رساله در وجوب اصلاح خط اسلام» چاپ و منتشر کرد. در دوران معاصر می‌توان این افراد را نسل اولی خواند که بر تغییر خط تأکید داشتند. البته در سال‌های بعد کسانی چون صادق هدایت، یحیی ذکاء و... نیز بر این باور تأکید کردند.

این پژوهشگر همچنین اظهار کرد: شاید بتوان با برخی دیگر از بزرگان هم‌داستان شد که می‌گویند تغییر خط فارسی نه ممکن است و نه لازم، اما ابداع خط جدید با الفبای رومیایی برای نوشتن فارسی در کالبدی جدید بویژه در متون فنی و نیز پیامک‌ها، ایمیل‌ها و تابلوها ضروری است و ما می‌توانیم دو خط با کارکردهای مختلف داشته باشیم.

ز - خط معیار کدامست؟

ما راجع به زبان معیار در جامعه سخنان بسیار شنیده ایم. مخصوصاً از دوران پهلوی اول که نوعی شوونیسم فرهنگی را تجربه کرده و گرایش‌ها به سوی پالایش، به قول خودشان در درجه اول از زبان عربی و به دنبال آن سره نویسی (و عجب آنکه از حدهمان زبان عربی پیشتر نرفت) و عجب آنکه در دوران جمهوری اسلامی هم هنوز شاهد چنین زمزمه‌هایی هستیم با همان عنوان سره گویی و سره نویسی. ناگفته پیداست زیرلای

طرحی نو...

آن چه لغات و ترکیبات دیرفهم و مشکگل نمادرتلفظ به خورد مردم داده و می دهند .
 مراجع به جنون سره گویی ، و طبعن سره نویسی در جای دیگر بحث کرده ایم و لزومی
 به تکرار آن در این مقام نمی بینیم . اما آنچه هم در آنجا و هم اینجا توصیه می نمائیم سخن
 گفتن و نوشتن به زبان معیار است ، که علی رغم جنبه های خوب ، و به اعتقاد بعضی بد
 آن ، مورد فهم و درک غالب نزدیک به تمام مردم ایران هست ، زبانی که رادیو ،
 تلویزیون ، مطبوعات و نهایت نویسندگان با آن حرف خود را به قاطبه مردم می فهمانند .
 و مردم نه نیازی به فرهنگ لغت دارند و نه از آن چیزی کم می گذارند . البته در مجامع
 خاص و ادبی این حق محفوظ است که اهل فن به زبان خودشان و با هر لغت و اصطلاحی
 که می خواهند بایکدیگر سخن گویند .

اما چرا این مقدمه کوتاه را گفتیم ، برای آنکه از استاد فرهیخته و زبان شناس «دکتر
 علی اشرف صادقی» مقاله ای در پایگاه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 دیدم با عنوان «زبان معیار» که مطالبی از آن علاوه بر زبان ، بر خط معیار هم اشارت
 داشت . لذا نگارنده به سلیقه خود از این مقاله ممتع مطالبی برداشت و این بار زیر عنوان
 «خط معیار» در اینجا می آورم .

« اول بپردازیم به معنی «معیار» که مترادف و هم معنی دانسته شده با واژه فرنگی استاندارد . به طور اجمال خط معیار
 همواره مبتنی است بر خط و نگارش تحصیل کردگان هر جامعه به طور عموم . تحصیلی در همان خط و زبان . اما خط معیار
 خصوصیات دیگری هم برای خود دارد که مهمترین آنان ویژگیهای ذاتی آن خط می باشد . این ویژگیها در دو اصل خلاصه
 می شوند .

طرحی نو...

۱- تثبیت شده بودن خط ، همراه با انعطافهای لازم از برای آن.

۲- پختگی خط برای ضبط و ثبت مفاهیم علمی و فرهنگی مناسب زبان

منظور از تثبیت شدگی و همراهی انعطافهای لازم چنانست که خط موضوع از جانب محافل فرهنگی ذیصلاح پذیرفته ، و اینکه در مواجهه با تحولات جدید فرهنگی انعطاف پذیری لازم رداشته باشد . و منظور از پختگی در موازین فرهنگی و علمی یعنی اینکه خط بایست از مرحله ابتکاری و بدعت بودن ، به یک خط دقیق واجد شرایط برای بیان مقاصد علمی و فرهنگی ارتقاء یافته باشد. این چنین خط در عین حال می تواند عامل اتحاد مردم یک کشور و سرزمین ، چه بسا با فرهنگهای گوناگون در یک حوزه جغرافیایی خاص باشد . در همان حالی که از بقیه خطوط کشورها و سرزمینهای مجاور ممتاز است .

به همان ترتیب وظیفه جامعه در قبال آن درسه اصل وفاداری نسبت بدان ، وقوف به اصول و هنجارهایش ، و سرانجام مباحث بدان خلاصه می شود . حال با این مقدمات مناسب می نماید که یکبار دیگر به تعریف خط معیار رجوع و ویژگیهای آن را بشماریم :

از نظر ما خط معیار خطیست که فراتر و فراگیر تر از هر خط و نگارشی در یک کشور ، و یک حوزه فرهنگی رواج دارد . خطی که وسیله ارتباط اجتماعی ، علمی ، ادبی و... آحاد آن کشور و سرزمین است ، که در عین حال ممکن است در شرایط دیگر به خطوط دیگر مقاصد خود را بیان کنند .

باز هم قابل یادآوریست این خط معیار طبعاً همان خط درس خواندگانست و در برگیرنده گفتار آنان . و باز همین خط است که در نوشته های دیداری چون تلویزیون ، مطبوعات و دستگاههای آموزشی مورد استفاده ، و به همین ترتیب در آموزش به خارجیان و اطفال نوآموز کاربرد دارد . خطی است تثبیت شده ، دارای اصول و هنجارهاییست که رعایت آنان برای کاربران آن الزامی است . این اصول در سیستم آموزش و پرورش کشور به مبتدیان تعلیم ، و ناگفته نماند تثبیت آن در عین حال به معنای تثبیت زبان معیار هم هست .

اما این تثبیت چگونه انجام می شود؟ قدر مسلم توسط نویسندگان و متکلمین به زبان ، برنامه های اجتماعی سازان ، معلمان و دریک کلام تمام آحاد و طبقاتی که بانوشتن سروکار دارند . نهادهای حامی آن در درجه اول دولتها و حکومتها ، آنگاه وسایل ارتباط جمعی و دستگاههای آموزشی ، و در کشورهای صاحب فرهنگستان البته از آن طریق .

اما ببینیم آنچه از نظر زبان و خط شناسان باید در خط معیار مورد تأیید و تثبیت قرار گیرد کدامند ؟ طبعاً صحت و رسایی نگارشها با خط معیار ، لزوم رعایت قواعد طبیعی خط که مخصوص به خود هر خط است ، به گونه ای که مطابق درک و فهم عامه درس خواندگان به آن زبان و خط باشد .

طرحی نو...

اینک می رسیم به این سؤال که گستره جغرافیایی و خاستگاه تاریخی این خط معیار چگونه باید باشد. از آنچه مسلم است گستره جغرافیایی خط معیار بامر زهای سیاسی آن کشور و سرزمین مطابقت دارد. ولو اینکه به ظاهر قابل تداخل با سرزمینهای دیگر باشد. از باب نمونه خط انگلیسی بریتانیایی نمی تواند معیار خط انگلیسی آمریکای شمالی یا بالعکس باشد.

اما از نقطه نظر خاستگاه تاریخی باید افزود خط معیار ممکن است در ادوار تاریخی مختلف شکلهای متفاوتی را تجربه کرده باشد. نهایت اینکه در مثلاً کشوری چون ایران یک خط یا گونه ای از یک خط (اوستایی از شاخه پهلوی) برای دوره ای در اختلاط با اسلام عربی تبدیل به کوفی، سپس نسخ، و سرانجام در تحت شرایط خاص حکومتی و تاریخی خط نسخ مشترک بین ایران و عرب به وجود آمده، و تحت همان شرایط و به مرور زمان، با حمایت قدرتهای حاکم و نهادهای حکومتی در درجه اول، و از آن پس طبقه با سواد و درس خوانده، تا امروز می شود خط رایج و خط معیار فارسی.

در جمع بندی آنچه تا کنون گذشت، ضمن تأکید مجدد بر همه فهم بودن، آسان یادگیری و کمک مؤثر در تفهیم و تفاهم میان آحاد جامعه، و دست آخرا سادگی و بی پیرایگی (گرچه انجام تفنن در هر چیز، از جمله خط پذیرفتنی است، ولیکن آن وادی دیگری نسبت به خط معیار است) هنوز این نکات قابل یادآوریست:

الف: خط معیار ما همان خطی است که کتابهای درسی، روزنامه ها، مکتوبات علمی و فرهنگی، نامه های اداری و رسمی، و در یک کلام و وسایل ارتباط جمعی ما از دیر باز تا حال حاضر از آن استفاده می نمایند، و درک و فهمش برای همگان مسلم می باشد.

ب: جغرافیای این خط محدود به ایران به طور عموم، و برخی کشورهای همزبان در گذشته تاریخی ایران، و نیز مهاجران از ایران به سرزمینهای دیگر است که باید در حفظ و نگهداری آن کوشا باشند.

پ: از نقطه نظر تاریخی این خط دنباله برخی خطوط قدیمی تر ایرانیست که در دوران بعد از اسلام احیاء، بازسازی و در خراسان بزرگ با ظهور اولین حکومتهای ایرانی به منصفه ظهور رسید. همین خط است که در حال حاضر علاوه بر محدوده فرهنگی ایران با تغییرات اندکی در سرزمینهای دیگر چون افغانستان، تاجیکستان و برخی دیگر جمهوریهای آسیای میانه به رسمیت شناخته شده و آثاری بدان نوشته می شود.

اما اینکه ما چقدر مقوله اصلاحات خط، بحث خط معیار را معتبر دانسته ایم پاسخ به آن آسانست. مبحث مذکور از دو جهت به بحث اصلاحی ما در این نوشته ربط دارد.

طرحی نو...

یکی از باب حفظ و حراست از همین خط فارسی که به عبارتی خط معیار ایرانیان از دیر باز بوده و هست ، و دیگر تداوم بخشیدن به همین خط معیار با اصلاحاتی مناسب زمان و به گونه ای که در این اصلاحنامه قید شده است .

آنچه هنوز جای گفتن دارد تا تأکید بر این نکته است که آیات عوبض خط به لاتین حفظ معیار بودن خط فارسی تواند بود! یا انجام اصلاحاتی از قبیل آنچه خواهد آمد؟ گفتیم و باز هم می گوئیم خط فعلی فارسی انعطاف لازم برای انجام اصلاحات در گذشته را داشته و اکنون هم دارد . از باب نمونه این خط از قریب یکصد و اندی سال پیش یک مرحله از تکامل خط که می تواند سر مشقی برای اصلاحات بعدی باشد پشت سر گذاشته ، یعنی داخل نمودن قواعد و قوانین سجاوندی ، پاراگراف بندی و اصولاً صفحه آرایی که به زعم همگان بسیار هم به درک و فهم و سهولت خوانش خط کمک می کند .

قابل توضیح است نشانه های مذکور که برای سهولت خواندن ، یا افزودن اطلاعات به متن در نوشته ها به کار می برند جزئی از نظام گسترده نشانه های نگارشی است که بشر برای ایجاد ارتباط از آن استفاده می کند . در بدو امر نشانه ها علائمی ذاتاً بی معنی بودند که افراد بشر، بر حسب قرارداد و توافق ضمنی و همگانی ، و در حد اصلاح خط و نگارش آنها را معنی دار کرده اند . ویرگول و نقطه و نقطه ویرگول و علامت سؤال

طرحی نو...

و قلاب بخشی از نشانه هایی هستند که در خط امروز همه دنیا ، از جمله فارسی به کار می روند.

نکته دیگر آنکه کاربرد این نشانه ها در همه زبانهای دنیا یکسان نیست . یعنی این نشانه های جهانی متناسب با کاربرد آنها در رسم الخط تفاوتی با یکدیگر پیدا کرده اند . از طرفی کاربرد نشانه ها در رسم الخطهای واحد نیز گاه با هم متفاوت است . کاربرد نابجا یا چندگانه نشانه ها ممکن است در کار ارتباط اختلال ایجاد کند . درحالیکه یکسان سازی کاربرد رسم الخط اطلاعات واحدی را به خواننده می رساند .

کاربرد اصلی نشانه ها که وظیفه خطوط هم هست ، جدا کردن کلمه ها و گروه ها و جمله ها از یکدیگر ، و مشخص کردن رابطه آنها با یکدیگر است . و درعین حال با علایم تکمیلی چون سؤال و تعجب ، مشخص کردن حالات عاطفی نویسنده .

امادر خط فارسی از این باب چه می گذرد؟ غالباً دیده می شود علی رغم به کار گیری نشانه ها ، معهدا نچندان جدی ونه چندان پُربار بدانان نگریسته می شود . از مجموع نشانه های موصوف که بشمار هستند ، آنچه در خط فارسی به کار می روند عمومن در این موارد خلاصه می شوند : نقطه ، ویرگول ، نقطه ویرگول ، دو نقطه ، پرانتز ، گیومه ، قلاب ، خط تیره ، سه نقطه ، ممیز که طبعاً دیدیش از این باشد . یعنی به زعم ماو در راستای اصلاح نگارش ، رعایت دقیق و کامل نشانه گذاریها با بهره گیری از

طرحی نو...

فهرستِ نشانه‌های قراردادی در فرهنگ‌ها و دیگر کتاب‌های مربوط به علامتها لازمست ، آنچه در بدو امر ممکن است با صعوبت همراه ، ولی به زودی آسان و همه گیر می شوند

س - معایب خط موسوم به لاتین برای جایگزینی

مرحوم ذبیح بهروز، که قبل از این نظراتی از ایشان در پیرامون تاریخچه خط فارسی دیده ایم در تقبیح فکر تغییر خط به لاتین و معایب خط لاتین هم در نشریه «ایران کوده» مطالبی دارند از این قرار.

خلاصه اگر در آنچه از یک قرن (و نیم) پیش به این سو در هندوستان و انگلستان و قفقاز و غیره درباره‌ی عیب‌های خط فارسی نوشته‌اند دقت شود، یک منظور اصلی و اساسی در آن مشاهده می‌شود و آن این است که زمینه‌ای برای دگرذیسی خط‌های اسلامی به خط لاتین یا روسی آماده شود، و عاقبت این منظور اروپاییان ، نخست تا اندازه‌ای در هندوستان و سپس کاملاً در قفقاز و ترکیه پس از یک سده انجام گرفت.

اقدام‌ها برای تغییر خط فارسی به خط ناقص لاتین

در نتیجه‌ی تبلیغات شدید یک سده‌ای و حاضر شدن زمینه ، گروهی هم به تازگی در ایران (دهه‌ی ۳۰ خورشیدی) به تقلید دیگران، یگانه وسیله‌ی همگانی‌سازی فرهنگ را تغییر خط کنونی فارسی به خط مشهور لاتین گمان کرده‌اند ، و با کمال ناآگاهی و بی‌تجربه‌گی مدعی شده‌اند که یک بی‌سواد در یک هفته با خط لاتین باسواد می‌شود! از این رو لازم است درباره‌ی این ادعا و عیب‌های خط لاتین، توضیح کوتاه و جامعی داده شود.

پیش از هر چیز باید دانست که آنچه تا کنون اروپاییان جُسته و پژوهیده‌اند، نتوانسته‌اند معلوم کنند که خط لاتین و ماندگان آن در چه عصر و از کجا به شبه‌جزیره‌ی ایتالیا آمده ، و سازنده‌ی آن که بوده و رسم شکل‌های حرف‌ها و ترتیب آن‌ها به صورت **a, b, c, d, e, ..., z** چه ماخذی داشته ، و پیش از سده‌های دوم و سوم میلادی به جای الفبای چه کلمه‌ای در جنوب اروپا به کار می‌رفته (خط رونی که در شمال اروپا رواج داشته به نام «الفبا» خوانده نمی‌شده است) و حدس‌های مختلف که درباره‌ی الفبا در سده‌ی گذشته نوشته شده، کدام صحیح است!؟

طرحی نو...

پس از این یادآوری کوتاه که در همه‌ی کتاب‌های تاریخ خط نوشته شده است می‌گوییم: شک نیست که خط ریشه‌نشناخته‌ی (مجهول‌الاصل) لاتین از خط طاقت‌فرسای کنونی ما بسیار ساده‌تر است، ولی در عین سادگی دارای نقص‌ها و عیب‌های مهم بسیاری است.

اگر خط لاتین و ماندگان آن دارای عیب و نقصی نبود و ممکن بود هر کسی در یک هفته به وسیله‌ی آن با سواد شود از ۲۳ سده پیش به این سو، همه‌ی اروپاییان باسواد بودند و هیچ وقت نیازمند وضع قوانین آموزش اجباری نمی‌شدند، و هم‌چنین استادان فن آموزش و پرورش هر چند سالی روشی نو برای آموزش پیش نمی‌گرفتند و دانشمندان اروپا مدت سه چهار سده در راه تکمیل یا تغییر آن نمی‌کوشیدند.

یکی از نقص‌های خط لاتین این است که حرف‌های کافی، حتا برای ضبط صداهای مخصوص خود زبان لاتین ندارد، و هیچ‌گونه وسیله‌ی فنی منطقی برای تکمیل آن تاکنون نیافته‌اند. و از این قرار هر ملتی که برای خود خط لاتین را به این صورت مبهم کنونی قبول نماید مجبور خواهد شد که این نقص اساسی را با گذاشتن نقطه و علامت‌های قراردادی و یا ترکیب دو یا سه حرف با هم برای یک صدا رفع کند. و در هر دو صورت، یک خط معیوبی پیدا خواهد شد که آموزش آن دشواری اقتصادی و فنی بسیاری خواهد داشت. هم‌چنین از عیب‌های خط لاتین این است که تلفظ واقعی حرف‌های آن در کشورهای مختلف و حتا یک کشور معلوم و مشخص نیست، و در هر جایی برحسب اصول قراردادی و لهجه‌ی مخصوص محلی خود، حرف‌ها را با تلفظ مخصوصی ادا می‌کنند.

خلاصه در خط لاتین برای یک صدای معین چندین حرف وجود دارد، و یک حرف معین را ممکن است چندین جور تلفظ کرد، و برای بسیاری از صداها نه حرف وجود دارد و نه روشی برای ایجاد آنها. این افراط و تفریط دو علت دارد: یکی اینکه چون برای اروپاییان معلوم نبوده که حرف‌های خط لاتین را از روی چه ریشه و ماخذی ساخته‌اند، ممکن نشده است که برابر همان اصول نقص آن را رفع کنند. دیگر اینکه پیچ‌وخم‌هایی که شکل حرف‌ها را تغییر می‌دهد در تلفظ حرف‌ها تاثیری ندارد، در صورتی که پیچ‌وخمی که به شکل حرف داده می‌شود باید تا جایی که می‌شود برابر دیگرگونی حالت دهان هنگام ادای آن حرف باشد تا چنان که حمزه‌ی اصفهانی در ۱۱ سده پیش نوشته، هر صدایی فقط یک حرف و هر حرفی، فقط یک صدا داشته باشد.

کوتاه آنکه، در صورتی که فرض شود دولتی الفبای ناقص لاتین را به مردم تحمیل کند باز دشواری‌های فنی بسیاری در راه پیشرفت آن وجود خواهد داشت که از میان بردن آنها به هیچ وجه ممکن نیست. ما از اروپاییان در فن آموزش الفبای لاتین استادتر و آزموده‌تر نیستیم.

طرحی نو...

(...) این بود مختصری از نقص‌ها و عیب‌های خط مشهور به لاتین که از چندین قرن به این سو توجه اندیشمندان اروپا را به خود جلب کرده است و ما به شرح چند فقره از مهم‌ترین اقدام‌هایی که در راه تکمیل یا تغییر خط لاتین شده است، می‌پردازیم.

غریبان یک مثلی دارند که می‌گوید همه چیز از یونان شروع شد. از باب منشأ و انتشار خط موسوم به لاتین نیز باید بگوئیم چون بسیاری از مفاهیم ادبی و هنری و فلسفی امروز اروپایی منشأ آن قطعاً یونان باستان بوده است. بعد از مضمحل شدن تمدن یونانی بقایای آن در دوران رونق امپراطوری رم به ایتالیا منتقل و به آن رومیایی گفتند، که با فروپاشی امپراطوری در اروپا ماند، و بدین ترتیب مادر انواع خط‌های اروپایی گردید.

آنچه گذشت در همه‌ی کتاب‌های تاریخ خط نوشته شده است، اما آنچه نوشته نشده خطی دست به دست شده و باریشه‌ای کمابیش مجهول الهویه، با قدمتی به مراتب کمتر از خط پهلوی و خط‌های دیگر باستانی ایران است که ذکرشان گذشت، حال این خط چگونه می‌تواند جایگزین خطی از اصل ایرانی، ولیکن نظریه هجوم اعراب و آوردن دینی تازه مختلط با عربی با سابقه بیش از هزار ساله شده، پیشی بگیرد؟

این ادعا که لاتین از خط درهم شده کنونی ما بسیار ساده‌تر است قبول. ولی فراموش نکنیم در عین سادگی دارای نقص‌ها و عیب‌های مهم بسیاری هم هست که گویی از دید مدعیان تعویض خط پوشیده مانده است. به برخی از آنان در نوشته مرحوم بهروز اشاره شد. دیگر اینکه حداقل از پنج حرف اصلی از الفبای فارسی ما

طرحی نو...

محروم ، و در آن خط ناگزیر هستیم به شکل قراردادی ترکیبی دو حرف بنویسیم . مثل
خ که باید از ترکیب **kh** . یا غ و قاف که **gh** ایجاد کرد

تازه این تمام مطلب نیست . هستند برخی کلمات و ترکیبها با وضعیتی که دارند به
هیچ وجه به لاتینی نوشتن آنان کمکی به خواندن و درک صحیحشان نمی کند . مثل
بقالی (**baghali**) باقالی (**baghali**) بغلی (**baghali**) که سه واژه مستقل به یک
شکل نوشته می شوند و اسباب گمراهی خواننده می گردند .

اگر مقایسه ساده ای بین شیوه املا ی فارسی و انگلیسی صورت پذیرد ، مشخص
می گردد که در خط انگلیسی به جز حروف **v** و **w** ، **o** ، **u** که دارای تلفظ تقریبین
یکسانی هستند ، در بقیه حروف است که هر حرف نماینده ی یک واج است . این
یعنی در خط لاتین هم برای یک صدای معین چندین حرف می تواند وجود داشته باشد .
، ضمن آنکه یک حرف معین را ممکن است چندین جور تلفظ کرد . به اضافه اینکه
برای بسیاری از صداها ، چنانکه در بالا گذشت ، نه حرف معینی وجود دارد و نه روشی
غیر ترکیبی برای ایجاد آنها .

حال بیایید فرض را بر این گذاریم مجمع قدرتمندی الفبای ناقص لاتین را به مردم
تحویل کند . باز دشواری های فنی بسیاری در راه ادامه آن در فارسی وجود خواهد
داشت که از میان بردن آنها به هیچ وجه ممکن نیست .

طرحی نو...

ش - بایدها و نبایدها در اصلاح نگارش فارسی

بارسیدن به مرز طرح اصلاحات مورد نظر، و آنچه تکامل بخشی خط فارسی می خوانیم ، نگارنده بر خود فرض میداند محدوده عمومی کار ، و به بیان دیگر بایدها و نبایدهای این اصلاحات را در بخش جداگانه عنوان ، تا احیاناً از سوء تفاهمها ، افراط و تفریطها ، و خلاصه هر آنچه به اصل کار لطمه می زند جلوگیری به عمل آورده باشد .

مطلب رابا این یادآوری کوتاه شروع می نمائیم که آنچه به هر حال مسلم می نماید خط فعلی فارسی معیوب و باید به ساده ترین ، کم هزینه ترین ، علمی ترین و استاندارد شده ترین وجه ممکن اصلاح و بازسازی شود . تکرار می کنیم خط امروز ما به نظر اغلب کارشناسان ، که شمه ای از نظراتشان گذشت ، برای بیان منظوره های خاص و دقیق علمی ، ادبی ، هنری و فنی واضح و گویا نیست . سرعت خوانش آن کم ، اماواگر و استثناها در آن زیاد ، و ساختار آن به گونه ایست که گاه نزدیک به خط تصویر نگاری می گردد . بدین واسطه موجب اشتباهات و سوء تفاهم های زیاد گردیده . آموزش آن به نو آموزان مدارس ، به همین ترتیب بزرگسالان غیر فارسی زبان دشوار و مخصوصاً برای خارجیان که در آموزش زبان به قانون مندی پایبندند بسیار دلسرد کننده است .

اماچه باید کرد؟ نخست از بایدها بگوئیم که لازم است هر اصلاحی در خط ، در درجه اول لزوماً گویایی و رسایی آنرا مد نظر داشته باشد ، و از آن پس زیبایی ،

طرحی نو...

استحکام ، قانونمندی و مسایل نگارشی دیگر. به بیان دیگر مقصداولیه بر تفهیم و تفاهم صحیح و کامل نویسنده و خواننده قرار داده شود، و درپناه آن دیگر موضوعات مربوط به خط . بایدطوری شود که از اعمال نظرات شخصی یا سلیقه ای در آن ممانعت به عمل آید.

آنچه در این مقام بایدی بزرگ ، و بلکه توصیه اصلی راقم این سطور ، و هرآنکه علاقمند به حفظ و تداوم خط فارسی است ، اینکه حداقل در این مورد خاص ازسختی و دوربودن راه نترسیده ، حتی المقدور محافظه کاری مرسوم را کنار گذاشته ، از انتقادات و استهزاءهای احتمالی نهراسد ، و ایمان داشته باشیم آینده خط فارسی که نشان ملیت ماست ، آنچه خطر جایگزینی با خط لاتین تهدیدش می کند ، به همین اصلاحات و پیشنهادات بستگی دارد .

مسئله مهم یاباید دیگرآنکه ، در این اصلاحات مشکلات دستورزبانی مسکوت و گفتیم محل طرحش در این نوشته نیست و نوشته جداگانه ای می طلبد . گرچه تردیدی نیست در بسیاری مواردبر مشکلات نگارشی دامن می زند . ولی فعلاً جز در حد بعضی بازنگریهای ساده و راه حلهای مربوط به نگارش ما را با آن کاری نیست . حقیقت اینست که دستور زبان ما از خیلی دور ، و از آن زمان که با عربی در آمیخت ، و سپس مغولی و اخیرن انگلیسی ، گویی به حالت کمارفته ، و هر قدر صاحب نظران و فرهنگستانیهاسعی

طرحی نو...

می کنند از این حالت خارجش کنند افاقه چندانی نمی کند . در نتیجه خاصیت لغت جدید سازی ، و ثبت وقانونمند کردن روابط و ضوابط آن کمابیش مختل شده است . بی انصافی است اگر بگوئیم در دوره های اخیر کار زیادی در رابطه با دستور زبان نشده است . ولی شدت این انجماد به گونه ای بوده است که اثر تمام تلاشهای دستور نویسی را در بونته فراموشی و باری به هر جهت انداخته است .

هنوز از باید ها بگوئیم که لازمست رابطه بین خط قدیم و جدید گسسته نشود . کرسی خط و آداب و رسوم مربوط به آن حفظ ، خوشنویسی و اصول زیبانگاری خط مکان خود را بیابد که باعث رونق خط جدید هم می گردد . استقلال کلمات در این خط جدید بنا بر مطالبی که می آید حفظ شوند

و باز یک باید اصلی دیگر . در جا انداختن قواعد جدید عجله و تعصب به خرج نداد و همانطور که اشاره شد یک ظرف زمانی حداقل پنج تاده ساله از برای آن در نظر گرفت ، مرتب در باب فواید این اصلاحات ، و مضار این که در غیاب آن چه خواهد شد گفتگو و تبلیغ مناسب نمود .

باید به موازات آن همه ، اشکال جدید و قدیم را هم زمان جهت قرینه سازی و انطباق (قدیم داخل پرانتز) به نگارش در آورد ، تا به تدریج اصلاحات و علایم موصوف جای خود را در همه جا باز کنند . انعطاف پذیری در اجرای این قواعد ، و عمل به توصیه

طرحی نو...

های زبان شناسان و دیگر صاحب نظران باید دیگر ماست که نباید از آن غفلت نمائیم . هیچ قاعده و قانونی در ابتدا کامل نیست و گذشت زمان و اجرایی شدن است که آن را کامل می نماید . اصل تشویق و ترغیب را هم در این بین نباید از نظر دور داشت . با برانگیختن انگیزه ها و قرار دادن مشوقهایی میتوان به جریان این تغییر و تکمیل ها سرعت بخشید .

و اما آخرین باید و مهمترین آن چنین است که امروز شاهد هستیم قریب ۸۰٪ موارد نگارشی توسط ماشین (منظور صفحه کلید کامپیوتر ، ماشین تحریر و ماشینهای چاپ) انجام می شود که به شکل استاندارد شده و یکسان در همه جا یافت می شوند، و از این جهت هزینه ای برای اصلاحات مورد نظر ما ایجاد نمی کنند.

اصرار بر این است که برای وضع علایم جدید در نگارش اصلاح شده فارسی حتی المقدور از امکانات این صفحه کلیدها فراتر نرویم و از علایم و حروف موجود بیشترین استفاده را کنیم . گفتیم و باز هم می گوئیم چه بسا در آینده با ابداع صفحه کلیدها و نرم افزارهای جدیدیاری رسان به نگارش خط جدید فارسی ، باز هم این نگارش کاملتر شده در اینترنت سامان دیگری به خود بگیرد . خلاصه آنکه با اصرار بر تعویض امکانات موجود ، و با توجه به هزینه های ناخواسته و وقتی که صرف تعویض احتمالی صفحات کلید و... می شود چه بسا باعث گردد تمام برنامه اصلاحات به خطر افتد .

طرحی نو...

آنچه گذشت باید هابود ، واینک از نباید ها بگویم که نباید خرده اندیشیها و محافظه کاریهای آنچنانی را نه در اعمال قواعد اصلاحی ، و نه حتا دررد آنان به کار گرفت ، بلکه باید قبول کنیم که این کاری عام المنفعه ، همگانی و به مرور زمان قابل اصلاح و تکمیل شدن است ، با پایه گذاری صحیح همگان باید در آن شرکت کنند .

نبايد ديگر آنکه در اين مرحله و ابتدای کار نبايد مسایل فرعی و غير ضروری در تنه خط، چون خلاصه نویسی ، خوشنویسی ، ادغام حروف و امور مشابه را در نظر گرفت که اين گونه مسایل برای بعد از تثبيت خط جديد خواهد بود . همین وضع را خواهند داشت لهجه های محلی از زبان ، و کیفیت ثبت و ضبط آنها که موكول به آینده می گردد. نبايد در حال حاضر استنهاها را مورد توجه و دقت نظر قرار دهيم ، و قبول کنیم در هر خط و زبان موارد خاصی وجود دارد که باید در آموزشهای پیشرفته به آنان پرداخت . از آنچه مسلم است زياد بودن موارد قابل تغيير و اصلاحی مهم نیست که در طول زمان عادی می شود، بلکه مهم قانونمند کردن و وضع قواعد صحیح نگارشی است که در آینده نزدیک و دوره کار آیند.

نبايد ديگر آنکه برای وضع قواعد جديد در نگارش خط فارسی نبايد به دستور زبان و اصول و قواعد زبانهای بيگانه دخیل در فارسی ، مثل عربی ، انگلیسی و غير آنان توجه اعتنایی نمود . تنها ملاک مابرای واژه و نگارش آن زبان فارسی و قواعد و امکانات

طرحی نو...

موجود آنست. از باستانگرایی افراطی نیز پرهیز کنیم و هر جا که کم آوردیم با منطق و استفاده از شرایط ممکن به صورت پیشنهادی قاعده‌هایی وضع نماییم تا در آینده اگر مطلوب همگان شد جای خود را باز نماید.

و آخرین نباید که باید گفت به همین ترتیب باید بزرگی هم هست، اینکه سعی کنیم در خط جدید و یکبار برای همیشه آنچه را می‌گوییم بنویسیم و نه بیش از آن یا کمتر از آن. از قواعد دست و پاگیر گذشته حتی المقدور صرف نظر، و بر طبق اسلوب جدید که مطابقت گفتار و نوشتار را تضمین می‌نماید عمل نماییم، تا هم سرعت خوانش را بیشتر، و هم از حفظ داشتن ترکیب واژه‌ها که در بیشتر موارد چنین است به درآید. و سرانجام نباید آخر اینکه برای نجات بخشیدن خط فارسی با این همه مشکلات که ذکرش می‌آید، نباید خطر بالقوه تعویض آن با خط لاتین را از یاد برده، و لزوماً جزاین نیست که به چنین جراحی صعبی در خط تن بدهیم.

در پایان این مبحث قابل یا آوری می‌دانم توصیه‌های آمده در این نوشته حاصل تجربیات قریب چهل سال تدریس و تالیف راقم این سطور در زمینه زبان و خط فارسی، و آموزش آن در داخل و خارج کشور می‌باشد. به همراه بدون اغراق قریب یکصد مقاله و کتاب در باب مسایل خط فعلی فارسی، که تنها ذکر نام و نشان آنها خود یک مقاله مفصل را تشکیل می‌دهد. اما با این وصف تردید ندارم آنچه در این نوشته آمده

طرحی نو...

همه ی مطلب نیست ، بلکه تنها یک پیشنهاد ساده اولیه است که اینجانب طرح و نظر صاحب نظران را خواهانم .

نگارنده به خوبی می داند طرح و انجام چنین اصلاحات بنیادین و عظیمی کار یک نفر و یک گروه نبوده و یک اراده ملی و همگانی به انضمام همکاری تمام ارگانهای ذیربط فرهنگی ، آموزشی ، اقتصادی ورامی طلبد تا به سرانجام رسد . کاری که البته به سهولت هم تدارک شدنی نیست ، و قطعاً اراده دولتی در آن کارساز است . فقط بهتر است یک آن بیندیشیم اگر نشود چه خطراتی ما و خط ملیمان را تهدید می کند! راقم این سطور این مقدار در حد و توان خود می بیند که گوی رادر این میدان بیندازد و بس.

*

*

*

ص - بازنگری اشکالات عمده خط کنونی و توصیه های اصلاحی

حقیقت اینست که مشکلات خط کنونی فارسی از همان سرآغاز و از الفبا شروع می شود ، بدین معنی که حتی در مورد تعداد حروف الفبای این خط نیز اتفاق نظر وجود ندارد. کتابهای درسی تعداد حروف الفبا را ۳۲ عدد می دانند . در حالی که فی المثل مرحوم معین در فرهنگش آن را مرکب از ۳۳ حرف می دانند . و گاه تا ۳۴ حرف هم بالا برده اند.

طرحی نو...

حال که وارد بحث اصلاحات موردنظر این نوشته در حد جزئیات می شویم ، برای شروع خوبست نخست فهرست واره ای از مشکلات عنوان شده توسط منتقدین و مدعیان تعویض خط ، چه از دیدگاه عمومی و چه نظر صاحب نظران ، ارائه ، و آنگاه به بحث و نظر پیرامون هر یک پردازیم .

یکبار دیگر نظر تان رابه این نکته اساسی در اصلاحات موصوف جلب می - نمایم که قطعن انتظاربراین نیست تمام معایب و مشکلاتی که حداقل در طی این ده قرن بعد اسلام ، زمانی که خط ما از عربی جداوبه راه خودرفته است ، در اینجا بر شمرده شود . بلکه در مقابل آنچه می آید اشکالات عمده و اساسی از نوشته ها و گفته های صاحب نظران مأخوذ ، و طبعاً باید گفت همین معایب بوده است که گاه و بیگاه باعث طلب تعویض خط کنونی به لاتین گردیده است .

ضمن یا آوری مجددبراینکه برخی اشکالات مورد اشاره چه بسا در زبانهای دیگر هم کمابیش یافت و قبل از این اشاره شده است . اماندیده ایم کسی در آن زبانها که ادعای تعویض خط نموده باشد . در عین اینکه دسته ای از اشکالات مورد نظر منتقدین به نظر ما باید گفت فقط ذاتی زبان و غیر قابل اصلاح در این مرحله از تکمیل خط می باشند . لذا بهتر است همان گونه که هستند پذیرفته و چه بسا در آینده راه حلهای دیگری برایشان پیشنهاد گردد . فهرست مزبور از این قرار است :

۱ - وجود حروف متعدد با تلفظ یکسان .

طرحی نو...

۲- نبودن مصوت‌های مورد نیاز تلفظ درزنجیره خط .

۳- پیروی نگارش فارسی از قواعد غیر فارسی .

۴- روشن نبودن موضع همزه عربی در سلسله حروف فارسی .

۵- حروف واحد با اشکال نگارشی متفاوت .

۶- حروفی که نوشته می شوند، ولی خوانده نمی شوند .

۷- رعایت اسلوب خوشنویسی که خط را تحت تأثیر قرار می دهند.

۸- مسیر نگارش حرف و عدد یکسان نیست

۹- نبودن نشانه برای اسامی خاص و اسامی عام.

۱۰- مشکل اساسی جدانویسی یا چسبیده نویسی حروف.

۱۱- بی قاعدگی در چسباندن حروف تکمیلی آخر اسامی و افعال .

۱۲- دندان‌های برخی حروف و عدم رعایت در نگارش معمولی

۱۳- هم‌شکلی ظاهر برخی حروف و تنهاتفاوت در نقطه و سرکش .

۱۴- مشکل علایم اضافی خارج از سلسله خط.

۱۵- رعایت نکردن فاصله مناسب بین کلمات در جهت حفظ استقلال آنها.

طبعاً این مشکلات و برخی مسایل جزئی دیگر، از قبیل گوناگونی معادل‌های

علمی برگردان شده به فارسی، انواع مختلف ضبط اسامی خارجی، جمع‌های عربی و

فارسی، آوا - نویسی اسامی عناصر و ترکیبات شیمیایی، اختصار نویسیها و... این

همه به اضافه نقایص بالا که برای زبان فارسی برشمرده اند، درست یا غلط، همگی

باعث شده اند خط ما از وضع تثبیت شده و استاندارد معمول خارج، و قابل ثبت در

سامانه نگارشی رایانه و دیگر سامانه‌های ارتباط جمعی نباشند. در یک کلام این وضع

طرحی نو...

موجود خواندن و نوشتن کلمات فارسی بیشتر به تصویرنگاری می رود تا یک خط منسجم الفبایی .

در اینجا می پردازیم به توضیح عیوب بالاوصحت و ثقم آنان ، به اضافه اصلاحات مورد نظر در صورت لزوم .

۱ - وجود حروف متعدد با تلفظ یکسان

اگر نه عمده ترین ، بلکه بهترست بگوییم یکی از عمده ترین مشکلات خط فارسی موجود ، که در رأس دیگر مشکلات باید مطرح گردد مسئله داشتن حروف متعدد با تلفظ یکسان است که دادمه نویسندگان و منقدان خط فارسی فعلی رادر آورده است . حروفی که قطعاً ، بر طبق آنچه خواهد آمد از اصل عربی ، و چه بسا در زبان اصلی عربیشان ، یا در فارسی قدیم متمایز از هم تلفظ می شدند ، ولی در فارسی محاوره ای امروز یکسان و تقریبی بی هیچ تفاوتی به لفظ درمی آیند .

به عبارت دیگر زمانی بوده است که لغات ساخته با این حروف [لغات دخیل عربی] به شکل خاص خود و نظیر اصل عربیشان تلفظ می شدند . لذا این تعدد حروف مشابه در آن زمانها چندان حساسیت برانگیز ، و بر ملاکننده اختلاف تلفظ ایرانی زبانها و عرب زبانها نبوده است . مضاف به اینکه اعراب ، و ایرانیان متظاهر به تکلم عربی اصرار بر تلفظ حروف عربی از منخرج صحیح داشتند ، نمونه اش اینکه اعراب از راه تفاخر خود را

طرحی نو...

«الناطقین بالظاد» می نامیدند که معنی اش می شد اینکه غیراعراب ، و خصوصاً ایرانیان هرگز نمی توانند ظاد عربی در «والظالین» نمازهای پنجگانه را چون آنان ادا کنند .

اینکه گفتیم مسئله تعدد حروف باصدای یکسان از جمله ایراد های قریب به اتفاق زبان شناسان و دیگر دست اندر کاران خط فارسی است ، نمونه اش استادزنده یاد دکتر حق شناس است که در کتاب «آواشناسی» از جمله چهار عیب عمده خط فارسی یکی را هم تعدد مورد اشاره دانسته اند :

- یک آوا با چند نشانه نوشته می شود. مثلاً آوای [z] بصورت های ز و ذ و ض و ظ
- چند آوا به یک نشانه نوشته می شود. مثلاً آواهای [v] ، [u] و [o] که همگی با نشانه و نمایش داده می شود.
- گاهی چند نشانه با هم برای نمایاندن یک آوا بکار می رود. مثلاً نشانه های خ و و برای آوای [x] چنانچه در واژه های خویش و خواب دیده می شود.
- گاهی یک یا چند آوا در نوشتار نمایانده نمی شود. مثلاً در فارسی آوای [a] ، [e] و [o] در وسط کلمه نشانه ندارند مانند سر ، مهر و پر.

بانگاهی نزدیکتر به این مشابهت در تلفظ ، گذشته از چهار حرف ز ذ ض ظ که قبل از این نمونه کلماتش گذشت ، مورد دیگر ث س ص در واژه هایی چون ثنا (ستایش) ، سنا (نام مجلسی) و صنم (بت) را داریم که چون مورد پیش گفته در اینجا هم حرف س رابا توجه به سابقه اش در فارسی قدیم برگزیده ، و بقیه راباهمین املاء در فرهنگها و لغت معنی های پیش بینی شده می آوریم .

طرحی نو...

این نکته هم قابل یادآور است چنین عیبی تنها در خط فارسی نیست ، که در انگلیسی هم به نحوی وجود دارد . منظورم حرف F است که PH هم همان صدای دهد .
 یامگر نه اینکه در همان انگلیسی کلماتی داریم با تلفظ یکسان ، و در نگارش به چهار شکل و حروف کمابیش متفاوت: Rite (مناسک) Right (حق) write (نوشتن) و write (نام خانوادگی شخص)

یاز آن بیشتر در زبان فرانسه حروفی که کلمه سنت را می سازند برای آن پنج رسم الخط متمایز از هم دارند که اگر صورت های جمع را نیز به حساب بیاوریم ده شکل می شود از این قرار: saint ceint sein seing sain

به آنچه گذشت باید افزود ما در فارسی حاضر و نگارش آن ۳۲ حرف (با احتساب همزه عربی) داریم که از آن میان ۲۴ (به اضافه همزه و منهای مصوتها) حرف با حذف تکرارها باقی می ماند که این خود علاوه بر کم کردن هشت حرف زائد از الفبا، سهولت بیشتر در نگارش را سبب می شود ، در عین اینکه کمک به پیراستن الفبای فارسی ، و به تبع آن حذف مسایل دست و پا گیر در نگارش خط فارسی را موجب می گردد .

اصلی	زاید
س	به جای ص ، ث
ز	به جای ذ ، ض ، ظ
ت	به جای ط
ه	به جای ح

طرحی نو...

غ	به جای ق
ع	به جای همزه در وسط و آخر کلمه

از این قرار و بنا بر حذف هشت حرف اصلی و یک حرکت شبه حرف در مقاطعی، الفبای سی و دو گانه فعلی فارسی تبدیل می شود تنها به بیست و چهار حرف کاربردی اصلاح شده زیر :

ا ب پ ت ج چ خ د ر ز س ش ع غ ف ک گ ل م ن و ه ی . والبتہء عربی

از جانبی اول ایراد به کم کردن حروف تکراری آن خواهد بود که ادبای ما اعتراض می کنند تمام آثار ادبی گذشته ما مملو از بازیهای لغوی و مترادف سازی با همین همسانی تلفظ و تفاوت معنایی بوده است ، در صورت اعمال چنین اصلاحاتی تکلیف آنان چه خواهد شد؟ پاسخ ما اینست که در رشته مطالعات دانشگاهی ما رشته ای داریم تحت عنوان «زبان و ادبیات فارسی» ، که موضوع آن در غالب دروس همان ادبیات گذشته ایران ، و عمده فعالیتش بررسی این ظریف کاریها و باز شناسی و معرفی آنهاست . دانش آموختگان این رشته حداقل کاری که می توانند بکنند توضیح این نکات به هنر دوستان و احیاناً تطبیق دادن آنها با نگارش جدید خواهد بود . کاری بس ضروری که لزوماً ارزش مطالعات ادبی رابه مراتب بالا خواهد برد ، و از زبان و نگارش

طرحی نو...

روزمره ، که هدف غایی این اصلاحات است دور ، و چون یک متخصص متون قدیمی متمایزشان خواهد نمود.

یک نکته مهم که ذکرش در اینجا حتمن ضروری می نماید اینکه در مورد اسامی خاص (نام محل ، اشخاص تاریخی ، نام فامیل افراد و...) چنین حذف و تعویض جایز نیست و برای پیشگیری از هرگونه اشتباه بهتر است به همان شکل مرسوم ثبت ، و چنین امری مستلزم آنست که از همان ابتدا حروف محذوف از الفبای فارسی به عنوان حروف کمکی و تکمیلی ملاحظه و در مراحل تحصیلی بالاتر به دانش آموزان و نوآموزان فارسی یاد داده شوند .

۲ - نبودن مصوت‌های مورد نیاز در زنجیره خط..

مطلب روشن است . چنانکه در مبحث پیشین گذشت از جمله به اعتقاد زبان‌شناسی چون دکتر حق شناسی ، اگر بخواهیم چهار عیب اساسی و عمده برای خط فعلی فارسی جدا کنیم ، بعد از تکرر حروف همسان ، همین عیب نیامدن علایم مصوت‌ها ، به قرار ضمّه ، فتحه و کسره (—) در زنجیره خط است ، که اگر چنین بود به خوانش صحیح کلمه بسیار کمک می کند . البته هیچ یک از زبان‌شناسان و منتقدین خط فعلی حضور این مصوت‌ها در بالا و پائین لغات را انکار نکرده اند ، بنابراین به نظر ما این عیبی است که بهتر خواهد بود آنرا غفلت بنامیم ، چرا که این علایم موجود ، لکن به واسطه ویژگی خاص

طرحی نو...

خط ما ، که به هر حال گفتیم هر خط می تواند ویژگیهای ذاتی خود را داشته باشد ، نه درزنجیره ، که به صورت بالاپائین افزودنی می آیند .

این اهمال در نگارش مصوتهای منظور ، به خصوص در حروف ابتدایی لغات و عناوین ، که در نهایت تلفظ کل واژه را هم مشکل می نماید ، چیزی است که به تدریج و اول بار توسط دست نویسان و خوشنویسان پیداشد ، ناشی از عجله در نگارش یا توجه به زیبایی آن ، آمخته بودن و آمخته پنداشتن خوانندگانشان با حرکات مربوط .

ذکر این توضیح لازم می نماید کسانی که با خط فارسی آمخته اند عادت دارند کلمه را بایک نظر تشخیص ، وحتى اگر کم و کسری هم داشته باشد آن را صحیح بخوانند . در مقابل غیر این گروه و به ویژه نوآموزان خط و زبان فارسی ، به ویژه کودکان و خارجیان ، عموماً از طریق الفبایی کلمه را می خوانند و می فهمند ، خصوصاً حرف اول کلمات که بسی برایشان در غیاب علایم لازم تلفظش مشکل می نماید .

تأکید روی افزودن مصوتهها لاقلاً به حروف اول هر واژه از این جهت است که در تلفظ فارسی ابتدایه ساکن نداریم . لذا فقدان این علایم صوتی برای نوآموزان و غیر متکلمین به فارسی ، فارسی از نوع زبان مادری ، بسیار مشکل و اسباب دردسراست .

طرحی نو...

ولو عدم ثبت این علایم ناشی از اهمال یا غفلت باشد ، به هر حال توانسته بهانه ای گردد از برای معتقدین به تعویض الفبای فارسی به لاتین ، زیرا که در انگلیسی بر خلاف فارسی سه حرف صدادار کوتاه موصوف در سلسله خط می آید (a e o).

حال اگر نویسندگان به فارسی ، و دستگامهای نگارشی (صفحه نگارش رایانه و ماشینهای چاپ و ...) به این امر بی توجه ، به خصوص در ثبت حرکت حرف صامت اول هر نام و عنوان که بسیار اساسی برای خواندن آنست اهمال می کنند ، به این تصور که خوانندگان متن از کودکی باین اسامی ولغات آشنا و از حفظ دارند . در این میان تقصیر خط بیچاره چیست ؟ نمی دانیم .

این حقیقتی است که نبود مصوت‌های کوتاه سه گانه باعث می شود به جای این که از خط و نوشتار پی به معنی واژه ببریم ، از جایگاه آن در جمله آن را درست بخوانیم . مانند کلمات کرم، کرم، کرم، کرم و کرم، کرم، کرم، کرم ، و یا سه کلمه حکم، حکم، حکم که تادر جمله و عبارت نیایند معنی بر ما پوشیده است .

مطلب دیگر ، و بلکه مشکل دیگر نیامدن مصوت های کوتاه در داخل متن باعث می شود که برای تلفظ صحیح کلمه اجبارن لاتین کلمات به صورت پانویس متن آورده شود که همین امر هم خود باعث کج فهمی ، و نیز باعث اتلاف وقت و انرژی می شود.

طرحی نو...

افزون بر اینکه لاتین نویسی مزبور هم قاعده خاصی ندارد و هر ناشر و نویسنده ای سلیقه خاص خودش را برای آوانویسی حروف فارسی به لاتین دارد .

به عنوان نمونه برای نشان دادن حرکت فتحه َ ضمه ُ کسره ِ ، همینطور الف و آ هیچ گونه هماهنگی در کتاب ها ، و خصوصن فرهنگ های مختلف دیده نمی شود . گرچه برخی به غلط می پندارند همین نگذاشتن حرکات روی کلمات واسامی مزیتی محسوب ، و موجب تندنویسی می شود .

نفسِ بالاوپائین بودن این حرکتها ، جداازنجیره خط ، و اینکه چراهم دربالاوهم پائین ، واین خودباعث برداشتن قلم اززنجیره خط ودرنتیجه کنندی نگارش ، ایراد دیگرست که خط لاتین را برای منتقدین مرجح می نماید. خطی که یاچنین علایم ندارد ، یااگرهم داردفقط یک مورد (i انگلیسی) آنهم دربالاست .

ازاین منتقدین بایدپرسید مگرنه اینکه درهمان زبانهای ازاصل رومیای یالاتن علامتهای تلفظی بیشماربالای حروفشان دارندو الزاماًهم رعایت می کنند . به فرانسه وآلمانی نگاه کنیدتاحقیقت این مطلب دانسته شود .

امادرموردخوداین مصوتهاهم حرف برای گفتن داریم .ازقدیم سه دسته مصوّت (حروف صدادار) کوتاه ، بلند و خیلی بلنددرفارسی داشته ایم که توضیحش به مبحث بالا کمک می کند .

طرحی نو...

الف : سه مصوت کوتاه ، که عبارت از همان سه مصوت ضمّه ، فتحه و کسره باشند ، ومورد بحث در این مبحث .

ب : سه مصوت ترکیبی بلند ، که خوشبختانه در متن نگارش مراعات ، و عبارت باشند از آ ، او و ای . که در این باب ما اشکال چندانی نداریم ، مگر در ادغام با حروف دیگر ، یا حروف صدادار آخر کلمه .

پ : سه مصوت خیلی بلند که بیشتر یادگار زبانهای باستانی ایرانست وامروزه یا تبدیل به مصوتهای بلند شده اند ، یا گاهن به صورت واو معدوله وامثال آن کما بیش حفظ شده اند . شما هم شاید دیده باشید که مثلاً در اسامی چون کاوس و داود گاه بادو واو می نویسند : داوود و کاووس . یا گاه به ویژه در دست نوشته های قدیم بامصوت بلند آ یک الف هم کنارش می گذاشتند که به صورت مصوت خیلی بلند تلفظ شود . مثل آینه که امروز آینه می نویسند .

به هر روی ، مشگل مادر اینجابر سر مصوتهای کوتاه است که از جانب نویسندگان و ماشینهای تایپ و چاپ رعایت نمی شود . به خصوص از دیدگاه تجربی مسلم می نماید که خوانش اسامی ولغات ، باتأکید بر مصوت همراه باصامت اولیه بسیار کارساز ، و بقیه برای فارسی زبانان چه بسا بانگرش بر شکل لغت خودبه خود از حافظه در چشم ، و سپس بر زبان جاری می شود . لذا توصیه اصلاحی ما چنین خواهد بود که خط فارسی بعد از

طرحی نو...

اصلاح ، حداقل در مورد حروف اول اسامی و عناوین رعایت علامت گذاری موصوف بشود .

۳ - پیروی نگارش فارسی از قواعد غیر فارسی .

یک مرض دیگر که خط فارسی ما را تهدید می کند اینک که برخی فضیلت قدیم و معاصر ایرانی به پیروی از سنت [چنانکه ما هم در این نوشته گهگاه و به عنوان خط معیار همین کار را کرده ایم] اصرار دارند کلماتی را که احیاناً در بیش از هزار سال پیش وارد فارسی شده ، و در تلفظ هم سهولت فارسی را یافته به همان صورت که عرب می نویسد بنویسند . مثل رعایت همزه در همه جا که مابدان خواهیم رسید ، الف مقصوره به همان صورت ی (موسی به جای موسا ، حتی به جای حتا) ، دو فتحه روی الف به عنوان علامت تنوین (اصولاً به جای اصولن ، حتماً به جای حتمن . و آنچه هنوز تأسف بیشتر دارد برخی کلمات فارسی را هم به همین ترتیب تنوین دارمی گویند ، مثل نقداً که توصیه می شود علی رغم مخالفت با اصل کوتاه کردن واژه ، معذبانه شکل درست به نقد گفته و نوشته شود . یاد همین شمار تواند بود حذف الف لام های زائد بر سر برخی کلمات و ترکیبها در فارسی و مأخوذ از عربی . مثل سلیم الطبع که بهتر است همان سلیم طبع نگاشته شود . یا علم الاشیاء که بشود علم اشیاء .

نتیجه این بحث آنکه به موازات دسته دیگر که با اصلاحات کم و بیش انجام شده نگارش جدید فارسی کنار آمده اند [و ما هم بعد از اصلاحات منظور از آن دسته خواهیم

طرحی نو...

بود [چه اشکال دارد جز در کلماتی که دست خوردنش باعث اشتباه می شود ، بقیه رابه همان صورت فارسی که تلفظ می شود بنویسند . تنوین رابه شکل ن الف مقصوره به همان صورت الف و غیر آنان . این کاریست که خود عربها کمابیش بالغات دخیل اروپایی در عربی کرده اند و نمونه های فراوان از آن می شناسیم . مثل اینکه واژه غربی تلویزیون را امروز عرب با کمی دستکاری تلفیزیون می گوید . این امر حداقل یک فایده مهم که برایش متصور است قواعد نگارشی و دستوری ما را جلو انداخته و آنرا بر کلمات غیر فارسی حاکمیت می بخشد .

از جانب دیگر سوال اینست که چرا موضوع رایک طرفه می بینیم ؟ چرانی گوئیم که تاچه اندازه حروف و کلمات فارسی در عربی و به همان نسبت در دیگر زبانها نفوذ کرده اند . از زبان فارسی واژه های زیادی در دیگر زبانها به وام گرفته شده است که محققین ما تفصیل آنرا آورده اند . از جمله در عربی تعداد لغات فارسی دخیل که منشاء تحقیقات مفصلی هم بوده است . تا آنجا که به اثبات رسیده لغات فارسی در کلام خداوند در قرآن هم یافت می شود .

شماره وام واژه های فارسی در زبان انگلیسی به شمارش صاحب نظران ۸۱۱ واژه است . فارسی از نظر شمار و تنوع ضرب المثلها در میان سه زبان اول جهان است . دامنه واژگان و تنوع واژه ها در فارسی هم چنین بسیار بزرگ و پرمایه است و یکی از غنی ترین زبانهای جهان از نظر واژه ها و دایره لغات به شمار می آید . از این جهت در

طرحی نو...

کمتر زبانی فرهنگ لغاتی چون دهخدا (در ۱۸ جلد قطور) و یا فرهنگ معین (در ۶ جلد قطور) دیده می شود.

به هر حال تأثیر عربی در فارسی از حدوام دادن لغات و ترکیبات فراتر رفته ، و از آنچه به وادی خط و تلفظ الفبا مربوط می شود حروف ساده فارسی با حروف حلقی عربی مخلوط شده ، به گونه ای که گاه از باب نمونه هـ فارسی آخربری کلمات ، که عموماً فقط نشانه تلفظ کسره و زیر حرف قبلی است ، چنان غلیظ تلفظ می شود که ح حلقی عربی . در مورد تائید علامت تأنیث عربی ةٍ مطلب آسانتر و به راحتی در فارسی با ت کشیده می نویسیم .

در مورد این آخری قابل یادآوریست که این رسمی قدیم ، و فضیلتی ماعادت نداشتند تائید مدور را در فارسی به همان شکل عربی بنویسند ، لذا در اغلب موارد تبدیل به ت کشیده نموده اند . مانند : حیات ، رحمت ، صلوات ، زکات ، نعمت ، عبرت ، گرچه گهگاه استثناءهایی هم مشاهده می شود . مثل اراده [شبه مصدری] به معنی قصد و عزیمت به همین شکل ، وارادت به معنی دوستی و صمیمیت ، یا مراقبه و مراقبت . نوبه و نوبت ، یا علاقه که علاقت نگفته اند .

به نظر بنده آنچه سره نویسی و سره خوانیش نام داده اند ، به معنی زدودن لغات عربی [به ویژه عربی] از فارسی ، که گفتیم دامنه آن به عصر پهلوی اول می رسد و از شائبه سیاسی هم خالی نبوده است ، معهذامتأسفانه هنوز کسانی عامدانه به آن دامن

طرحی نو...

می زنند ، در نظر دارند این لغات جاافتاده و تابع سهولت تلفظ فارسی شده را ، به یکباره از گنجینه زبان و خط فارسی ساقط ، و جای آنرا به لغات ساخته یا اخذ شده از زبانهای قدیم ، و گاه مهجور فارسی بدهد . ، این رویه نه تنها دردی از زبان و خط مادوانمی کند ، که برعکس دردی بر دردهای آن می افزاید . بدین معنی که ورود کلمات برساخته و قلمبه و سلمبه که گاه حتی معلوم نیست چگونه خلق شده اند ، و زبان شناسان نامی میهن ما هم بر کاربردشان اتفاق نظر ندارند ، همان اندازه در نوشتن ایجادتشتت و تردیدی نمایند که در خواندنشان . تازه اگر در جوار آن توهین و تحقیر به زبان عربی ، که قرنهایست به هر حال و کیفیت در کنار زبان فارسی و مساعدت بدان پیش آمده ، پیش بینی نشده باشد .

از این مطالب بگذریم . محققى ارجمند به نام «عادل اشگبوس» در اینترنت مقاله ای منتشر کرده اند تحت عنوان «چگونه بدانیم کدام واژه ریشه عربی و کدام ریشه پارسی دارد؟» که اطلاعات ارزشمندی از این جهت در اختیار می نهد . لذا ما عین مقاله محققانه ایشان را در اینجا می آوریم .

«..پیش از خواندن این مطلب یادآور می شوم که همه زبانهای جهان با هم داد و ستد واژگانی داشته اند و دارند و خواهند داشت . شاید تنها زبانهای مرده باشند که چنین چیزی در آنها رخ نداده باشد . بودن کلمات عربی در فارسی طبیعی است همان گونه که در عربی نیز صدها واژه پارسی هست . هر چند برای کسی که به دو زبان چیره نیست کار دشواری است ، ولی راه های ساده ای هم وجود دارد که دانستن آنها جالب است . از میان ۳۲ حرف الفبای فارسی برخی حروف تنها ویژه واژه های عربی است .

طرحی نو...

- حرف (ث): هر واژه ای که دارای (ث) است بی گمان عربی است و ریشه ی فارسی ندارد. جز (کیومرث: مرد دانا یا گاو مرد)، (تَهْمورث: دارنده ی سگ نر قوی) و واژگان لاتین مانند بلوتوث یا نام هایی مانند ادوارد ثورندایک و ... که بسی آشکار است نام های لاتین هستند نه عربی یا فارسی.

- حرف (ح): هر واژه ای که دارای حرف (ح) است بی گمان عربی است و ریشه ی فارسی ندارد. غیر از کلمه ی حوله که درست آن هوله است و به گمان نزدیک به یقین ریشه ی ترکی دارد و به معنی (پُرزدار) است. عرب به هوله (حوله) می گوید: مِشَفَّة. در سعودی / خاولی یا خاویله و بشکیر در عراق / بشکیر یا فوطه در سوریه. واژه حول و حوش هم به گمان بسیار فارسی و درست آن هول و هوش است. کردهای فهلوی یا فیلی هنوز به خانه می گویند هاوش که با house در انگلیسی همانندی دارد.

- حرف (ذ): هر چند در فارسی کهن تلفظ این حرف مانند تلفظ عربی آن وجود داشته اما امروزه دیگر هیچ ایرانی ای ذال را ذال تلفظ نمی کند بلکه زا تلفظ می نماید. بیش از ۹۵٪ واژه های دارای ذال ریشه ی عربی دارند مگر واژه هایی مانند گذر، گذراندن، گذشتن، پذیرش، پذیرفتن، آذین، گنبد (امروزه گنبد خوانده می شود). ذانستن (که امروزه دانستن تلفظ می شود. اما کردها، لکها و برخی دیگر از اقوام ایرانی دانستن را زانستن تلفظ می کنند. مانند تالشی ها که به (می دانم) می گویند (زُئِم zonom) و کردها می گویند (آزَیم یا زَیم یا مَزَیم یا دَزَیم)

- حرف (ص): هر کلمه ای که صاد دارد بی شک عربی است مگر عدد شصت و عدد صد که عمداً غلط نوشته شده اند تا با انگشت شست و سد روی رودخانه اشتباه نشوند. صندلی نیز بی جهت با صاد نوشته شده و البته عربی شده ی چَندَل است. عرب به صندلی می گوید کُرسی، مَقَعَد و در گویش محلی عراق و سوریه اسگملی.

صابون هم در اصل واژه ای فارسی است و درست آن سابون است و این واژه از فارسی به بیشتر زبانهای جهان رفته مثلاً soap در انگلیسی همان سابون است. ما سابون را به صورت معرّب صابون با صاد می نویسیم. اصفهان نیز معرّب یعنی عربی شده ی آسپدانه یا سپاهان است.

- حروف (ض / ظ / ع): بدون استثنا تنها ویژه واژه های دارای ریشه ی عربی است و در فارسی چنین مخارجی از حروف وجود ندارد. به ویژه ضاد تا جایی که عرب ها به الناطقین بالضاد معروفند، زیرا این مخرج ویژه عرب است، نه دیگر مردمان نژاد سامی.

- حرف (ط): جنجالی ترین حرف در املائی کلمات است. مخرج طاء تنها ویژه واژه های عربی است و در فارسی ط نداریم. و واژه هایی که با ط نوشته می شوند یا عربی اند و یا اگر عربی نیستند غلط املائی هستند. مانند طهران،

طرحی نو...

طالش، اصطهبان، طوس که خوشبختانه امروزه دیگر کسی تهران، تالش، استهبان و توس را نادرست نمی نویسد. اما بلیت (بلیط) واژه ای فرانسوی است. تایر (طایر) **tire** واژه ای انگلیسی است. اتاق (اطاق) مغولی است. تپش (طپش) فارسی است و دلیلی ندارد که آن ها را نادرست بنویسیم. امروزه دیگر این واژه ها را درست می نویسند مگر کسانی که با ریشه واژه ها آشنا نیستند.

- حرف (ق) : نیز در مرتبه دوم حروف جنجالی است. در فارسی قاف نداریم غ داریم قاف ویژه واژه های

عربی در ۹۰ درصد موارد است. واژه های عربی دارای ریشه اغلب سه حرفی (ثلاثی مجردیامزید) و دارای وزن و هم خانواده اند. مانند: قاسم، تقسیم، مقسیم، انقسام، قسَم، قسمت، اقسام، مقسوم، قسام، منقسم. و تشخیص واژه ی عربی الاصل دارای قاف کار ساده ای است. اما دیگر کلمات قاف دار یا ترکی اند و یا مغولی. مانند قره قروت (کشک سیاه) قره قویونلو (صاحبان گوسفند سیاه) قره گوزلو (دارنده ی چشم سیاه) قزل آلا (ماهی طلایی)

کلماتی مانند آقا، قلدر، قرمساق نیز مغولی اند. کلمه قوری نیز روسی است. اصلاً قوری، کتری، سماور، استکان همه واژه های روسی اند و اینها زمان قاجاریه و در دوره صدارت اعظمی امیر کبیر وارد ایران شدند. کلماتی مانند قند و قهرمان و قباد معرب کند گهرمان و گواذ هستند، همان گونه که کرماشان یا کرمانشاه را عرب قرماسان یا قرمسین تلفظ می کرده. اما امروزه ما ایرانیان کرمانشاه یا کرماشان را قرماسان یا قرمسین تلفظ نمی کنیم. اما کواذ را قباد می گوئیم و این تأثیر زبان عربی بر فارسی است.

- حروف چهارگانه (گ / چ / پ / ژ): نیز در عربی فصیح یعنی نوشتاری وجود ندارد. و هر کلمه ای که دارای

یکی از این چهار حرف است حتماً عربی نیست و به احتمال بسیار ریشه ی فارسی دارد. مانند منیژه، مژگان، ژاله، پروین، پرنده، گیو، گودرز، منوچهر، پریچهر و... البته اغلب چنین است و موارد اندکی نیز امکان دارد از دیگر زبانها باشد مانند پینگ پونگ که چینی است. یا چاخان و خپل که مغولی اند. اشتباه نکنید چاخان ترکی نیست. مغولی است زیرا در ترکی به دروغ می گویند یالان. یا پارتی (**party**) کلمه ای انگلیسی است و آپارتمان واژه ای فرانسوی است. شاید برسید پس سایر حروف مانند الف ب ت ج د ر ز س ش ف ک ل م ن و ه ی چگونه هستند؟ پاسخ شما این است که اینها حروف مشترک در سراسر زبانهای جهان است. هرچند برخی اقوام بعضی حروف را ندارند و به گونه دیگر ادا می کنند. مانند حرف ر که در فرانسه غ گفته می شود، و یاهمین ر در چین ل خوانده می شود.

طرحی نو...

۴- روشن نبودن موضع همزه عربی در سلسله حروف فارسی

قبل از این گفتیم از مجموع ۳۲ حرف فعلی فارسی ۸ حرف به علت داشتن تلفظ مشابه ساقط ، و از آنچه باقی مانده یکی هم الف است ، نظریه اینکه الف از حروف صامت و ابتدایه ساکن تلفظ آن محالست ، لذا در کلمات فارسی با سه مصوت کوتاه اِ وِ اُ می آید که تا اینجادر ماهیت آن حرفی نیست. اما در اسامی و لغات دخیل عربی مطلب به این سادگی نبوده و لزومن الف فارسی با همزه تلفظ شده از حلق عربی تداخل و یک حرف ترکیبی بین فارسی و عربی رابه وجود می آورد. این تداخل به علت فراوانی که در اسامی و افعال فارسی دارد لزومن ماهیت یک حرف افزوده به الفبای فارسی [اگر قایل به حرف بودنش باشیم ، که به نظر نگارنده همزه نوعی حرکت تکمیلی و به منزله مصوت بالاپائین کلمات از اصل عربی است برای تکمیل تلفظ حروفی که از حلق ادومی شوند] رابه خود گرفته و در الفبای ما از عربی باقی می ماند .

به بیان دیگر از آنجا که ورود کلمات و ترکیبات از اصل عربی به فارسی اجتناب ناپذیر بوده است ، و این اسامی و ترکیبات کاربرد وسیعی در فارسی یافته اند ، لذا حذف کامل همزه در کلمات و اسامی فارسی باعث سردرگمی ، در نتیجه توصیه مابراینست که همزه اول در اینگونه کلمات در تداخل بالف فارسی محسوب و به همان شکل الف با علامت همزه در بالا یا پائین جهت تلفظی نزدیک به حلقی ثبت و تلفظ گردد

طرحی نو...

، اما در میانه و آخر قطعن به شکل حرف ع در آید . این استثابدان خاطر است که تأکید بر حرکت واقعی حروف اولیه اسامی و عناوین و واژه ها در خوانش بسیار مهم هستند . جهت یادآوری همزه در موارد مذکور ، همچنان در ترکیب بالف ، اگر اول هر اسم ولغت آید به شکل تلفظ غلیظ تر و حفظ علامت همزه در بالا و پایین ، و در وسط و آخر در اصلاحات مذکور به شکل ع درمی آید . مثل أحمد ، إسماعیل ، و در وسط و آخر چون معخذ ، تعمل .. از خوشبختی تمام این اشکال در صفحه کلید کامپیوترهای فعلی و دستگاههای چاپ وجود دارد ، و نیازی به تعویض چیزی نیست .

یک شکل دیگر ماجرا که از قدیم هم در رسم الخط فارسی از کلمات عربی مرسوم بوده چنینست که اگر دقت کرده باشید در قرآنهاى کتابت شده یا چاپ شده در ایران برخی اسامی ، به خلاف قرآنهاى عثمانی که مثلاً إسمعیل ، إسحق و... نویسند ، ایرانیان اسماعیل و اسحاق نوشته اند ، بالف کشیده که خواندنش برای مافارسی زبانان بسی آسانتر ، و به جای الف مقصوره عربی الف فارسی آورده اند .

۵- وجود حروف واحد با اشکال نگارشی متفاوت .

منظور ایراد بر حروف کوچک و بزرگ ، و طبعن شکل نگارش متفاوت حروفی در اول ، میانه و آخر کلمات است . این مطلب از یک طرف بازمی گردد به مبحث چسبیده نویسی و جدانویسی که در ادامه خواهد آمد ، و از طرف دیگر به خود ماهیت حروفی که

طرحی نو...

این قابلیت را دارند . مثلن حرف عین که جزو حروف پذیرفته شده اصلاحی جدید است ، وغالبن با صدای خود ، که نه صدای همزه ، درمیانه کلمات جای همزه عربی راهم می گیرد ، می توان به چهار شکل ع در ابتدا ع در وسط ع و ع در آخر بیاید ..

یا از همین قبیل است حرف ه که به چهار شکل نوشته می شود : در اول کلمه چون ه در وسط چون ه در آخر چسبیده به ماقبل چون ه و سرانجام در آخر و نچسبده چون ه . دیگر غ ، ف و که به سه شکل و بیشتر بزرگ و کوچک در اول و وسط و آخر کلمات نوشته می شوند که اگر بخواهیم شکل نگارشی متفاوت آنان در الفبای فارسی را در نظر بگیریم به قولی قریب ۱۶۰ حرف نگارشی خواهیم داشت .

اما اینکه آیا این خوبست یا بد ؟ از نظر منتقدین و معتقدین به تعویض خط ، طبعن بد و از جمله عیوبست . اما به نظراین جانب برعکس یک کیفیت خوب ، و یک فرصت تکامل یافتگی ، و قابلیت مانور بالا برای یک خط پیشرفته است . مصداق کامل همان انعطاف پذیری که در خط معیار و صفش گذشت . این قبول که برای مبتدیان خوانش فارسی را کمی مشگل می کند ، آنهم نه در درازمدت که با آموزشهای خیلی ابتدایی ، یا جادادن آن در برنامه های ماشینی چون رایانه مطلب آسان . ولی به قول شاعر :

مشگلی نیست که آسان نشود مرد باید که هراسان نشود

طرحی نو...

به هر حال اینهم یکی از ویژگیهای خط ما می تواند حساب شود که هر نوآموز پس از مدتی تمرین به آن آمخته خواهد گردید. علاوه بر آن با این برنامه نویسیها و ارائه نرم افزارها که روزه روزه در توسعه و پیشرفت است حتماً دست اندرکاران این وادی فکری برای این معضل، و دیگر مشکلات فعلاً حل نشده خط فارسی خواهند کرد.

من اینجا صحبتی از مفهوم اقتصاد زبان که مفهوم درخور توجهی است نمی کنم که اصل را بر هر چه کوتاه تر و هر چه مفهومی ترمی نهد. به قول عربها: ماقلّ ودلّ. اما از متقاضیان تغییر خط فارسی می پرسم آیا در شکل انگلیسی زبان لاتنی (کاری به بقیه نداریم) اشکال نگارشی بزرگ رسمی، و مقابل آن کوچک تحریری ندارند که اتفاقاً در مورد اخیر مثل خط ما چسبیده نویسی هم می کنند، و حروف میانی به صورت کوچک، و کمایش تغییر شکل یافته درج می شوند؟

۶- حروفی که نوشته می شوند ولی خوانده نمی شوند.

یک ایراد دیگر منتقدین خط فعلی و هواداران تعویض خط به لاتین، اشکالی نچندان بزرگ، ولی به نوبه خود قابل انگشت گذاری، نوشتن افعال و اسامی و لغات به طور کلی با حروف زیاد و خوانش کوتاه یا متفاوت بانوشته است. اشکالی که به زعم اینجانب در اغلب زبانهای زنده دنیا، همچنانکه زبانهای از اصل لاتن، از جمله فرانسه که

طرحی نو...

راقم این سطور در آن درس خوانده می شناسد به نحو چشمگیر و به حالت ضرب المثل رایج است .

در اینجاری سخنم باکسانیت که می پندارند خط انگلیسی از این عیب مبراست .
وقتی یک کودک انگلیسی کلمه Knife (به معنی چاقو) رامی نویسد و بعد تلفظ نایف می کند ، آیا این سؤال برایش پیش نمی آید که حرف K در اینجا کجارجفته است . یامگر نه اینکه در همان انگلیسی کلماتی داریم با تلفظ به چهار شکل متمایز از هم و حروف کمابیش متفاوت نوشته و تنهابه یک شکل خوانده می شوند : Rite (مناسک) Right (حق) write (نوشتن) و write (نام خانوادگی شخص)

یاهمین طور در انگلیسی برای آزمایش کلمه Knowledge را داریم که در خواندن نه k آن به تلفظ درمی آید و نه d آن . از آنچه به نظر می رسد این نقصان ، چه در زبان فارسی و چه انگلیسی و فرانسه ، از جمله عیوبی است که بازمی گردد به همان اصل تحول زبان گفتاری نسبت به نوشتاری در طول زمان که در مقدمه گذشت . یعنی اینکه در طول زمان بنابر معمول زبان تلفظ کوتاه ، ولیکن زبان نگارش کوتاه نشده است

اما حسن قضیه اینست که ما این اشکال و حروف رانه اتفاقی ، که با اسم و رسم می شناسیم و برایشان نامهایی داریم . منظورم در کلماتی مثل خواهر ، مثل خواهش ... که

طرحی نو...

عملاً می خوانیم خاهر و خاهش ، واو به تلفظ درنیامده رامی گوئیم واو معدوله [واوی که از آن عدول شده و ناخواناست]

در همین ردیف تواند بود برخی حروف اضافی آخر کلمات که نوشته ولی خوانده نمی شدند ، و امروزه عملن از نگارش افتاده اند. نظیر موی در گذشته که امروز مو می نویسیم . یا درب که می نویسیم در ..

۷ - حروف واحدی که به اشکال مختلف تلفظ می شوند .

پیش از این یکی از عیوب عمده چهارگانه خط فارسی فعلی که توسط دکتر حرق شناس خاطر نشان شده بود «چند آوا به یک نشانه نوشته می شود. مثلاً آوهای [u ، v] و [o] که همگی با نشانه و نمایش داده می شود»

اگر بخواهیم این مورد را گسترده تر، وازدیدگاه الفبای فارسی برای نشان دادن وسعت و تعدد کاربرد یک حرف در مقام الفاظ متفاوت و متنوع نشان دهیم تنها کافیست حرف و یا حرف ه را در نظر آریم که هریک به نوبه خود دلالت بر چند لفظ مختلف رابه عهده دارند. در مورد و حداقل پنج موردش برای ما آشناست : (یکی برای بیان ضمه حرف پیشین در کلمات خوش و تو . (دوم بیان حرف صامت واو در کلماتی چون آواز و والی و عفو . (سوم بیان حرف مصوت مرکبی که در کلمات نو و جو و

طرحی نو...

مانند آنهاست. (چهارم حرفی که در زبان کنونی خوانده نمی شود در مقام واو معدوله است. و پنجم واو غیر ملفوظ عربی در کلمه عمرو، برای تمایزش با عمرو. در مورد حرف ه نیز کمابیش همین نمایندگی از تلفظهای متعدد و متفاوت مشهود، و تنها کافیت اشاره کنیم به جایگزینی آن با ح حلقی عربی، یا ه بیان حرکت زیر دروازه هایی چون: خانه، جامه، نامه....

ناگفته نماند در برخی قواعد نگارشی عربی مدخول در فارسی نیز چنین دوگانگی مشهود است که قطعاً میراث بازمانده از عربی است، چنانکه در عربی یک یای بدل از الف دارند که به آن گویم الف مقصوره (کوتاه شده) که به شکل ی نوشته، ولی الف خوانده می شود. در کلماتی چون مرتضی، موسی، عیسی، حتی و.... که در این اواخر دیده می شود با الف کامل و به شکل مرتضا، موسا، عیسی و حتا نوشته و باید جزو قواعد اصلاحی پیشنهادی ما هم منظور گردد. مگر در صورتی که ضرورتن با ی نوشته و با ی هم خوانده شود. به قول مولانا:

چونکه بی رنگی اسیر رنگ شد موسی ای باموسی ای در جنگ شد

۸- رعایت اسلوب خوشنویسی که خط راتحت تأثیر قرار می دهد.

خوشنویسی، خصوص در ایران و مربوط به خط فارسی، اگر نکوئیم باعث جلا و رونق این خط بوده است، ولی نمی توان کتمان کرد که در دوره های طولانی خط

طرحی نو...

فارسی را بین هنرمندان ، نقاشان و اصولاً اهل هنر رونق ویژه ای بخشیده و می بخشد .
تفنن هایی که در خط کرده اند و در غالب موارد از آن یک تابلوی هنری بی مانند
پدید آورده اند . تابلوهایی در حد بسیار چشم نواز بر سردر بناها و اماکن عمومی و بسیاری
جاهای دیگر که قابل چشم پوشی نیستند.

در اینکه خوشنویس های صاحب نام در مواقعی چنان مفتون هنر شده اند که از رابطه
تفہیم و تفاهمی خط دور مانده اند بحثی نیست . ولی به من بگوئید کی متون درسی نو
آموزان ، یامبتدیان آموزش فارسی به چنین هنر نمایه های ویژه در هم آمیخته و فہم
مطلب را برای نوآموز مشگل ساخته است؟

امروز در جهان کامپیوتر و اینترنت نرم افزارهایی وجود دارد که با تغییر شکل خط از
آن اشکال مختلفی می سازد که تنها جنبه تفنن و بازی دارد. آیا چنین چیزها هم می تواند
از ایرادات هر خطی باشد؟ فراموش نکنیم چنانکه قبل از این هم گذشت ما خط معیار
داریم . خطی صرفن برای تفہیم و تفاهم ، و فارغ از هر گونه هنروری و تزئین و آرایش .
بحث ما بر سر این خط است ، و نه آنچه با هنر خوشنویسی و نقاشی آمیخته است .

۹ - مسیر نگارش حروف و عدد یکسان نیست

یک عیب مُتصوّر دیگر . می گویند خط فارسی از راست به چپ هم خوانش و هم
نوشته می شود ، ولی جهت نگارش اعداد از چپ به راست است ، و این مخالف یک

طرحی نو...

دست بودن نگارش ، تنظیم درست اعداد ، و خلاصه قطع نگارش از راست می شود . از جمله برای این عیب هم نتایجی چند ذکر شده است ، از جمله عدم هماهنگی و ایجاد مشکل در نوشتن متون ریاضی و شیمی و نت های موسیقی و دستورات شطرنج . و این که خط تصویری ، یعنی علایم گرافیکی که در کل جهان استفاده می شود ، مانند علایم راهنمایی و رانندگی تماماً از چپ خوانده می شوند .

تا آنجا که در قدیمترین خطهای ایرانیان دیده شده می شود گفت این راست نویسی از ویژگی خاص این خط محسوبست . علت آن شاید هویت مستقل بخشیدن به حرف و تمایز آنان از اعداد بوده است . و این در حالیست که در نوشتن با دست از این جهت مشکلی نداریم . در صفحه کلید کامپیوتر و ماشینهای چاپگر و نظایر آنان نیز این تفاوت حل شده محسوب ، و در هر دو صورت به زعم ماعیبی برای خط فارسی نمی تواند محسوب گردد .

نگاه کنید به خط عربی که با همین خصوصیت حضوری به مراتب گسترده تر از فارسی در صفحه نمایشهای رایانه و چاپگرها دارد ، بدون هیچ اختلال و مشکلی . و شاید هم در آینده نرم افزاری ساخته شود که به موازات حروف عددی از راست و از آخر عدد به اول درج نماید که امر غریبی نخواهد بود .

۱۰ - نبودن نشانه برای اسامی خاص و اسامی عام .

طرحی نو...

گویی برخی باور ندارند که خطوط گاه سابقه چندین هزارساله دارند. به بیان دیگر خط مثل یک بنای معمارانه بر آمده امروزی نیست که سعی شود با آخرین متد همه چیزهای خوب را در آن جمع، و از همه عناصر بد معماریهای دیگر پرهیز شود. باید به این ناباوران گفت هر خط و زبان میراث تمدن یا تمدنهای گاه چندین هزارساله است که امروز چاره ای جز کنار آمدن با آن، و گهگاه دستی در آن برده و اصلاحاتی انجام دادن چاره ای نداریم. به همان نسبت در هر زبان و خط خصوصیات ویژه ای وجود دارد که چه بسا در زبانهای دیگر یافت نمی شود. اینکه توقع داشته باشیم برخی ویژگیهای مثبت فلان زبان را به زبانمان بیفزائیم، بدون اینکه خصوصیات خوب زبانمان که در همان فلان زبان موجود نیست را از یاد ببریم راهکار درستی نیست!

یکی همین عیب گرفته بر خط فارسی مورد بحث است. این درست که در خط لاتینی برای متمایز نمودن اسامی خاص اشیاء و افراد و... حرف اول را با حروف بزرگ [کاپیتال] می نویسند. خصوصیتی که چنانکه منابع لاتینی خط نشان می دهد چندان قدیمی نبوده و در سده های اخیر پدید آمده، که البته بسیار هم مفید و کارساز است. در خط فارسی امروزی، آنچه کمابیش رسم شده چنین مواردی در داخل گیومه، یا نشانهای متمایز کنند دیگر چون پرانتز و کروشه تمایز می یابند، گرچه در بسیاری موارد هم رعایت اینکار نمی شود که تنها باید حمل بر غفلت کرد. مابه نوبه خود در

طرحی نو...

اصلاحات مورد نظر گیومه را که در این باب استاندارد جهانی محسوبست پیشنهاد و کاربرد آن در موارد مورد اشاره را کارسازمی دانیم .

۱۱- بی قاعدگی حروف تکمیلی والحاقی چسبیده به آخر کلمات

موضوع ثبت و خوانش حروف تکمیلی آخر کلمه (اعم از ضمایر متصل فاعلی و مفعولی ، یای نسبت ، وحدت و نکره ، ه بدل از کسره ، کسره اضافه و...) و نشانه های دیگر در خط فعلی فارسی عملن غیر استاندارد و سلیقه ای می باشند . حقیقت اینست که این مشکل نگارشی سری هم به دستور زبان فارسی دارد که ما بنانداریم در این اصلاحنامه به موازین و نقایص دستوری زبان فارسی پرداخته و احياناً راه حل پیشنهاد بدهیم . ولی ناگزیر تاجایی که مربوط به خط نگارشی فارسی می گردد مطالبی عنوان ، تا باشد که در آینده تحقیقات کامل از این جهت به انجام رسد . اجمالاً برخی مشکلات و راه حل های پیشنهادی در این طریق چنین است:

وقتی دو حرف صدا دار ، یکی اصلی و دیگری الحاقی در آخر کلمه ای بیایند که تلفظ آنرا دشوار نمایند چه باید کرد؟ مثل ی نسبت به آخر کلمه ای چون ری که نام شهری است . اگر بنویسیم رییی ، یا ری یی یا ری ای یا ..؟ که تلفظشان مشکل و خارج قاعده است . قدمالین مسئله را چنین حل کرده بودند که شکل آخر کلمه را تغییر داده و می نوشتند رازی ، یعنی منسوب به ری . اما امروزه در چنین موارد . یعنی کلمه مختوم

طرحی نو...

به ی یا ه غیرملفوظ [این ه غیرملفوظ نمایندگی می کند از حرکت کسره ماقبلش] با افزودن یک الف درمیانه قابل تلفظ می کنیم . خانه ای ، مودی ای

به بیان دیگر ، وازاین جهت که بیشتر یاهای آخرکلمه از نوع نسبت ، یاوحدت ونکره ودراین شمارهستند ، توصیه بیشتردرست اندرکاران خط که امروزهم اعمال می شود اینست که ی مزبور باافزودن الفی درقبلش به صورت ای درآمد ، که درآن صورت تلفظ صحیح لغت مربوط امکان پذیردخواهدبود . مثل خانه ای خریدم . جامه ای به اودادم . الی آخر .

وبازقابل یادآوریمت که ماغیرازبای نسبت ، انواع یاهای دیگرواحیانن حروف صداداردیگر افزودنی به آخرکلماتی از نوع بالاداریم که به علت اجتناب ازورود به مباحث دستوری از آن می گذریم . واین نکته رادرآخراین بحث اضافه می نمائیم که درمورد کسره اضافه ، یا کسره مالکیت بین مضاف ومضاف الیه ، که درانگلیسی با آپوستروف (s) نشان داده می شودوکارراراحت کرده اند ، درفارسی متأسفانه امربه این راحتی نیست ولازم است درموردلغات واسامی مختوم به حروف صامت حتماً کسره مالکیت افزوده شود(کتاب حسن) ودرمورداسامی مختوم به های غیرملفوظ سابق الذکر ، به جای علامت یای کوچک که برسر ه می گذاشتندومشتمبه به همزه عربی

طرحی نو...

می شد ، به شیوه امروزی ی بزرگ و به صورت جداگانه بعد از ه بیاورند (خانه ی حسن)

این نکته رامجدد قابل یادآوری می دانیم آنچه در این نوشته می آید تمام مطلب و حرف آخر نبوده ، و تقاضای ما از صاحب نظران ، دست اندر کاران و فرهنگ دوستان همواره اینست که در توضیح و تکمیل مطالب آمده در اینجا ما را یاری ، تادرنهایت و زمان اجرایی شدن این طرح یک اصلاحنامه کامل و منطبق بر همه ضوابط و استانداردهای ملی و بین المللی ، و قابل تعمیم در همه زمینه هادر دست داشته باشیم . منظورم اینست که به خاطر برخی نقایص که فی المثل در دستور زبانمان داریم طرح متوقف نشود . چرا که آینده و مرور زمان به زعم ما کار سازاست ، وهمگی اصلاحات در یک زمان مقرر به انجام نرسد و صرف زمان لازم باشد .

۱۲ - مشکل اساسی جدانویسی یا چسبیده نویسی حروف.

اینک می رسیم به یکی دیگر از مشکلات عمده ادعاشده خط فارسی از نظر گاه طرفداران تعویض خط ، و آن نیست مگر چسبیده نوشتن حروف به یکدیگر در فارسی . به عبارت دیگر ما چون خطهای از اصل لاتین دونوع الفبای نگارشی ، یکی در حد چاپی و رسمی ، و دیگری تحریری و کوچک نداریم ، و اگر بشود اینطور گفت تنها یک نوع ادغام شده کوچک و بزرگ داریم که شرحش خواهد آمد . این مطلب در آن حدمهم بوده که بیش از یکصد و پنجاه سال پیش آخوندزاده ، و سپس میرزا ملکم خان ، از

طرحی نو...

روشن اندیشان سیاسی و فرهنگی آن زمان ، خطی پیشنهاد داده بود که حروف همگی جدا جدا نوشته می شدند . که البته موفقیتی هم کسب نکرد.

نویسنده در حد خود نمی داند این راجزومزایای نگارش فارسی قلمداد کند ، یا معایب آن بداند . چسبیده نویسی عیب نیست و خط تحریری لاتین نیز از بهم چسبیده نوشتن حروف ، که لازم نیست قلم از روی کاغذ برداشته شود ، تشکیل می شود . اینکه دسته ای از نویسندگان فارسی زبان چسبیده نویسی را باتدنویسی اشتباه گرفته و خط رابه اصطلاح شلوغ و درهم کرده اند ، یادر چسبیده نویسی برخی حروف فارسی اهمال کرده اند چه ایرادی برخط وارد است ؟

ضمن اینکه نباید فراموش کرد به هر حال زبان وبه تبع آن خط ، فارغ از هر گونه قانونمندی خواهان اینست که راه خود رابه اینسو و آنسوباز کند . واین زبانشناسان واهل لغت و نگارش هستند که باید به دنبال آن بدوند و قوانین مدون ازیرای آن تدوین کنند . ازاین جهت هر آموزشی در این راستا زحمت برداراست . ازباب نمونه در نظر بگیرید دانش آموزان چینی را که حداقل باید ۸۰۰ کلمه به منزله الفبا را یاد بگیرند . نوآموزان ژاپنی با کمی کمتر از این تعداد ، واطفال هندی که مثلاً باید با حدود ۴۰۰ زبان و تلفظ در کشورشان کار کنند . بااین وجود ایراد بر چسبیده نویسی در فارسی برای نوآموزان ایرانی

طرحی نو...

و علاقمندان خارجی به نگارش فارسی ، چیزی جز بزرگ کردن مسئله و نوعی ایرادبندی اسرائیلی به نظر نمی آید؟

حال که بحث چسبیده و جدانویسی پیش آمد لازم به افزودن می دانم حروف الفبای فارسی در عین حال استعداد تقسیم بندیهای بیشتری از این جهت رادارند ، از جمله نظریه برخی مشابهتهای ظاهری در دسته های متفاوت می گنجند: از جمله مشابهت ظاهری و تمایز فقط بانقطه ها ، ب پ ت ث ، ج چ ح خ ، س ش ص ض ، تداخل عربی و فارسی ط ظ ع غ ، ف ق ک گ ، ل م ن ه ی .

افزون بر آن برخی به طور مستقل قادر هستند به چهار صورت : اول ، وسط ، آخر چسبان ، و آخر جدا ظاهر شوند . در مقابل حروف : د ذ ر ز ژ و فقط به دو صورت جدا و آخر چسبان نموده می شوند . در حالیکه حرف الف به تنهایی [و گاه در اختلاط با همزه] در اول کلمه جدا ، چسبان معمولی در وسط و آخر ، چسبنده به ل (به شکل لا) ظاهر می شود . و این جدا از شکل الف مقصود است که در کرسی خط جای نمی گیرد و قبل از این ذکرش گذشت .

جدا یا چسبیده نویسی نه تنها به حروف میانی لغات و اسامی ، که به حروف افزودنی ابتدای آنها (پیشوندها ، پسوندها و...) مربوط است . اضافاتی از قبیل ب تأکیدی در اول برخی اسامی ، و امری در ابتدای بعضی افعال ، دیگر تر و ترین سازنده

طرحی نو...

صفات تفضیلی و عالی و نظایر آنان . بدون اینکه بخواهیم بحث تفصیلی در این مورد داشته باشیم ، از قول اهل فن می گوئیم که به استثنای ب تأکیدی اول افعال که به حرف بعدی باید چسباند ، در مقابل ب حرف اضافه بر سر اسامی باید به صورت به نوشته شود . در مورد بقیه ، خصوص پسوندها راحتی المقدور باید جدا نوشت و آنان را کلمات مستقلی فرض کرد، که در این صورت از وفوردندان در چسبیدگیها که گاه باعث تشتت و بدخوانی می شوند کاسته ، و به استقلال کلمه و ملحقات آن کمک شود.

به هر حال به اعتقاد صاحب این قلم تردیدی نیست که در حال حاضر خط فارسی پیوسته نویسی و جدا نویسی ، خصوص در ترکیبهای لغوی کلمات عمومن سلیقه ای عمل می شود ، و بدترین شکل این سلايق خود را در کیفیت گوناگون می و همی استمراری اوایل افعال ، به کارگیری علامت های جمع چون: ها ، ان ، جات ، یا قیود چون: هم ، هیچ ، حرف موصول که ، و از آنان بیشتر ضمائر شخصی متصل: مان ، تان ، شان حروف ربط: را ، چه ، چون ، علايم صفت تفصیلی و عالی: تر ، ترین ، بی (پیشوند نفی) ، به مفعولی ، ای (نشانه ندا) ، آن و این (اسم اشاره یا ضمیر اشاره) نشان می دهد.

و در مورد کلمات و عناوین ترکیبی ، پیوسته نویسی و یا جدا نویسی ، اختلاف سلیقه بیش از آنست که قابل شمردن در اینجا باشد. مانند علاقمند یا علاقه مند ،

طرحی نو...

اندیشمند یا اندیشه مند . به همین ترتیب مصدرها و فعل های مرکب و اسم های مشتق از آنها نیز به درستی امکان قانونمند کردنشان نیست که آیچسبیده نویسی درست است یا جدانویسی . نگه داشتن درست است یا نگهداشتن.

شاید در نوشته های معمولی این مشکل کمتر نمود داشته باشد ، ولی در جستجوی مطالب از اینترنت تولید اشکال قابل توجه است . چنانکه جستجوی هیچ کس نتایج متفاوتی را با جستجوی هیچکس می آورد . یا جستجوی کتاب شناسی و کتابشناسی . این مقوله حتا در نگارش نام و نام فامیل افراد هم تفاوت فاحش نشان می دهد .

این درست است که چنین کلمات در نوشتن و خواندن متن اشکال کمی تولید می کنند ، و هر آشنای به زبان فارسی با کمی تأمل می تواند آن را بخواند ، اما در فن آوری امروزه و تجزیه و تحلیل کلمات به کمک رایانه قدر مسلم اشکال اساسی محسوب ، و اگر قاعده ای جامع و مانع برای آن وضع گردد می شود گفت یکی از بزرگ ترین مشکلات خط فارسی در رایانه و دستگاههای چاپ حل شده است .

به نظر راقم این سطور همواره و تا آنجا که به اصل معنی لطمه نزنند ، باید بنا را بر جدا نویسی و هویت مستقل برای کلمه یا متمم قائل شدن نهاد . گرچه اذعان داریم که خط سنتی و لزوم وفاداری بدان ، عدم ایجاد گمراهیهای جدید ، و خلاصه عوامل و اسباب بسیاری مانع از این امر می گردد ، بنابراین بر عهده زباندانان کشورمان است که

طرحی نو...

با پرداختن به جزئیات ، قانون نامه محکم و فراگیری برای این قاعده ها و استثناها تدوین و به کمک نیروی همگانی ، و از جمله حکومتی به اجرا گذارند .

یک نمونه دیگر از این سردرگمی مربوط به ضمایر متصل ملکی افعال است که نمی شود تصمیم گرفت ترجیح بر جدا نویسی است ، مگر اینکه چسبیده نویسی اش عمومیت داشته باشد و در کلام قدما آمده باشد . در حالت اول از باب نمونه ترجیح بر اینست که گفته شود « کتابهای درسی ام رابه اودادم » در حالیکه مرسوم و جا افتاده چنین است « کتابهای درسیم رابه اودادم » . ولیکن در مورد ضمایر متصل فاعلی و مفعولی سنت به مامی گوید اصل بر چسبیده نویسی است . نوشتم ، نوشتی ..

یک مطلب دیگر که شاید به گفتنش بیرزد اینکه چسبیده نویسی در حروف با انحنایی که ایجاد می کند گویی باعث ایجاد تنوعی در خط ، و از حالت یک نواختی در آوردن آن می شود . اینکه مثلن حرف ع یا مشابه آن به چهار شکل نوشته می شود به نوعی باعث خلجان ذهنی ، و خلاصه تنوع طلبی می گردد که از شدت عمومیت هر گزبه آن توجه نداشته ایم .

و دست آخر اینکه خوشبختانه همه این اشکال نگارشی در صفحه نگارش رایانه موجود و نیازمند افزودن چیزی نیست . امامهم استاندارد کردن این اشکال نگارشی و رسمیت بخشیدن بدانهاست .

طرحی نو...

کلام آخر اینکه رعایت امرجدانویسی در عین حال باعث صرفه جویی در صفحه نگارشی می گردد ، بدین معنی که با پایان یافتن سطر، بخش دوم یا افزونه کلمه در سطر بعدی [با افزودن خط تیره کوچکی در آخر کلمه ماقبل به شیوه اروپایی] آورده شود، که بدین واسطه کمک مؤثری هم به تنظیم سطور ، وهم به صفحه بندی متن می شود .

در پایان این مبحث قابل یادآوری مجدد می دانیم تردیدی نیست که در دستور و نگارش فارسی (مثل عربی و...) موارد استثناء فراوان ، وهمین غالباً مانع از وضع قوانین کلی برای چنین اموری نماید . اما فراموش نکنیم این این استثنا و قاعده در تمام زبانهای زنده دنیا موجود، و اصولاً وضع قواعد از برای استثناءهاست که شکل می گیرد . ضمن آنکه همواره باید اصل بروض قواعد کلی باشد .

۱۳ - دندانان داشتن حروف و عدم دقت لازم برای آن.

بله ، این واقعیتی است که علاوه بر حروف کوچک ب پ ت ث ، دو حرف س و ش دندانان دار ، و قطعاً در دستنویسی آنان احتمال بروز هرگونه اهمال و بی دقتی می رود ، و واقعیت بدتر اینکه دیده شده و دیده می شود [شاید به تبعیت از خوشنویسی] که حروف دندانان دار برای زیبایی بیشتر به صورت کشیده و بی دندانان نوشته می شوند ، آنچه قطع محل اشتباه در خواندن توانند بود. اما این طبیعی است که هر خطی اگر بی

طرحی نو...

مبالاتی در نگارش آن شود خواندنش بامشگل همراه خواهد بود. خصوص در دست نوشته ها که غالباً با عجله و ارتجالی به نگارش درمی آیند. در حالیکه در اینجا نظر مایشتر بر صفحه نگارش رایانه و ماشینهای چاپ است که از این جهات چیزی کم ندارند. این دنداندار بودن و پیچ و خم که در مقاطعی هم از چسبندگی حروف کوچک حاصل می شود به تصور بعضی از نشانه های نفوذ الفبای عربی در فارسی است، ولی به واقع از همان زمان پیش از اسلام با آن همراه بوده است، نگاهی به خطوط باز مانده اوستایی از آن ایام بیندازید تا این حقیقت بر شمار روشن شود. بنابراین باید گفت این مورد از ویژگیهای خاص خط فارسی است و در آن تردید نکنیم. آنچه من مقایسه اش می کنم با پیچ و خم نگارش تحریری حروفی از قبیل **z** و **γ** در انگلیسی.

۱۴ - همشکلی ظاهری برخی حروف و تنهاتفاوتشان در نقطه و سرکش.

منظور حروف چون ب پ ت ث، ویا ج چ ح خ و س ش و ک گ در الفبای فارسی است که تنها اختلا فشان نقطه گذاری یا سرکش گذاری آنانست، برای پی بردن بیشتر به این قضیه کلمات زیر را در نظر بگیرید که با یک یا چند نقطه معنی عوض و یاعت بدخوانی می شوند بر، بر، پر، پر، تر، پز، پز، بز، تز. چنین اهمال و اشتباهاتی در دست نوشته ها متصوّر، خصوص در خوشنویسی قابل جابه جاشدن و در نتیجه

طرحی نو...

انحراف از معنی می گردد . راقم این سطور ناچار به اعتراف است که این ایراد به خط فارسی سابقه ای قدیم دارد . در جایی از قول انگلس ، فیلسوف قرن نوزدهمی و همکار کارل مارکس ، و در نوشته ای از اومی خواندم که گفته بود :

« حال که قرار است چند هفته ای صرف کنم ، فرصت را غنیمت دانسته ، فارسی را فرا خواهم گرفت . در مقایسه می توان گفت فارسی بسیار آسان است . اگر به خاطر الفبایش نبود که هر پنج حرفش حرف آن عینا شبیه پنج حرف دیگر است و اصوات آن نوشته نمی شود . کل دستور زبان آن را در عرض ۴۸ ساعت فرا می گرفتم...»

پس طبعاً در خط پیشنهادی ، لااقل تا آنجا که به موارد دهنری مربوط نمی شود و تفهیم ساده مطلب منظورست ، وضوح نویسی توصیه ، تا از چنین اشتباهات پیشگیری شود . از آن گذشته من از تجربه شخصی خودم بگویم که در خطوط دستنوشته قدیم فرانسوی همواره حرف R را گم می کردم ، چرا که هم در تلفظ متفاوت [جنوبهار] و پاریسیها غ تلفظ می کنند [وهم بسیار پیچیده و باادواصول خاصی نوشته می شد . خط فارسی بیچاره چه گناهی دارد که گاه از این ادواصول هادر نگارشش به کار نرود! .

۱۵- مشکل علایم خارج از کرسی خط چون نقطه ها، تشدید و تنوین .

نقطه داشتن بر سر بعضی حروف ، چنانکه قبل از این گذشت ، اگر بی مبالاتی در گذاشتنشان نشود در نوع خود عیب مهمی تلقی نمی شود ، در هر سه زبان اصلی منشعب از لاتن (اتگلیسی ، فرانسه و آلمانی) آثار این نقطه ها و دیگر علایم تکمیلی تلفظ بر بالای حروفی ، کمتر یا بیشتر ، مشهود است . از آن گذشته می ماند علایم دیگر چون سرکش الف [وقتی مصوت بلند است - آی با کلاه] یا نشانه تشدید که به هر حال تکرار و تأکید

طرحی نو...

از حرفی ، به جای نگارش ناخوشایند دو حرف یکسان در کنار هم ، رانشان می دهند .
در دیگر خطوط هم مرسوم و اختصاص به خط فارسی ندارند . ضمن اینکه این نشانه ها
در صفحه نگارشها هم بعینه موجود و استفاده می شود . در مورد علامت تنوین هم با
نگارش ن در متن آنها ساقط می شود .

۱۶ - رعایت نکردن فاصله مناسب بین کلمات در جهت استقلال آنها.

این فاصله گذاری با آن مقوله جدانویسی و چسبیده نویسی بی ارتباط نیست . از
آنچه مسلم است رعایت فاصله مناسب بین کلمات یک متن از باب حفظ استقلالشان
[توصیه کارشناسان برنیم فاصله است که در صفحه کلید رایانه با فشردن دکمه space
حاصل می شود] کمکی بزرگ در به خوانی ، و این خود به زعم مایکی دیگر از آن
مطالب تأثیر گذار در نگارش فارسی و تفهیم و تفاهم صحیح آنست .

به بیان دیگر ، سوای ترکیباتی که به طور سنتی و توسط عموم معمولن چسبیده
مرجح دانسته شده اند . ترکیب هایی همچون «راهدار» ، «کتابدار» ، «هوشمند» ،
«روشمند» ، «قانونمند» ، «حسابگر» که نوشته شدنشان به طور جدانویسی لطمه به درک
و تفهیم آنان می زند ، ترکیب های جدید تر بهتر است جدا جدا نوشته شوند : «ماشین رو» ،
«دروازه بان» ، «یک پارچه» ، «خوش رو» و مانند این ها که ملاحظه می شود با همین
نیم فاصله ها از یکدیگر جدا شده و خواندنشان آسانست

طرحی نو...

ناگفته پیداست که در حالت عادی این فاصله گذاری در حدنیم فاصله ، و در اختتام یک کلمه و شروع کلمه بعدی الزامی ، یادر پایان جمله ، و یا نقطه سرخط شدن و آمدن علائم ارتباطی چون نقطه و ویرگول بیش از بیش ضرورت می یابد . در اهمیت قضیه همین بس که گاه می شود یک فاصله اضافی معنی متفاوتی و یا متضادی به دست می دهد مثل مادر ، ما در .

تجربه به مانشان داده است که جز نوآموزان پایه ی اول و دوم دبستان ، بزرگ سالانی که در خواندن چیره دست شده اند عملن برای خواندن واژه ها تک تک حروف را از نظر نمی گذرانند، به ویژه در متنهای طولانی . بلکه به طوری با شکل کلی هر واژه آشنا یی یافته و تصویر آنرا در ذهنشان بایگانی کرده اند که فردیت حرف هادر خواندنشان کمرنگ می نماید . تا آنجا که حتی اگر حرفی در میان کلمه ای معمول از قلم افتاده باشد ناخود آگاه اصلاح و کار خواندن را پی می گیرند . اماحتا برای بزرگ سالان این امر زمانی مقدور است که رعایت فاصله مزبور شده باشد.

طرحی نو...

ارائه دونمونه از نوشتن متون قدیم وجدیدبه شیوه پیشنهادی این اصلاحنامه

الف :

از دیباچه گلستان شیخ سعدی :

مِنتِ خدای راعَزَّوَجَلَّ . که تاعتش (طاعتش) مُوجبِ عُربت (قربت) است . وبه
شُکراندرش مَزیدِ نِعْمت . هَر نَفْسِ که فرومی رُود مُفرَّه (مفرَح) ذات (ذات) است ،
و چون بر آید مُمدِّ هَیات (حیات) . پس در هَر نَفْسِ دو نِعْمت موجود ، و بر هَر نِعْمت
شُکری واجب .

از دست وزبان که بر آید کز عهده ی شکرش به در آید.

بنده همان به که ز تغسیر (تقصیر) خویش

عُزر (عذر) به درگاه خدای آورد

ورنه سزاوار خداوندیش

کس نتواند که به جای آورد

باران رهمت (رحمت) بی هسابش (حسابش) همه را رسیده ، و خان (خوان) نعمت

بی دریغش همه جا کشیده . پرده ی ناموس بندگان به گناه فاهش (فاحش) ندرد ، و

وزیفه ی (وظیفه ی) روزی خاران (خواران) به ختای (خطای) مُنکر نُبرد

ای کریمی که از خزانه ی غیب گبر و ترسا وزیفه (وظیفه) خور داری

دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمنان این نزر (نظر) داری

طرحی نو...

فَرَّاش باد سبا (صبا) را گفته تا فرش زُمرّدین بگسترد ، و دایه ابر بهاری را فرموده
تا بَنات نَبات را در مَهْد زمینِ پِرورد . دِرِختان را به خِلعت نوروزی غبای (قبای) سبز
ورغ (ورق) در بر کرده ، و اطفال (اطفال) شاخ را به غدوم (قدوم) مُوسم ربیع کلاه
شکوفه بر سر نهاده . عُساره ی (عصاره ی) نالی به غدرت (قدرت) او شهد فایغ (فایق)
شده ، و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسغ (باسق) گشته.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار

شرط انصاف (انصاف) نباشد که تو فرمان نبری

در خبرست از سرور کاینات و مَفخر موجودات ، ورهمت (رحمت) عالمیان و

سفوت (صفوت) آدمیان و تتمه ی دور زمان ، محمد مصطفی (ص)

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بهر (بحر) آن را که باشد «نوح» کشتی بان

هر گاه که یکی از بندگان گنه کار پریشان روزگار ، دست انابت به امید اجابت به

درگاه خداوند بر آرد ، ایزد تعالی در او نزر (نظر) نکند. بازش بخواند دگر باره اعزاز

(اعراض) کند، بازش به تزرّع (تضرّع) وزاری بخواند. هغ (حق) سبحانه و تعالی فرماید

طرحی نو...

دعوتش را اجابت کردم و هاجتش (حاجتش) بر آوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده
همی شرم دارم.

گرم بین و تُتف (لطف) خداوندگار گُنه بنده کرده است و او شرمسار
عاکفان کعبه ی جلالش به تقصیر (تقصیر) عبادت مُعترف ، و واسفان (واصفان)
جمالش به تهیّر (تحیّر) منسوب .

گر کسی وسف (وصف) او ز من پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز؟
عاشقان کشتگان معشو غند (مешوقند) بر نیاید ز کشتگان آواز

ب : ازمتون خبری جدید

زبان و ادبیات فارسی در کشورهای دیگر

زبان و ادبیات فارسی به عنوان دوّمین زبان جهان اسلام، و زبان هوزه (حوزه) فرهنگ
و تمدن ایرانی، با هزاران آثار گرانسنگ در زمینه های مختلف ادبی، عرفانی، فلسفی،
کلامی، تاریخی، هنری و مذهبی (مذهبی)، همواره مورد توجه و اعتقاد (اعتقاد)
ایرانیان و مردمان سرزمینهای دور و نزدیک بوده است. علی رغم حوادث و
رویدادهای پر تب و تاب، و گاه ناخوشایند سه سده ی اخیر، باز هم این زبان شیرین و
دلنشین امروزه در دورترین نقاط جهان حضور و نفوذ دارد.

این هُزور (حضور) و نفوز (نفوذ) حکایت (حکایت) از آن دارد که در ژرفای زبان و

طرحی نو...

ادب فارسی آنقدر معانی بلند و مزامین (مضامین) دلنشین علمی، ادبی، اخلاقی (اخلاقی) و انسانی وجود دارد که هر انسان سلیم تبعی (الطبعی) با اطلاع (اطلاع) و آگاهی از آنها، خود به خود به فارسی و زخایر (ذخایر) مندرج در آن دل می سپرد. که اگرچنین نبود ترجمه و تعلیف (تألیف) هزاران کتاب و مقاله (مقاله) از سوی خارجیان درباره آسار (آثار) جاودان و جهانی ادب فارسی مانند؛ شاهنامه فردوسی، خمسه حکیم نظامی گنجوی، گلستان و بوستان شیخ اجل، مثنوی مولانا جلال الدین بلخی، غزلیات خواجه حافظ شیرازی و رباعیات حکیم عمر خیّام، چهره نمی بست، و هزاران ایرانشناس و ایراندوست غیر ایرانی دل و عمر بر سر شناخت، فهم، تفسیر و ترجمه این آثار ارزنده در نمی باختند.

زبان فارسی به عنوان یکی از زبانهای همراه اسلامی، و زبان هوزه (حوزه) فرهنگ و تمدن ایرانی، علاوه بر ایران در سرزمینهایی مانند؛ هند، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، بنگلادش، ازبکستان، ارمنستان و آذربایجان هنوز هم علاقه (علاقه) مندان و هواداران بسیاری دارد. اما در میان این کشورها به خصوص کشور هند و زع (وضع) خاصی دارد، چرا که زبان فارسی غریب (قریب) به هزار سال زبان دین و زبان رایج در دادگاهها و دربارهای آن بوده است.

ورود و حضور زبان فارسی در سرزمین هند سبب گردید تا شاعران، نویسندگان و

طرحی نو...

عارفان بزرگ هندی این زبان را برای بیان افکار و احساسات خویش برگزینند ، و هزاران اسر (اثر) گرانبها و ارزشمند در زمینه های ادبیات ، عرفان ، فلسفه ، کلام ، زبانشناسی ، تفسیر و تاریخ به وجود آورند . با اغتدار (اقتدار) حکومت های مسلمان و گسترش روایت (روابط) با ایران ، و مهاجرت ایرانیان به هند زبان فارسی رفته رفته رونق (رونق) یافت ، و تا بدانجا پیش رفت که زبان علم و سیاست شبه غاره (قاره) گردید.

حزور (حضور) همه جانبه زبان و فرهنگ فارسی تا آمدن انگلیسی ها در قرن هفدهم به هندوستان ادامه داشت . اما از این تاریخ به بعد این حضور (حضور) اندک اندک کم رنگ ، و حتی آرام آرام زبانهای مهلی (محلی) و انگلیسی جای آن را گرفتند ، به طوریکه از اواسط قرن نوزدهم زبان و ادبیات فارسی در هند به تدریج ضعیف (ضعیف) و ضعیف تر (ضعیفتر) شد و ستاره ی درخشان آن رو به افول نهاد.

با برچیده شدن بساط (بساط) استعمارگران انگلیسی در سال ۱۹۴۷ ، فارسی به دوران تازه ای در هند عدم (قدم) نهاد ، سدها (صدها) دانشگاه و مدرسه علوم دینی به زبان فارسی توجه نشان دادند . در همان حال برخی جریانهای سیاسی و فکری و مذهبی (مذهبی) سعی کردند تا زبان فارسی را بی اعتبار و از کار افتاده جلوه دهند . ولی تلاش آنها به ثمر نرسید ، و همچنان شعر و ادب فارسی گوی سبغت (سبقت) را در جهان ادب

طرحی نو...

هندربوده و به خود اختصاص داده است . و چه خوش گفته اند که زبان فارسی در
آنجا شکرشکن و خوش گفتار است .

شکرشکن شوندهمه توتیان (طوطیان) هند

زین غند(قند) پارسی که به بنگاله می رود [حافظ]

پایان